



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ - ۱۶ محرم ۱۴۴۷
سال بیست و هفتم - شماره ۷۲۴۹ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرمقاله

موج سوم رستاختیز ملی ایرانیان



عبدالله کنجی
کارشناس سیاسی

ایران پررنج و امید، در دوران معاصر (دوران آشنایی با غرب جدید) حلاوت‌ها و موارث‌های زیادی کشیده است که عمده آنها به فرهنگ سلطه‌ناپذیری و ظلم‌ستیزی ایرانیان برمی‌گردد. قبل از انقلاب اسلامی از ملت خبری نبود. نه در دو جنگ جهانی و اشغال کشور، نه در آوردن و بردن پهلوی اول، نه آوردن پهلوی دوم، نه حذف مصدق و نه قرار دادهای ننگین استعماری، ملت ایران ظهور و بروز نداشتند. شاید تنها حضور ملت را در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بتوان دید که قوام را سرنگون کردند و مصدق را به قدرت بازگرداندند و دیگر هیچ. امام، ملت ایران را وارد صحنه کرد و این ملت آنقدر در خشید که خود ایشان دو بار این ملت را بهتر از ملت رسول‌الله و ملت امیرالمؤمنین در کوفه ذکر کردند و یک صفحه از وصیت‌نامه خویش را به استدلال در چرایی این تشبیه اختصاص دادند. ایرانیان بعد از انقلاب در همه صحنه‌ها فروداند. اصلاً جمهوری اسلامی بحران و حادثه‌ای نداشته است که بدون مردم حل کرده باشد. اما سه موج آن به مثابه رستاختیز و دمیدن روحی جدید در ملت بودگی ایرانیان است.

موج اول انقلاب اسلامی است که تولدش معجزه‌گون شد. غلبه ملت با دست خالی بر بزرگ‌ترین قدرت همسو با غرب در غرب آسیا پدیده‌ای منحصر به فرد بود که هنوز در تولیدات متون و کتب اندیشمندان داخلی و غرب جذاب است این خیزش به صدها سال سلطه حاکمان طاغوتی (غیر الهی) بر ایران پایان داد و برای طی مسیر خود با همه‌های عجیب و غریبی مواجه شد و این ملت هستند که تاکنون همه توطئه‌ها را به دیوار کوبیده‌اند و دشمنان عمر جمهوری اسلامی را شش ماه، شش ماه تمدید می‌کنند.

موج دوم خیزش ایرانیان با جنگ تحمیلی شروع شد که تورو مسئولین کشور نیز در دل آن و در سال ۱۳۶۰ اتفاق افتاد. سیل حضور مردمی به‌سوی جبهه‌ها به گونه‌ای بود که از ۲ فروردین ۱۳۶۱ تا ۲۳ تیرماه همان سال، سه عملیات بزرگ فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان طراحی و اجرا شد. حال آنکه ارتش فروپاشیده و سپاه کم‌تجربه ما به تنهایی قادر به این امر نبود. فتح‌الفاتح امام در جنگ - به تعبیر رهبر معظم انقلاب - تربیت جوانان خداجوی بسیجی شد و استمرار روح اسلام انقلابی - به تعبیر امام - در جنگ اتفاق افتاد و دهه‌ها جمهوری اسلامی را بیمه کرد. محاسبات دشمن را گویا کرد که چطور ملتی با دست خالی با بیش از ۴۴ کشور جنگید و پیروز شد. هر شهیدی وارد کوچه یا روستایی می‌شد فردایی را رقم می‌زد که جوانان آن دیار را به سوی جبهه می‌کشاند و به تعبیر شهید آوینی جوانانی که طبع و طبیعت‌شان لذت بردن از موهب حیات بود یا اشاره آن خلف صالح انبیا هزار وار در میدان‌هایی شدند که یک احتمال برای زنده ماندن نبود. این در حالی بود که پهلوی در سال‌های منتهی به انقلاب در کشوری که ۴۶ درصد فقر مطلق و ۴۶ درصد بی‌سواد مطلق داشت در همه استان‌ها کاخ جوانان - یخ‌انبار کابل - می‌ساخت اما امام و ملت این دیگ را واژگون کردند.

موج سوم رستاختیز ایرانیان با حمله ۲۳ خرداد امریکا و صهیونیست‌ها اتفاق افتاد. ملت تحت تحریم و تورم یک دهه همه مشکلات را فراموش کردند. منطق جمهوری اسلامی در وجود تک‌تک ملت فهمیده شد که ما در حال مذاکره بودیم و به آن مذاکره هم بدون تخلف از قوانین بین‌المللی کشیده شده بودیم. اما به ما حمله کردند. ملت با ریشه ایران فهمید در قدرت اتمی بالارزی هسته‌ای صلح‌آمیز مامخالفت کردند و تاجنگ پیش رفتند. یک کشور بی‌ریشه جعلی ۷۰ ساله و یک کشور ۲۰۰ ساله به ملتی ۷۰۰ ساله جنگ و دندان نشان دادند. رستاختیز اینجا شروع شد که هم منطق نظام قوی بود، هم دشمن به سرباز و سردار و خیرنگار، دانش‌آمو، دانشجو و هنرمند و پزشک و زندانی وزن و کودک رحم نکرد. ما دوباره تمرین ملت بودگی کردیم، دوباره تمرین تحمل کردیم. نسل Z که به خاطر ارتباطات فراملی و فرامرزی و بازی‌های آنلاین جهانی، دغدغه‌های ملی‌اش کم شده بود با مفاهیمی مانند «دشمن»، «زور گویی»، «قانون جنگل»، «امنیت»، «قدرت بومی»، «درندگی دشمن» و... آشنا شد و به

بقیه ملت پیوند محکم‌تری خورد. ارزش رهبری در روز حادثه مضاعف شد و غلبه قدرت ایمان بر فناوری بر تر به نمایش گذاشته شد. خسارت دیدیم اما شکست نخوردیم. ضربه خوردیم و مغلوب نشدیم. غرور ایرانیان تالار خورشیدگونه یافت و سلاقی کم شد و وطن در سپهر سیاسی ایران بر جسته‌تر شد. ما مردم فرصت‌ساز از دل تهدید هشتیم و این گونه پیش می‌رویم.

آن نماز جمعه استثنایی، آن تجمعات شبانه، آن تشییع فرزندان ملت، آن ایثار نسبت به همدیگر، آن همراهی مردم امریکا و اروپا و آسیا با ملت ایران نمونه‌هایی از این فرصت بود. مدل فرهنگی ما را که در مکتب‌مان «خون بر شمشیر پیروز است» و «چکشید ما را ملت ما پیدارتر می‌شود»، دوباره دیدیم. خون شهیدان ما - خصوصاً سرداران و دانشمندان - سال‌ها ایران را بیمه خواهد کرد. جوانان ما با روح حاجی‌زاده زندگی خواهند کرد و خیمه حاج‌قاسم بزرگ‌تر خواهد شد. اپوزیسیون همسو با دشمن دهها سال پس رفت و عریان شد. برای فردا هوشار باشیم و تجربه و آسیب امروز را فرصت فردا کنیم.

کاسبان سیاسی علیه انسجام ملی

بوده است. زاهد همچنین مدعی شد ۷۰۰ نفری که گفته شده مزدور موساد بوده‌اند و دستگیر شده‌اند «حتماً» همین توبیت‌زن‌ها بوده‌اند یا کسانی که استوری گذاشته‌اند! این ادعا نیز مزخرف است و فقط نشان از کاسبی این افراد از موقعیت‌ها برای القای نفوذ گسترده در مقامات بالا دارد. ظاهر آن افراد کسانی را از مقامات سیاسی رقیب نشان کرده‌اند تا اتهاماتی را به آنان بچسبানند و جنگ را فرصت مناسبی برای تخریب چهره نظام و چهره رقیبان سیاسی خود می‌بینند. در سوی دیگر میرحسین نیز با همین رویه به میدان بیابیه آمده است! این‌ها همه در فضایی است که کشور یکی از تاریخی‌ترین انسجام‌های ملی را حول مقاومت مقابل دشمن تجربه می‌کند | صفحه ۲

اتحادیه پیمانکاران اسرائیل اعلام کرد دست کم به ۴۰ هزار کارگر فوری برای بازسازی ویرانه‌های تل آویو به‌جامانده از حملات موشکی ایران نیاز است

صفحه ۱۵

۴۰ هزار کارگر نیاز بازسازی «تل آویو له شده»



جای موشک‌های ایران «العدید» را سیاه کرد!

تصاویر تازه راست‌آزمایی‌شده از پایگاه امریکایی العدید در قطر نشان می‌دهد برخلاف اظهارات ترامپ دروغگو دست کم دو بخش از جمله یک آنتن پوش بدواز موشک‌باران ایران کاملاً تخریب شده است | صفحه ۱۵



یادداشت بین‌الملل

هادی محمدی

قاعده‌سازی جدید برای بازدارندگی

طی ۱۲ روز جنگ، اراده اجتماعی و ساختاری و نظامی ایران برای ایستادگی و ضربه دشمن متجاوز کاملاً آشکار شد. اگرچه نظام اسلامی ایران هیچ‌گاه به دنبال جنگ نبوده و در جایگاه دفاع از کشور، مردم و نظام قدرتمندانه ظاهر شده است ولی جنگ شناختی و روانی دشمن و طمع‌ورزی آنها باید متوقف شود. اعتراف به شکست و عقب‌نشینی برای این جبهه شرارت زمانی است که امکان استمرار سیاست تجاوز کارانه با اهداف استعماری و غارتگرانه را برای خود پرهزینه یا غیر ممکن ببینند | صفحه ۱۵

یادداشت اجتماعی

مهدی مولایی

خواستنی خوان‌کنی اما ستودی!

نامه‌ای منتسب به وزیر دفاع پیشین رژیم صهیونیستی، خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی که به قصد تهدید و ارباب‌نوشته‌شده، اما در لایه‌های پنهان خود، به ستایشی ناخوشانه از رهبری حکیمانه و مدیریت بی‌نظیر ایشان تبدیل شده است. او ادعا می‌کند که «زدیک به سه دهه، رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را از نزدیک مطالعه کرده» و هر گام و تصمیم ایشان را زیر نظر داشته‌است. او ناخواسته به عمق نفوذ و تأثیرگذاری رهبر انقلاب در معادلات منطقه‌ای و جهانی گواهی می‌دهد | صفحه ۲

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

اعتماد مردم را آب نکنید

این روزها دوباره صدای گرائی آب شنیده می‌شود؛ صدایی آشنا که هر بار با برچسب «اصلاح الگوی مصرف» به خانه‌های ما می‌رسد و پیام ساده‌ای دارد: کمتر مصرف کنید، بیشتر بپردازید. وزارت نیرو در این مورد ندان‌د. ادعاهای رژیم صهیونی دربارۀ تلفات ایران، نمونه‌ای بی‌سابقه از مهندسی آمار برای فریب افکار عمومی است. این ارقام بر اساس معادلات سیاسی طراحی شده‌اند و تناقض‌های عددی آن چنان فاحش است که منطق ریاضی و تجربیات میدانی جنگ را به چالشی مضحک کشیده است | صفحه ۴

یادداشت سیاسی

سبحان حافظی

اسرائیلیات آمار

هر چند در طول تاریخ نمونه‌های مکرری از جعلیات و تحریفات به دست بنی‌اسرائیل گزارش شده که ما آنها را به‌عنوان «اسرائیلیات» می‌شناسیم، اما گویا در زمانه حاضر نیز ژانر آنها، یعنی صهیونیست‌ها دست کمی از این مورد ندارند. ادعاهای رژیم صهیونی دربارۀ تلفات ایران، نمونه‌ای بی‌سابقه از مهندسی آمار برای فریب افکار عمومی است. این ارقام بر اساس معادلات سیاسی طراحی شده‌اند و تناقض‌های عددی آن چنان فاحش است که منطق ریاضی و تجربیات میدانی جنگ را به چالشی مضحک کشیده است | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

عباس حاج‌نحاری

پیروزی‌نمایی با اعتراف به شکست!

سختان نتانیا‌هو مبنی بر اینکه مردم ایران خودشان باید نظامشان را تغییر دهند اعتراف به شکست سیاست‌های چندساله‌ای است که غرب در سال‌های اخیر از طریق براندازی نرم با حمایت از جریان‌های ضدانقلاب و با ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ای برای ایجاد دوگانگی در داخل ایران و مقابل قرار دادن مردم با نظام جمهوری اسلامی در پی آن بودند و این اعتراف تلخ او نشان‌دهنده این است که تهاجم دوازده‌روزه دستاوردی جز ناکامی دشمن نداشت | صفحه ۲

ایران	
پیروز نمایی بااعتراف به شکست!	
	
عباس حاجی‌نجاری	
کارشناس سیاسی	

استفاده از عباراتی نظیر «همه تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کردیم»، «خلبانان ما از سال ۲۰۰۰ برای حمله به ایران تمرین می کردند»، «از بزرگ‌ترین بمب‌های غیر هسته‌ای در طول تاریخ علیه ایران استفاده کردیم»،بخشی از عباراتی است که در جریان استقبال ترامپ از نتانیاهو در کاخ سفید، این دو جنایتکار تاریخ برای پیروز نشسان دادن خود در جریان تجاوز ۱۲ روزه به خاک ایران مطرح کرده و حتی رئیس‌وزیم صهیونیستی

که خود به اتهام جنایت جنگی تحت تعقیب داد گاه کفیری بین‌المللی قرار دارد،انکارگری برای معرفی ترامپ برای دریافت جایزه صلح نوبل به خاطر این جنایت و دیگر جنایت‌های او سخن به میان می‌آورد و این در حالی است که روح حاکم‌بر این نشست اعتراف به چند شکست تاریخی است که ایران دو تا جنایتکار و دیگر متحدان‌شان در طول این عملیات دوازده‌روزه و برنامه‌ریزی چندساله، دچار آن شده‌اند.شکست‌هایی چون:

۱-اعتراف به شکست در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، سخنان نتانیاهو مبنی بر اینکه مردم ایران خودشان باید نظامشان را تغییر دهند اعتراف به شکست سیاست‌های چندساله‌ای است که غرب در سال‌های اخیر از طریق براندازی نرم با حمایت از جریان‌های ضدانقلاب و با ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ای برای ایجاد دوگانگی در داخل ایران و مقابل قرار دادن مردم بانظام جمهوری اسلامی در بی‌ان بودندواین اعتراف تلخ اوشان‌دهنده این است که تهاجم دوازده‌روزه که مهم‌ترین هدفش براندازی نظام و تجزیه ایران بود دستاوردی جز ناگامی دشمن دررسیدن به این دو هدف و در نقطه مقابل ایجاد وحدت و انسجام ملی میان ایرانیان در داخل و خارج از کشور ذیل ارزش‌های اسلامی و ملی نداشت.

۲-اذعان به ناتوانی از بر زین بران توان هسته‌ای و موشکی ایران بااین ادعا که ممکن است برای آن بین بردن آنها حملات را از سر بگیرند.

۳-التماس برای مذاکره و دروغ‌پردازی‌ها نسبت به آمادگی ایران برای انجام مذاکره و این در حالی است که به رغم ادعای ویتکاف در مورد برگزاری مذاکره بانامیده‌ایران، سخت‌گویی وزارت خارجه ایران هر گونه ارتباط برای مذاکره را تکذیب کرده است.

۴-درخواست مجدد از مردم ایران که دیگر مرگ بر امریکا و مرگ به اسرائیل نگویند.این نشان دهنده آن است که این شعارها چقدر در ایجاد نفرت علیه این دو رژیم متجاوز در جهان اهمیت دارد. ترامپ که زمانی رفع تحریم‌های ایران را ام‌وکل به صفر رسانیدن فعالیت‌های هسته‌ای کرده بود، حالا رفع تحریم‌ها را ام‌وکل به ندانن شعار مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل می‌کنند!

و این در حالی است که این سفر در شرایطی صورت گرفته که رژیم صهیونی درگیر بحران‌های بی‌سابقه داخلی و خارجی است. این سفر که با تأخیر ناشی از تنش‌های ائتلافی آغاز شد، تصویری گویا از عمق بحران مشروعیت در ساختار قدرت تل و یوآرانه می‌دهد مضافا پراینکه ناگامی امریکا و رژیم صهیونی در مهار مقاومت مردم فلسطین و به‌ویژه عملیات مقاومت فلسطین علیه نظامیان متجاوز که به کشته و زخمی شدن چند نظامی متجاوز انجامید براین سفر سایه انداخته است.

هر چه که از روز ۲۳ خردادماه، روز آغاز تهاجم مشترک رژیم صهیونیستی و امریکایی جنایتکار به خاک میهن اسلامی‌مان می‌گذرد، اهمیت ایستادگی و مقاومت مردم و نیروهای مسلح ایران در خنثی‌سازی راهبرد دیرینه نظام سلطه برای فروپاشی جمهوری اسلامی و تجزیه ایران ذیل هدایت‌های حکمرانه رهبر معظم انقلاب، آشکار تر می‌شود، عملیاتی که بااتکا به تمامی توان نظامی امریکا و دیگر متحدان غربی و با بهره‌گیری از آخرین فناوری‌های ارتباطی، هوش مصنوعی، بهره‌گیری از مزدوران داخلی و… برای به پیروزی رساندن صهیونیست‌ها به عنوان مزدور نیابتی غرب آغازشده بود، اما به رغم طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها چندین ساله و با وجود ورود مستقیم امریکا به جنگ، این تجاوز با پاسخ قدرتمندها تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با اتکا به توانمندی‌های داخلی به شکست انجامید و هزینه‌های زیادی را بر مردم ایران تحمیل کرد، اما نهایتا با در خواست آتش‌بس از سوی ترامپ و نتانیاهو و نه از سوی ایران جنگ متوقف و ملت ایران بار دیگر پیروزی در برابر یک جنگ تحمیلی را که اگر چه به درازای هشت‌ساله دفاع مقدس نبود، تجربه کرده و نشان داند که به رغم تحمل بیش از چهار دهه تحریم و فشار و تهدید، با اتکا به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی قادرند در برابر مهاجمانی باشند که به اعتراف ترامپ، از ۲۰ سال قبل خود را برای تهاجم آماده کرده بودند تهاجمی که در آن تمامی ظرفیت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی قدرت‌های سلطه‌گر غربی به کار گرفته شده بود.

بدیهی است که در این میدان دشمن شکست خورده آرام نخواهد نشست و چیسما ممکن است با تجدید قوا و انجام هماهنگی‌های لازم که سفر نتانیاهو یکی از ابعاد آن است، تلاش کند که اشتباه گذشته خود را تکرار کند که البته پیش‌نیاز آن بر هم زدن وحدت و انسجام ملی و دامن زدن به دوقطبی‌های کاذب نظیر دوقطبی میدان و دیپلماسی و… است، و به همین منظور حتی ممکن است که برخی از عوامل سوءنسخه خود را در قالب فعال سیاسی، اقتصاددان و… به میدان آورد تا در این وحدت ایجاد انشقاق کنند. متأسفانه چند روزی است که در این عرصه، سازهای ناگوکی نواخته می‌شود که دشمن را جری و امیدوار می‌کند. فراموش نکنیم که این پیروزی بزرگ با مدیریت الهی رهبری، حمایت خاتنه مردم در زیر شیدت‌ترین میباران‌های دشمن و پاسخ مقتدرانه نیروهای مسلح حاصل شد و نباید اجازه داده شود با اظهارات و اقدامات سنسجیده کسی یا کسانی به یک‌باره بر باد رود.

خبر آخر: علی لاریجانی: ایران دهان ترامپ را بست

مراسم بزرگداشت سردار سرلشکر شهید «محمدسعید ایزدی» معروف به «حاج رمضان»، مسئول بخش فلسطین در نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عصر دیروز در مسجد پیامبر اعظم (ص) برگزار شد.

در این مراسم که با حضور جمعی از مسئولان لشکری و کشوری از جمله امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سردار سر تیپ پاسدار «اسماعیل قاتی» فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سردار سر تیپ «هرچ مسجدی» معاون هماهنگ کننده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سید محبتی ابیطیح دبیر کل کنفرانس بین‌المللی حمایت از فلسطین، «پرویز فتاح» رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، و «ابراهیم عزیزی» رئیس کمیسیون امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی برگزار شد، علی لاریجانی، مشاور رهبر انقلاب طی سخنانی با اشاره به اینکه ترامپ شومن است و ایران دهان ترامپ را بست، تئوری امریکا تحت رهبری ترامپ این است که با تسلیم ششود یا بچنگید، وی با بیان اینکه این تئوری در سال‌های اخیر به هیچ‌وجه موفق نبوده است، افزود: آنها یک جریان پوچ هستند که با سروصدای زیاد می‌خواهند ملت‌ها را زیر سلطه خود درآورند. لاریجانی در ادامه گفت: سازمان ملل و شورای امنیت این روزها به صفحه‌ها تبدیل شده‌اند. وی پیش‌بینی کرد: خاورمیانه جدید، خاورمیانه‌ای مقاوم خواهد بود.

سردار سرلشکر شهید «محمدسعید ایزدی» معروف به حاج رمضان، با چهره‌های شاخص مقاومت از جمله عماد مغنیه، عبدالعزیز ربیعی، محمود الزهرا، قواد فلاح، اسماعیل هنیه، محمد الصیف، صالح العاروری و یحیی السنوار همکاری نزدیک داشت. عملیات ترور این سردار بارها در سوریه و لبنان تاگام ماند تا تسرانجام سحرگاه ۳۱ خرداد به همراه همسرش در حمله پهنپادی رژیم صهیونیستی در قم به شهادت رسید.

۲ جوان

خبر

رئیس‌جمهور یا **اشاره** به سابقه همکاری‌های گسترده و مبتنی بر اصول میان جمهوری اسلامی ایران و آژانس در سال‌های گذشته، گفت: ادامه این همکاری‌ها، مشروط به اصلاح رفتارهای دوگانه در قبال پرورنده هسته‌ای ایران است.
تکرار هر گونه تجاوز نیز، با پاسخی قاطع تر و پیشمان کننده تر مواجه خواهد شد.

دکتر مسعود پزشکیان و آقای آنتونیو کوستا

رئیس شورای اروپا، در تماسی تلفنی درباره آخرین تحولات بین‌المللی، به‌ویژه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران و نیز چشم‌انداز روابط میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا به گفت‌وگو پرداختند.

رئیس‌جمهور در این تماس، ضمن تبیین مواضع اصولی دولت جمهوری اسلامی ایران در مسیر تعامل سازنده و گفت‌وگوی مؤثر با جهان، بر پایبندی تهران به صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، و به‌ویژه در دوره جدید تأکید کرد. پزشکیان با تشریح اقدامات جنایت‌بار رژیم

خبر یک

صهیونیستی و نقش مخرب این رژیم در بر هم زدن صلح و امنیت جهانی، تصریح کرد: کشور ما در شرایطی هدف تجاوز رژیم صهیونیستی و امریکا قرار گرفت که در مسیر گفت‌وگو و مذاکره قرار داشت و هنگامی که با پاسخ قاطع جمهوری اسلامی ایران مواجه شدند، ناگزیر به در خواست آتش‌بس شدند.
بی‌تردید رژیم صهیونیستی بدون هماهنگی و اجازه امریکا توان انجام چنین اقدامی را نداشت.

رئیس‌جمهور در ادامه در پاسخ به ابراز نگرانی رئیس شورای اروپا درباره توقف همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بر پایبندی جمهوری اسلامی ایران به اصول گفت‌وگو، دیپلماسی، احترام و متقابل و چارچوب‌های حقوق بین‌الملل تأکید کرد و مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی را واکنشی به تعامل سازنده و گفت‌وگوی مؤثر با جهان، بر پایبندی تهران به صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، و به‌ویژه در دوره جدید تأکید کرد.

حمله آشکار به تأسیسات هسته‌ای کشورمان و

سکوت در برابر نقض قوانین بین‌المللی، از جمله مصادیقی است که جایگاه و اعتبار آژانس را با تردید مواجه می‌کند و منجر به تصویب چنین قانونی در مجلس شورای اسلامی شده است.
طبعاً یکی از انتظارات کشورها در قبال عضویت در نهادهای بین‌المللی نظیر آژانس انرژی اتمی، بهره‌مندی متوازن از حمایت‌ها و مزایای عضویت در آنهاست. در غیر این صورت، عضویت با عدم عضویت در این نهاده‌ا، فاقد ارزش و توجیه خواهد بود.

رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به سابقه همکاری‌های گسترده و مبتنی بر اصول میان جمهوری اسلامی ایران و آژانس در سال‌های گذشته، تصریح کرد: ادامه این همکاری‌ها، مشروط به اصلاح رفتارهای دوگانه در قبال پرورنده هسته‌ای ایران است.
تکرار هر گونه تجاوز نیز، با پاسخی قاطع تر و پیشیمان کننده تر مواجه خواهد شد.

دکتر پزشکیان ضمن قدردانی از تلاش‌های رئیس شورای اروپا در مسیر تقویت دیپلماسی و تعامل سازنده، بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای

گسترش روابط و حل‌وفصل مسائل فی‌مابین با اتحادیه اروپا از طریق گفت‌وگوهای سازنده و محترمانه تأکید کرد.

در این گفت‌وگوی تلفنی، آقای آنتونیو کوستا نیز با اشاره به تمایل اتحادیه اروپا به یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک برای حل مسائل موجود و گسترش همکاری با جمهوری اسلامی ایران، گفت: با جنبه‌الی کاملاً موافقم که سازمان‌های بین‌المللی باید از هر گونه استاندارد دوگانه اجتناب کنند. اتحادیه اروپا احترام عمیقی برای تاریخ، تمدن و فرهنگ ملت ایران قائل است و آمادگی کامل برای گفت‌وگو و همکاری دارد.

رئیس شورای اروپا همچنین با ابراز تسلیت صمیمانه شهادت جمعی از هموطنان ایرانی در پی حملات اخیر رژیم صهیونیستی، گفت: اتحادیه اروپا همچنین نقض حقوق بشر از سوی اسرائیل در غزه را محکوم می‌کند و بر لزوم توقف جنگ، ارسال کمک‌های بشردوستانه و حمایت مؤثر از مردم فلسطین تأکید دارد.

کاسبان سیاسی علیه انسجام ملی

شخصیت‌های سیاسی کشور را مطرح کرد که این ادعا در رسانه‌ها بازخورد بسیار زیادی داشت.
بر پی ادعای مطرح شده، مقام قضایی ضمن احضار وی دستور داده است فرد مورد اشاره مدارک و مستندات ادعای خود را به مقام قضایی ارائه دهد که تا کنون هیچ سند و مدرک معتبری بابت ادعای صورت گرفته ارائه نشده است.
این گزارش حاکی است به دلیل این ادعای بدون سند و توشیح اذهان عمومی دانشمندی تهران ضمن تشکیل پرونده قضایی علیه این فعال سیاسی اعلام جرم کرد.

خبرگزاری فارس هم روز گذشته در گزارشی اعلام کرد: نهادهای امنیتی و قضایی به صراحت اعلام کرده‌اند که هیچ سند یا گزارش رسمی مبنی بر رفتار غیراخلاقی، ارتباطات مشکوک یا فعالیت غیرقانونی از سوی شکم در ایران ثبت نشده است.

عقده گشایی سیاسی به همین مورد خلاصه نشد و فیاض زاهد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در یک برنامه تلویزیونی، در اظهار نظری ابتدا پیش‌فرض غلط دخالت اتباع افغانی در ترور فرماندهان ارشد نیروهای مسلح را مطرح کرد و سپس بار آن مدعی شد اینکه چند فرمانده را در ساعات مشخصی ترور می‌کنند، بعد دستگاه‌های امنیتی پروند ۷۰۰ نفر را به اتهام جاسوسی بازداشت کنند که در دو تیویتر یا اینستاگرام چیزی نوشته است، قرافکنی است.
این ادعا هم دروغ و خالی از حقیقت است، چه آنکه عمده افرادی که به اتهام جاسوسی برای رژیم صهیونیستی، بازداشت شده‌اند، عمدتاً تیروهای عملیاتی و میدانی بوده‌اند. صد البته نیاز به نبوغ اشخاصی مانند فیاض زاهد نیست که از عملیات تروریستی رژیم صهیونیستی رمز گشایی کند که چگونه بدین‌ها به‌همراه گریز از فناوری‌های پیشرفته ماهواره‌ای ابزارهای الکترونیکی دست به چنین جنایتی زد و علایم ترورها نمی‌تواند، کار چند عامل میدانی باشد.

میرحسین موسوی، عامل قتنه ۸۸ هم که کشور را برای ماه‌ها عرصه اردوکنشی‌های خیابانی کرد و بزرگ‌ترین آسیب به انسجام ملی زد، در بیانیه‌ای که ناشی از عدم شناخت او از بطن و متن جامعه ایران است، وی آنکه انگشت اتهام را به سمت امریکا و رژیم صهیونیستی برد، که عامل به شهادت رساندن صد‌ها نفر از مردم بی‌گناه شدند، جنگ ۱۲ روزه را نتیجه «خطاهای بزرگ» دانسته و خواستار برگزاری رفراندوم شده است.
موسوی در این بیانیه که با استقبال تلویزیون بی‌بی سی و تلویزیون صهیونیستی اینترنت‌نشال مواجه‌شده، بر لزوم پاسخ‌گویی جمهوری اسلامی به «انتظارات» از واکاستر در شرایط جنگ تأکید کرده و گفته «فدائامتی سریع و نمادین» در کوتاه‌مدت، رویکردهای رسانه ملی «حقائق توقعات مردم در حاکمیت در شرایط کنونی است»
توقعاتی که نه مطالبه مردم، که خواست غیرقانونی او از حاکمیت است.
چه آنکه ملت طی ۱۲ روز جنگ و پس از آن نه تنها در مناسبت‌های مختلف، همسویی و همراهی خود را با نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند که فارغ از مرزبندی‌های تصنعی امثال موسوی، وحدت و انسجام خود را به زیباترین شکل ممکن به نمایش گذاشتند و سرمایه اجتماعی نظام را به شکل شگفت‌انگیزی ارتقا دادند.

ماهانگ شود. اگر بخواه‌د می‌تواند مهاجران را بازگرداند – اما به شیوه‌ای مدنی و آبرومندانه که باعث آشفتنی نشود. «اسدالله امرایی نویسنده و خبرنگار ایرانی در واکنش به بی‌عدالتی زمانی خلیل‌زاد در مطبلی خطاب به او نوشته است: «بی‌عدالتی که سال‌ها با همین… طالبان تعامل داشتید و در به قدرت رساندن آنها ذیل بودید و با فرار عجلوانه کارمندان محلی‌تان را هم جا گذاشتید. حالا به ایران که با هزاران مشکل سال‌ها مهمان‌داری کرده‌اید ابرام می‌گیرید. یک سور به سنگ پا زده‌اید.»

ایران

سبحان حافظی

اسرائیلیات آماری

هر چند در طول تاریخ نمونه‌های مکرری از جلیبلیات و تحریفات به دست‌بنی اسرائیل گزارش شده که ما آنها را به‌عنوان «اسرائیلیات» می‌شناسیم، اما گویا در زمانه حاضر نیز وارثان آنها، یعنی صهیونیست‌ها هم دست‌کمی در این مورد ندارند. ادعا‌های رژیم‌صهیونیستی درباره تلفات حملات اخیر ایران، نمونه‌ای بی‌سابقه از مهندسی آمار برای فریب افکار عمومی است. این آرقام نه بر پایه واقعیت، بلکه بر اساس معادلات سیاسی طراحی‌شده‌اند و تناقض‌های عددی آن چنان فاحش است که منطق ریاضی و تجربیات میدانی جنگ را به چالشی مضحک کشیده‌است.

نخستین شعبده، معمای نیم‌کشته‌های جنسیتی است: ادعای ۲۹ کشته با ترک یک ۶۰/۷۱ درصد زن (۱۷/۶ نفر) و ۳۹/۲۹ درصد مرد (۱۱/۴ نفر)!. پرسش بنیادین اینجاست: چگونه ممکن است «نیم اسنان» کشته‌شود؟ این محاسبات تنها نقض بدیهی‌ترین اصول آمار استانی است، بلکه با الگوهای جهانی جنگ را تضاد کامل قرار دارد. در تمامی درگیری‌های مدرن – از غزه تا یمن – سهم مردان در تلفات ۷۰ تا ۸۵ درصد بوده‌است. آیا موشک‌های ایران هوشمندانه‌تنها زنان را هدف گرفته‌اند؟!

نخستین شعبده، معمای نیم‌کشته‌های جنسیتی است: ادعای ۲۹ کشته با ترک یک ۶۰/۷۱ درصد زن (۱۷/۶ نفر) و ۳۹/۲۹ درصد مرد (۱۱/۴ نفر)!. فروند) نابود شده‌اند. این در حالی است که حتی پیشرفته‌ترین سامانه‌های پافند جهانی – از جمله گنبد آهنین در حملات پر حجم و اشیاعی (همانند عملیات اخیر) هرگز به چنین موفقیت قطعی دست نیافته‌است. رسانه‌های خود اسرائیل پیش‌تر به ناکارآمدی این سامانه در برابر حملات انبوه اعتراف کرده‌اند.

امواج تناقضی گویی در معجزه ۵۰ موشک اصابتی آشکار می‌شود: چگونه تنها ۱۰ موشک توانسته‌اند ۱۵ هزار آواره (۳۰۰ نفر به ازای هر موشک)، ۳ هزار و ۸۰۰ مجروح (۷۰ نفر به‌ازای هر موشک) و ۴ هزار و ۱۶۵۰ درخواست خسارت (۸۳۳ مورد به ازای هر موشک) تولید کنند؟ این در حالی است که نسبت کشته به مجروح ۱:۱۲۱ است، حال آنکه حتی در فاجعه‌بارترین حملات تاریخ – مانند هیروشیما – این نسبت از ۱:۱۰۱ فراتر رفته‌است. تخمین واقع‌بینانه تلفات بر اساس داده‌های جانبی، پسرده از حقیقت برمی‌دارد:

هر موشک باالستیک اصابتی در مناطق شهری به‌طور متوسط پنج تا ۲۰ کشته برجامی‌گارد.

حتی با فرض پذیرش ادعای ۵۰ اصابت، حداقل ۲۵۰ تا ۱۰۰۰ کشته انتظار می‌رود.

نسبت مجروحان اعلامی (۲۵۰۸ نفر) نیز با توجه به الگوهای جنگی (۵ تا ۱۰ مجروح به ازای هر کشته) تلفات واقعی را دست‌کم ۲۵۰ نفر نشان می‌دهد. برخی منابع مستقل حتی این رقم را تا ۴۰۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند.

۱. پشت پرده این آمارسازی دو هدف کلیدی نهفته‌است:

پشت نمادین تلفات انسانی (۲۹ نفر با اعداد اعشاری!) برای پنهان کردن شکست امنیتی در برابر امواج موشکی ایران و مهار بحران روانی در جامعه اسرائیل.

۲. اغراق در خسارات مالی (۴۱۶۵۰ در خواست) برای جلب حمایت‌های اقتصادی از متحدان غربی و ساخت روایت «فربانی بودن» در رسانه‌ها. اعلام آمار واقعی به‌معنای اذعان به شکست سنگین در برابر قدرت موشکی ایران و بر ملا شدن ناتوانی گنبد آهنین و ساختار دفاعی رژیم‌صهیونیستی است. علاوه بر آن، چنین آمارى ممکن است موجی از ناامیدی، اعتراض و بحران درون جامعه اسرائیل بوجود آورد، موضوعی که این رژیم با مهارت در بی‌مهار آن از طریق سانسور رسانه‌ای و دست‌کاری اطلاعاتی است. این در حالی است که آمارهای اعلام‌شده از سوی رژیم اسرائیل درباره تلفات، مجروحان، آواره‌ها و میزان موفقیت پدافنده، به دلایل متعدد از نظر منطقی، ریاضی، تجربی و نظامی با واقعیات میدانی تطابق ندارد و به‌نظر می‌رسد تلاشی هدفمند برای کاهش فشار روانی و سیاسی ناشی از حمله بی‌سابقه ایران به سرزمین‌های اشغالی باشد.

در پایان، پرسش اساسی این است: آیا جامعه جهانی این اسرائیلیات آماری و عددسازی‌ها را خواهد پذیرفت؟ پذیرش روایت اسرائیل به معنای تأیید نیم‌کشته‌ها و «موشک‌های آواره‌ساز» است – سناریویی که حتی در داستان‌های علمی تخیلی نیز بی‌سابقه است. امروز وظیفه نهادهای بین‌المللی است که با اعزام هیئت‌های مستقل به محل‌های اصابت، پرده از این مهندسی حقیقت بردارند. تاریخ ثابت کرده‌امار جنگ‌افروزان، پیش از آنکه سند باشد، افسانه‌ای برای توجیه شکست است.

خبر آخر

عضو مجلس خبرگان رهبری:

دفاع ۱۲ یک گنج بصیرتی بود

با وجود خسارت‌ها، جنگ دوازده روزه برای ملت ایران به یک گنج تبدیل شد: همان‌گونه که اسام خمی‌نی(ره) و رهبر معظم انقلاب درباره دفاع مقدس فرمودند، این تیرسو فرصتی برای تقویت انسجام اسلامی و آماده‌سازی برای ظهور بود.

به گزارش فارس، حجت‌الاسلام سعید صلح میرزایی، عضو مجلس خبرگان رهبری، در سخنان پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران با اشاره به دستاوردهای معنوی، اجتماعی و سیاسی دفاع دوازده‌روزه ملت ایران مقابل تجاوز رژیم صهیونیستی، این ایام را مصداق «گنج بصیرتی» برای ملت ایران دانست. صلح میرزایی در ابتدای سخنان تأکید کرد: «ما یاد باور کنیم که یک جنگ واقعی و همه‌جانبه به ملت ایران تحمیل شد، جنگی که مصداق حقیقی جنگ احزاب بود. آمریکا و رژیم صهیونیستی در میان عمل مجری بود، اما پشت آن، امریکا و متحدانش قرار داشتند و حتی خود رژیم تروریستی امریکا هم در نهایت مستقیماً وارد عملیات شد. در کنار اقدامات نظامی دشمن، هم مزدوران تروریست‌ها در داخل با ریز پرند‌ها و پهپادها ایجاد اختلال می‌کردند و در کنار همه این‌ها، جبهه رسانه‌ای دشمن با تمام توان برای تضعیف روحیه مردم فعال بود. «صلح میرزایی ادامه داد: «با وجود خسارت‌ها، این جنگ برای ملت ایران به یک گنج تبدیل شد؛ همان‌گونه که امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب درباره دفاع مقدس فرمودند. این نبرد فرصتی برای تقویت انقلاب اسلامی و آماده‌سازی برای ظهور بود، زیرا دشمن برای بقا می‌جنگید و ما برای زمینه‌سازی ظهور.»

وی نخستین دستاورد این دفاع را «فهم عمیق اهمیت نقش ولی فقیه» دانست و گفت: «همه، حتی کسانی که پیش‌تر دچار لغزش یا فتنه شده بودند، دیدند که رهبر انقلاب چگونه ظرف دست‌ساعت بحران را مدیریت کردند؛ با تعیین فرماندهان جدید، صدور دستورات لازم و حضور فعال به عنوان فرمانده کل قوا.» عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به تأکید رهبر انقلاب بر خودکفایی نظامی اظهارات، «همه دیدند که تصمیم برای انقلاب برای خودکفایی در صنعت موشکی و نیزدیرتن خرید موشک‌های آماده از شوروی سابق، امروز چه نقشی در قدرت دفاعی کشور داشت.»

وی افزود: «یکی دیگر از دستاوردهای بصیرتی این دفاع، تأیید دوباره این حقیقت بود که با امریکا نمی‌شود مذاکره کرد، چون امریکا دنبال امتیازگیری است و هرگز به تعهداتش عمل نمی‌کند. تجربه مذاکرات را برای همگان روشن کرد.» صلح میرزایی گفت: «این جنگ نشان داد که مشکل اصلی استکبار، جمهوری اسلامی نیست، بلکه با ایران با قوی مشکل دارد. دشمنان حاضر نیستند در این منطقه حساس، کشورى قدرتمند و مستقل وجود داشته باشد.»



هر اقدام بااظهار نظری که به انسجام ملی و سرمایه اجتماعی لطمه وارد کند باز از زمین دشمن است

سیاسیونى که در این فضای پساچنگ کاسب جنگ شده‌اند را رقبای سیاسى خود را ترور شخصیت کنند، هر روز رونمایی تازه‌ای می‌شوند. اظهارات بی‌سند و وقیحانه کواکبیان در برنامه‌زنده تلویزیون که مورد تمسخر خاص و عام قرار گرفت و فقط قصد آن، نسبت‌ناروادادن به نیروهای نظامی و امنیتی بود، یکی از آن‌هاست. در برنامه دیگری فیاض زاهد، چهره دیگر اصلاح‌طلب در اظهاراتی سعی کرد القا کند کسانی لورفتن جای فرماندهان را کار افغانی‌ها دانسته‌اند، در حالی‌که این تیوری لفاظی است که خود این جماعت پسا آدم‌های نفهمی از سسوی دیگر در آغاز آن را ساختند و کسی رسماً چنین ادعایی نکرده است و همه می‌دانند که لورفتن‌ها از جانب ماهواره و ایران الکترونیک جاسوسى و ساده‌گرفتن‌ها بوده‌است.

زاهد همچنین مدعی شد ۷۰۰ نفری که گفته شده مزدور مصاد بوده‌اند و دستگیر شده‌اند «حتماً» همین توبیت‌زن‌ها بوده‌اند یا کسانی که این تیوری گذاشته‌اند! این ادعا نیز مخرّف است و فقط نشان‌دهنده کاسبی این افراد از موقعیت‌ها برای القای نفوذ گسترده در مقامات بالا دارد.
ظاهراً کسانی از مقامات سیاسى رقبای نشان کرده‌اند تا این اتهامات را به آنان چسبایند و جنگ را فرصت مناسبی برای تحریب چهره نظام و چهره رقبای سیاسى خود می‌بینند. در سوی دیگر میر حسین نیز با همین رویه به میدان بیانیه آمده است! این‌ها همه در فضایی است که کشور یکی از تاریخی‌ترین انسجام‌های ملی را حول مقاومت مقابل دشمن تجربه می‌کند.

پس از جنگ ۱۲ روزه امریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران که با هدايت رهبر معظم انقلاب، اقتدار نیروهای مسلح و همراهی و پشتیبانی ملت، شکست سنگینی به دشمن تحمیل شد، نگاه غالی در کشور ایجاد شده

پس از جنگ ۱۲ روزه امریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران که با هدايت رهبر معظم انقلاب، اقتدار نیروهای مسلح و همراهی و پشتیبانی ملت، شکست سنگینی به دشمن تحمیل شد، نگاه غالی در کشور ایجاد شده

پس از جنگ ۱۲ روزه امریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران که با هدايت رهبر معظم انقلاب، اقتدار نیروهای مسلح و همراهی و پشتیبانی ملت، شکست سنگینی به دشمن تحمیل شد، نگاه غالی در کشور ایجاد شده

پس از جنگ ۱۲ روزه امریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران که با هدايت رهبر معظم انقلاب، اقتدار نیروهای مسلح و همراهی و پشتیبانی ملت، شکست سنگینی به دشمن تحمیل شد، نگاه غالی در کشور ایجاد شده

پاسخ

سرویس سیاسی ۸۸۵۲۳۰۶۰

پزشکیان در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس شورای اروپا:

تکرار هر گونه تجاوزی با پاسخی قاطع‌تر مواجه خواهد شد

خبر ویژه

عامل ویرانی افغانستان، نگران مهاجران افغان!

زمانی خلیل زاد، نماینده افغانستانی تبار امریکا در دولت اول ترامپ که با توافق دوحه عملاً سرنواشت این کشور را به طالبان سپرد، اکنون برای مهاجران افغان لشک تمساح می‌ریزد و نگران وضعیت آنها شده است!
معظم سقوط دولت افغانستان در یادداشتی بدون اشاره به اینکه آنچه تحت عنوان اخراج مهاجران مطرح است، شامل کسانی است که به صورت غیر قانونی وارد ایران شده‌اند، نوشته:
چگونه ممکن است هیچ کشوری – چه برسد به کشوری که با فقر پس از جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کند – بتواند در چنین مدت

زمانی خلیل زاد، نماینده افغانستانی تبار امریکا در دولت اول ترامپ که با توافق دوحه عملاً سرنواشت این کشور را به طالبان سپرد، اکنون برای مهاجران افغان لشک تمساح می‌ریزد و نگران وضعیت آنها شده است!

معظم سقوط دولت افغانستان در یادداشتی بدون اشاره به اینکه آنچه تحت عنوان اخراج مهاجران مطرح است، شامل کسانی است که به صورت غیر قانونی وارد ایران شده‌اند، نوشته:
چگونه ممکن است هیچ کشوری – چه برسد به کشوری که با فقر پس از جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کند – بتواند در چنین مدت

هدایت‌تحمیلی، آن‌هم‌بدون آگاهی‌وبدون آزادی!

مهدی اسماعیلی، کارشناس آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، در گفت‌وگو با «جوان»: افزایش ظرفیت هنرستان‌ها باید «تدریجی» باشد، نه «جهشی» افزایش بی‌برنامه ظرفیت‌ها، همان‌طور که اکنون در برخی رشته‌ها شاهد هستیم، برای حوزه آموزش فنی، حرفه‌ای و مهارتی، مضر است

آقای دکتر اسماعیلی، ارزیابی شما از روند اجرایی شدن سیاست هدایت ۵۰ درصدی دانش آموزان به رشته‌های مهارتی چیست؟

آیین‌نامه تقویت مهارت‌آموزی در سال گذشته (۱۴۰۳) تصویب شد و هدف‌گذاری‌اش رسیدن به ترکیب ۵۰درصدی تا پایان برنامه توسعه بود، اما آنچه اکنون در اجرا مشاهده می‌شود، رویکردی شتابزده است که از سوی وزیر و معاونت آموزش متوسطه دنبال می‌شود. این سرعت بالا برخلاف مصوبه هیئت وزیران است و می‌تواند روند هدایت تحصیلی را مخدوش کند.

در آموزش فنی‌وحرفه‌ای، باید بسیار محتاط بود تا اجرای سیاست به ضد خودش تبدیل نشود. اگر اهداف مشخص نشده یا مسیر آماده‌سازی طی نشود، نتیجه‌ای عکس خواهد داشت. بیش از ۱۵ الزام زیرساختی و اجرایی وجود دارد که از زمان سند تحول مغفول مانده‌اند. وقتی این موارد رعایت نشود، هدایت تحصیلی به نوعی اجبار و بدون آگاهی تبدیل می‌شود و دانش آموزان در آینده با چالش‌های متعدد مواجه خواهند شد.

از نظر شما مهم‌ترین الزامات مورد غفلت چه مواردی هستند؟

اولین و شاید بنیادی‌ترین مورد، توجه به «فرهنگ کار و تلاش» در دوره آموزش عمومی است. درس کار و فناوری در متوسطه اول وجود دارد، اما نه دبیر تخصصی برای آن تربیت شده و نه دانش آموز با فضای عملی آشنا شده‌است. آموزش عمومی ما دارای رویکردی نظری است. کلاس‌ها تئوری هستند و شاخص‌های ارزشیابی بر مبنای مفاهیم نظری بنا شده‌اند.

وقتی من در هنرستان تدریس می‌کردم، می‌دیدم که دانش آموز ماه‌ها طول می‌کشد تا متوجه شود چطور به این آگاهی رسد تا تجهیزات موجود استفاده کند. چون اساساً فرهنگ عملی در آموزش عمومی ما نگرفته. آن وقت انتظار داریم دانش‌آموزی که همه عمرش درس نظری خوانده، ناگهان وارد فضای عملی شود و عملکرد خوبی داشته‌باشد! این امکان پذیر نیست. دانش‌آبتداین فرهنگ را در آموزش ابتدایی و متوسطه اول جا بیندازیم، تا دانش‌آموز بعداً بتواند تصمیمی آگاهانه برای آینده‌اش بگیرد.

دومین الزام، اصلاح فرآیند راهنمایی و هدایت تحصیلی است که اکنون در پایه نهم انجام می‌شود. در فرایند فعلی، دانش‌آموز به «زمینه تحصیلی» هدایت می‌شود؛ مثلاً صنعت، خدمات، کشاورزی یا هنر و براساس گرنه‌هایی الف و ب در فرم هدایت تحصیلی انتخاب‌هایی تعیین می‌شود، اما این انتخاب، به معنای «هدایت به رشته تحصیلی» نیست.

در هنرستان، چند انتخاب باید در یک مدت کوتاه توسط دانش‌آموز انجام شود شامل شاخه، زمینه، گروه تحصیلی، رشته تحصیلی و رشته مهارتی. مثلاً شاخه فنی و حرفه‌ای، زمینه صنعت، گروه برق و رایانه و سپس رشته‌هایی مثل الکترو تکنیک، الکترونیک یا شبکه‌های کامپیوتری. در شاخه کار دانش نیز این تقسیم‌بندی وجود دارد. مثلاً زمینه مکانیک، گروه ماشین‌ابزار، رشته تراشکاری.

اکنون اتفاقی که می‌افتد این است که دانش‌آموز بدون شناخت، سه انتخاب کلیدی زندگی‌اش را پشت‌سر می‌گذارد! مثلاً در هنرستان برایش انتخاب می‌شود که «باید بروی رشته تراشکاری» اما نه شناختی دارد نه علاقه‌ای. در آموزش عمومی تنها مشخص شده‌است که «تو مناسب صنعت هستی». اما این کافی نیست. ما عملاً دانش‌آموز را به رشته هدایت نمی‌کنیم و این انتخاب برای یک نوجوان ۱۵ ساله بسیار زود و خطرناک است. به جرئت می‌توان گفت اگر بهترین هنرستان‌ها و با بهترین امکانات را هم داشته‌باشیم، هدایت تحصیلی ضعیف، باعث می‌شود دانش‌آموز به رشته‌اش تعلق خاطر پیدا نکند و هدفی که تعیین کردیم به نتیجه نرسد.

ا ارتباط بین هدایت تحصیلی و نیاز بازار کار چطور باید برقرار شود؟ آیا در حال حاضر چنین تطابقی وجود دارد؟

نه، متأسفانه این تطابق شکل نگرفته. مقام معظم رهبری در دیدار اخیر با معلمان تأکید کردند که ترکیب این ۵۰درصد (دانش‌آموزان شاخه‌های فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش) باید متناسب با نیاز بازار کار باشد و ایجاد رشته‌هایی صرفاً به دلیل سادگی اجرایشان یا کم‌هزینه بودنشان و بدون در نظر گرفتن نیاز اشتغال و بازار کار آینده، نه تنها راهگشا نیست، بلکه مسئله‌ساز نیز است.

به عنوان مثال، رشته حسابداری هزینه کمی دارد و با یک کلاس قابل اجراست، اما آیا این رشته واقعاً به اشتغال دختر یا پسر در منطقه محل زندگی‌اش کمک می‌کند؟ شاید با همین رشته‌ها به عدد ۵۰ درصد برسیم، اما بازار کار واقعی را تأمین نمی‌کنیم.

در آموزش فنی‌وحرفه‌ای، نیازسنجی منطقه‌ای اهمیت بالایی دارد. ممکن است در یک منطقه نیازی به برق کار نباشد، ولی آن رشته ایجاد شود. این عدم تطابق، نتیجه غفلت آموزش و پرورش از فرایند نیازسنجی واقعی بازار کار و رویکرد تقاضامحور است.

اهمچنین، تفاوت بین تقاضای آموزش و انتخاب مدرسه باید مورد توجه قرار گیرد. گاهی هنرستان و منطقه خود به تنهایی ایجاد رشته‌ای را پیشنهاد می‌دهد، اما این تقاضای مدرسه است نه دانش‌آموز

با بازار کار، باید این سه سطح تقاضا را تفکیک کنیم؛ تقاضای نظام آموزشی، تقاضای دانش‌آموزان و تقاضای کارفرمایان. در حال حاضر بیشتر تصمیمات بر اساس سطح اول گرفته می‌شود (یعنی تقاضا نظام آموزشی) و این باعث شکل‌گیری بازار مهارت مصنوعی شده‌است، نه بر اساس بازار کار واقعی.

از طرفی باید دقت کرد که افزایش ظرفیت هنرستان‌ها باید «تدریجی» باشد، نه «جهشی». افزایش بی‌برنامه ظرفیت‌ها، همان‌طور که اکنون در برخی رشته‌ها شاهد هستیم، برای حوزه آموزش فنی، حرفه‌ای و مهارتی، مضر است.

همچنین یکی از الزامات کلیدی، تربیت هنرآموزان تخصصی رشته‌ها است. دانشگاه شهید رجایی فقط در حدود ۱۰ رشته شاخه فنی‌وحرفه‌ای، معلم و هنرآموز تربیت می‌کند، در حالی که شاخه فنی بیش از ۴۲ رشته و شاخه کار دانش در سال گذشته بیش از ۱۶۰ رشته داشته‌اند. برای بسیاری از رشته‌ها، معلم و هنرآموز تخصصی نداریم؛ به‌ویژه در حوزه خدمات، کشاورزی و هنر. اکثر تأمین و جذب معلم از طریق ماده ۲۸ و با دوره‌های کوتاه‌مدت انجام می‌شود که کیفیت پایین‌تری دارند. حتی برای وضع موجود برنامه جامعی برای تربیت معلم نداریم، چه برسد به رشد ۵۰درصدی!

با توجه به اجرای هم‌زمان شاخه‌های فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش در ساختار مدرسه‌ای و پیچیدگی‌هایی که در تشخیص مسیر واقعی برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها ایجاد شده، آیا زمان آن نرسیده که این دو شاخه ادغام شوند تا انتخاب تحصیلی شفاف‌تر، منسجم‌تر و مبتنی بر شناخت شکل بگیرد؟

پیامدهای تداوم این دوگانگی در آینده آموزش مهارتی کشور چیست؟

بله همین‌طور است. در حال حاضر هر دو شاخه (فنی و حرفه‌ای و کار دانش) در فضای مدرسه‌ای اجرا می‌شوند، در حالی که کار دانش قرار بود با مشارکت بخش‌های بیرونی و دنیای کار؛ یعنی کارگاه‌ها و صنایع واقعی، انجام شود. این دوگانگی باعث سردرگمی خانواده‌ها شده، چراکه حتی برای یک رشته مانند تراشکاری، دو کتاب، دو معلم و دو مسیر داریم و آنها می‌رسند تفاوت این دو چیست! از طرفی این هم‌زمانی و نوع هدایت تحصیلی، باعث شده جایگاه شاخه کار دانش پایین بیاید.

در هیچ کشوری شما نخواهید دید که در جریان آموزش مدرسه‌ای برای مهارت‌آموزی یک حرفه، یعنی دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش مدرسه‌ای وجود داشته باشد. در آلمان، یک شاخه مدرسه‌ای و یک شاخه اجرا در صنعت وجود دارد. حال اگر قرار است فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش در کشور ما مدرسه‌ای باشند، بهتر است ادغام شوند، تا ساختار ساده‌تر و قابل مدیریت‌تری داشته باشیم و هدایت تحصیلی آگاهانه‌تر اتفاق بیفتد و بتوان هنرآموزی و تجهیزات را با بهرهوری بیشتر ارائه داد.

یکی از الزامات کلیدی، تربیت هنرآموزان تخصصی رشته‌ها است.

دانشگاه شهید رجایی فقط در حدود ۱۰ رشته شاخه فنی‌وحرفه‌ای، معلم و هنرآموز تربیت می‌کند، در حالی که شاخه فنی بیش از ۴۲ رشته و شاخه کار دانش در سال گذشته بیش از ۱۶۰ رشته داشته‌اند. برای بسیاری از رشته‌ها، معلم و هنرآموز تخصصی نداریم؛ به‌ویژه در حوزه خدمات، کشاورزی و هنر. اکثر تأمین و جذب معلم از طریق ماده ۲۸ و با دوره‌های کوتاه‌مدت انجام می‌شود که کیفیت پایین‌تری دارند. حتی برای وضع موجود برنامه جامعی برای تربیت معلم نداریم، چه برسد به رشد ۵۰درصدی!

به‌نظر می‌رسد در کنار مسائل فرهنگی، هدایت تحصیلی و عدم تطابق با بازار کار، مشکلات زیرساختی، مدیریتی و سیاست‌گذاری نیز از موانع جدی اجرای این طرح هستند. لطفاً در این رابطه توضیح می‌دهید؟

متأسفانه در طول دو، سه دهه اخیر تمرکز نظام آموزشی کشور بیش‌ازپیش روی ساختارهای نظری و عمومی بوده و همین باعث‌شده که هنرستان‌ها به تدریج از توجه و سرمایه‌گذاری فاصله بگیرند. تجهیزات ت‌ه‌روز نشده‌اند، کارگاه‌ها فرسوده‌اند و فضای آموزش عملی در بسیاری از استان‌ها دچار کمبود شدیدی است و کفایت لازم را ندارند. شما ممکن است شاخه کار دانش هنرستان یکبارید، اما وقتی ریشه‌های آن؛ یعنی تجهیزات تخصصی و منابع مالی نباشد، آن باغ فقط طاهری زیبا دارد. من خودم در سال گذشته در دو هنرستان تهران تدریس داشتم. یکی از هنرستان‌ها یک دستگاه آموزشی داشت و هنرستان دیگر که در آن بودم، همان دستگاه را نداشت، اما نمی‌توانستیم از منابع همدیگر استفاده کنیم، چون مقررات اجازه شبکه‌سازی میان هنرستان‌ها را نمی‌دهد. حتی نمی‌توان با مقررات موجود دستگاه‌های قدیمی را تبدیل به احسن نمود. این جزیرهای بودن هنرستان‌ها، آفت بزرگی است.



رخدادتهجیری اوجان

وقتی نظام آموزشی تصمیم می‌گیرد نیمی از نوجوانان کشور را به مسیر مهارت‌آموزی سوق دهد، شاید در نگاه اول همه چیز منطقی، قابل‌برنامه‌ریزی و حتی تحول‌آفرین به نظر برسد؛ اینکه عددی مثل «۵۰ درصد» در برنامه هفتم توسعه می‌نخشیند و در جلسات مسئولان و سخنرانی‌های آنها و حتی در تیتیر رسانه‌ها تکرار می‌شود، اما اگر لحظه‌ای توقف کنیم و به این عدد دقیق‌تر نگاه کنیم، با واقعیتی تلخ روبه‌رو می‌شویم؛ واقعیتی که خبر از یک بحران آموزشی می‌دهد. به تازگی معاون آموزش متوسطه اعلام کرده طبق برنامه هفتم توسعه، ۵۰ درصد دانش‌آموزان پایه دهم باید به رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش بروند. بدون تردید در این مسیر نوجوانانی هستند که قرار است بدون شناخت کافی، بدون آمادگی روانی و در غیاب زیرساخت‌های لازم، وارد رشته‌هایی شوند که نه با روحیاتشان سازگار است، نه آینده روشنی در ذهن‌شان دارد، بنابراین این «باید بروند» گفتن‌ها، نه تنها اصل آزادی در انتخاب تحصیلی را زیر سؤال می‌برد، که زمینه‌ساز ناامیدی و سرخوردگی نسل برابان روشن می‌کند.

از منظر پیگیری نتایج آموزش مهارتی، آیا آموزش و پرورش نقش فعالی ایفا می‌کند؟ نه، متأسفانه. آموزش و پرورش هیچ ساختار و برنامه مؤثری برای پیگیری وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان ندارد؛ یعنی مشخص نیست دانش‌آموزی که در هنرستان آموزش می‌بیند، بعدها وارد بازار کار مرتبط با رشته تحصیلی شده‌است یا نه. نظام آموزشی به‌جای آنکه به مسیر اشتغال و توسعه حرفه‌ای توجه کند، بی‌تفاوت از کنار نتایج و پیامدها می‌گذرد. این یعنی فقدان نگاه پژوهشی، فقدان بازخوردگیری و در نتیجه، عدم اصلاح مسیرهای آموزشی.

بدون شک موضوع ارزیابی صلاحیت‌های مهارتی، جایگاه مهمی در این سیاست دارد. آیا نظامی برای سنجش استانداردها وجود دارد؟

بر اساس قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی، ما باید مراکز ملی سنجش داشته‌باشیم؛ نهادهایی مستقل که صلاحیت افراد را ارزیابی می‌کنند؛ یعنی نهاد آموزش‌دهنده، نباید خودش ارزیاب هم باشد، اما در عمل، معلم در همان هنرستان، خود آموزش می‌دهد و خودش ارزیابی نمره می‌دهد. هیچ ارزیابی بیرونی وجود ندارد و سنجش ملی هم انجام نمی‌شود.

این در حالی است که در شاخه کار دانش قرار بود دانش‌آموزان گواهینامه‌های حرفه‌ای دریافت کنند؛ از وزارت کار، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت فرهنگ و ارشاد. این گواهینامه‌ها می‌توانند مسیر شغلی، دریافت وام، یا اخذ پروانه کسب را برای نوجوانان هموار کنند. اما در ۱۰ سال اخیر، از بیش از ۱۱ میلیون گواهینامه مهارتی که باید صادر می‌شد، چیزی صادر نشده! دانش‌آموزان اصلاً نمی‌دانند چنین حق دارند و نظام برق کار وجود دارد. اگر چند دستگاه مدرن با معادن اول بگیرند این نیرو را تربیت کنند، اشتبای بازار کار اتفاق می‌افتد و افراد بیگار می‌شوند.

شورای عالی آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور مسئول ایجاد این هماهنگی بوده؛ نهادهی که ریاستش با معاون اول رئیس‌جمهور است. قرار بود در ماه جلسه داشته باشد، اما در شش سال گذشته فقط هشت جلسه برگزار کرده‌اند. در دو سال اخیر هم فقط یک جلسه تشکیل شده. همین بی‌توجهی باعث می‌شود که دستگاه‌ها به‌صورت جداگانه عمل کنند، بدون در مشرت‌ک از نیازه‌ای منطقه.

و وضعیت مدیریتی در درون وزارت آموزش و پرورش را چطور ارزیابی می‌کنید؟ از نظر من آشفته و جزیره‌ای. در وزارت آموزش و پرورش، تصمیم‌گیری درباره آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بین بیش از ۱۲ نهاد تقسیم شده؛ سازمان پژوهش برای تدوین کتاب، مرکز سنجش برای امتحان و ارزشیابی، معاونت آموزش برای نیازسنجی، سازمان نوسازی برای تجهیزات، مرکز نیروی انسانی برای ضمن خدمت، دانشگاه شهید رجایی برای تربیت هنرآموز، معاونت مالی برای بودجه و...

اینجا جزایری پراکنده‌اند. نه یک نهادی واحد دارند، منتسب به یوا و گالات، وزیر دفاع پیشین رژیم صهیونیستی، خطاب می‌گذارند که گاه با هم در تضاد است. نتیجه چیست؟ هنرآموزی که قرار است تدریس کند، دارای صلاحیت لازم نیست. تجهیزات فرسوده در هنرستان‌ها قابل جایگزینی نیست، چون قوانین اجازه فروش آنها را نمی‌دهد. تصمیم‌گیرندگان نهایی در آموزش و پرورش، اغلب خودشان تجربه آموزش مهارتی ندارند و این شکاف مدیریتی عمیق است. متأسفانه صدای کارشناسی و آموزش فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش شنیده نمی‌شود.

اگر می‌خواهیم ۵۰ درصد نسل آینده کشور وارد مسیر آموزش مهارتی شوند، به یک ساختار مدیریت یکپارچه در آموزش و پرورش نیاز داریم؛ ساختاری که شفاف، پاسخگو و منسجم باشد.

آیا نظام ارزشیابی و رتبه‌بندی فعلی هنرآموزان و هنرستان‌ها هم دچار چالش است؟

قطعاً! امروز رتبه‌بندی هنرآموزان، هنرستان‌ها و مدیران بر اساس معیارهای عمومی و نظری انجام می‌شود؛ مثلاً شاخص‌هایی مثل میانگین نمره تئوری یا شرکت در مسابقات علمی، معیار اصلی رتبه‌بندی شده‌اند، و اجرای موفق کارآموزی یا میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان.

این باعث دلسردی مدیران و معلمان شده‌است. چون کارشان با معیاری سنجیده می‌شود که ارتباطی با اهداف آموزشی‌شان ندارد. بسیاری از هنرآموزان شغل دوم دارند، چون درآمدشان پایین است. گاهی حتی فروزد! اما در امتحان از نگاه آموزش بیشتر است! اینکه آموزش مهارتی در بستر اداری با نگاه عمومی و نظری سنجیده می‌شود، نوعی بی‌عدالتی سازماندهی است.

نامه‌های کلان سیاست‌گذار، مانند شورای عالی آموزش و پرورش، چه نقشی در تحول این حوزه داشته‌اند؟

شوریه‌بخانه طی ۲۰ سال گذشته، شورای عالی آموزش و پرورش حتی یک مصوبه برای تحول در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی نداشته‌است. همه توجهش به آموزش نظری و کنکور بوده‌است. در فرهنگ حاکم بر آموزش و پرورش، مهارت‌محوری هنوز جایگاه جدی ندارد.

آیا نظام آموزشی، مشوق‌ها و سیاست‌های حمایتی برای هنرجویان در نظر گرفته تا افراد بیشتری را جذب ورود به رشته‌های مهارتی کند؟

مشوق‌ها تقریباً غایبند. مثلاً اگر یک هنرجو بعد از دیپلم وارد بازار کار شود، باید باافلاصه به سربازی برود، اما اگر همان فرد وارد دانشگاه شود، معافیت تحصیلی دریافت می‌کند. این یعنی دانش‌آموز را به جای اشتغال، به تحصیل نظری و گاهی غیرمرتبط سوق می‌دهیم.

در حال حاضر، فقط ستاد مهارت‌آموزی نیروهای مسلح تلاش‌هایی برای ارائه مشوق‌هایی داشته، اما خود دولت و نظام آموزشی هنوز اقدامی جدی نکرده‌اند. حتی نظری می‌گیرد، نه از هنرستان‌ها؛ این یعنی فرهنگ آکادمیک و نظری، حتی در نهادهای مهارتی هم غالب شده. هر چند بر اساس قانون، ۸۰ درصد دانش‌آموزان شاخه کار دانش باید مشمول قانون کار باشند؛ یعنی سابقه تحصیلی‌شان به‌عنوان سابقه کار شناخته شود. قرارداد کاری داشته باشند، بیمه شوند و با حقوق مشخص وارد دنیای واقعی اشتغال گردند، اما هیچ کدام از اینها در عمل اتفاق نیفتاده‌است.

این در حالی است که بیش از ۷۵ درصد مشاغل کشور اساساً به تحصیلات دانشگاهی نیازی ندارند. با این حال، برای همین اکثریت بی‌صدای جامعه، هیچ برقی کار وجود دارد. اگر چند دستگاه مدرن با معادن اول بگیرند این نیرو را تربیت کنند، اشتبای بازار کار اتفاق می‌افتد و افراد بیگار می‌شوند.

شورای عالی آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور مسئول ایجاد این هماهنگی بوده؛ نهادهی که ریاستش با معاون اول رئیس‌جمهور است. قرار بود در ماه جلسه داشته باشد، اما در شش سال گذشته فقط هشت جلسه برگزار کرده‌اند. در دو سال اخیر هم فقط یک جلسه تشکیل شده. همین بی‌توجهی باعث می‌شود که دستگاه‌ها به‌صورت جداگانه عمل کنند، بدون در مشرت‌ک از نیاده‌ای منطقه.



خواستنی‌خوار کنی! اما ستودی!

در دوره بر فراز و نشیب و پرماجرایی خلافت حضرت امیرالمؤمنین بر سرزمین‌های اسلامی و داعیه‌داری معاویه بر سرزمین شام، علاوه بر مقابله و جنگ سخت روی زمین نظیر جنگ صفین و زد و خورد‌های مرزداران در سرحدات، مکاتبات و نامه‌هایی نیز میان حضرت و معاویه رد و بدل شده که نگاه تیزبین تاریخ از آنها غافل نبوده و محتوای بسیاری از این نامه‌ها را ثبت و ضبط و برای آیندگان نقل کرده‌است. معاویه در مکاتبات تاریخی خود خطاب به امیرالمؤمنین کوششی واضح و ملموس داشته تا با لحنی تحکم‌آمیز، محقرانه و برتری‌جویانه اقدام به تضعیف و تخریب امیرالمؤمنین و دستگاه حکمرانی ایشان کند و با برشمردن امکانات و شمار لشکریان خود امیرالمؤمنین و مردم عراق را تهدید و ارعاب کند. او خویشتنداری و حلم حضرت و پرهیز ایشان از وارد شدن به جنگ را نشانه ضعف و ترس ایشان برمی‌شمارد و به سرزنش ایشان می‌پردازد. گرچه لحن و روح حاکم بر مکاتبات معاویه گاهی تحقیرآمیز و تهدیدآمیز دارد، اما در جای‌جای نامه‌های خود ناخواسته به نقش محوری و اساسی امیرالمؤمنین در سرزمین‌های اسلامی اذعان داشته و گاه حتی به نوعی به مشروعیت و حقانیت حضرت در جانشینی و وراثت پیامبر اعتراضاتی کرده‌است.

امروز، در عصری دیگر، شاهد تکرار این الگوی تاریخی هستیم؛ نامه‌ای منتسب به یوا و گالات، وزیر دفاع پیشین رژیم صهیونیستی، خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، که به قصد تهدید و ارعاب نوشته‌شده، اما در لایه‌های پنهان خود، به ستایش ناخواسته از رهبری حکیمانه و مدیریت بی‌نظیر ایشان تبدیل شده‌است. گالات در نامه خود ادعا می‌کند که «زردیک به سه دهه، رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را از نزدیک مطالعه کرده» و هر گام و تصمیم ایشان را از زیر نظر داشته‌است.

او با این ادعا، قصد دارد قدرت اطلاعاتی و نظامی رژیم صهیونیستی را به رخ بکشد، اما ناخواسته به عمق نفوذ و تأثیرگذاری رهبر انقلاب در معادلات منطقه‌ای و جهانی گواهی می‌دهد. این اعتراف، که از قلم یک دشمن دیرینه جاری شده، خود سندی است بر جایگاه بی‌بدیل آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان محور مقاومت و هدایتگر جبهه‌ای که سال‌هاست در برابر زیاده‌خواهی‌های صهیونیسم و استکبار جهانی ایستادگی کرده‌است. رهبر معظم انقلاب، در طول بیش از سه دهه رهبری، با تکیه بر حکمت، بصیرت و شجاعت، نه‌تنها ایران اسلامی را از گردنه‌های دشوار تاریخی عبور داده، بلکه محور مقاومت را به نیرویی تعیین‌کننده در منطقه تبدیل کرده‌است. از حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در فلسطین و لبنان گرفته تا تقویت بنیه دفاعی و علمی کشور در برابر تحریم‌ها و تهدیدات. مدیریت ایشان همواره مبتنی بر اصول عزت، حکمت و صلحت بوده‌است. گالات در نامه خود، با اشاره به شکایات از گروه‌های هم‌پیمان ایران، که او آن را «حلقه آتش» نامیده، ناخواسته به موفقیت استراتژی آیت‌الله خامنه‌ای در ایجاد یک جبهه متحد و قدرتمند در برابر رژیم صهیونیستی اعتراف می‌کند.

این شبکه، که شامل حزب‌الله لبنان، حماس، انصارالله یمن و دیگر گروه‌های مقاومت است، نه‌تنها تهدیدی برای رژیم صهیونیستی بوده، بلکه به‌عنوان سپری برای دفاع از ایران و سرزمین‌های اسلامی عمل کرده‌است. رهبر معظم انقلاب، در نامه گالات، اشاره‌او به خویشتنداری استراتژیک ایران در مقاطع حساس است.

او به مواردی چون «عدم ورود ایران به جنگ عراق در سال ۲۰۰۳» و حفظ ثبات در برابر آشوب‌های منطقه‌ای اشاره می‌کند، گویی که این خویشتنداری را نشانه ضعف می‌داند، اما این برداشت، خود گواهی بر ناتوانی دشمن در فهم عمق استراتژیک تفکر آیت‌الله خامنه‌ای است. خویشتنداری ایران، نه از سر ضعف، بلکه از سر حکمت و دوراندیشی بوده‌است؛ سیاستی که بارها دشمنان را در تله‌های خودساخته گرفتار کرده و ایران را به‌عنوان قدرتی باثبات و غیرقابل شکست در منطقه تثبیت کرده‌است.

گالات در سراسر نامه خود گرچه تلاش کرده که نقایی قدرتمندانه و پیروزمندان به چهره بگذارد و اقدام به تهدید رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی کند، اما ناخواسته قدرت ایران و رهبری را ستوده و به توانایی ایران به بازسازی و احیای آنچه «حلقه آتش» در اطراف اسرائیل می‌خواند، اعتراف می‌کند. او ادعان می‌کند که ایران ظرف مدتی قادر به سرعت پیشبین و ادامه برنامه‌های خود‌است و تلاش می‌کند که با کلمات بیخ و تهدیدآمیز خود مانع از این مسیر شود. متن و فرامتن نامه گالات و نامه‌های معاویه گرچه در دو بستر تاریخی و سیاسی متفاوت نگاشته شده‌اند اما الگویی مشترک دارند؛ تلاش برای تحقیر و تهدید یک شخصیت محوری اما تبدیل شدن به سندی برای تأیید عظمت و توانمندی و اقتدار او. خواستی خوار کنی اما ستودی!

خبرگوشان

■ سازمان زنان‌ها اعلام کرد: اشتغال مهم‌ترین بستر برای بازاجتماعی شدن زندانیان است، در این راستا تعداد زندانیان شاغل در پایان سال ۱۴۰۳ هزار نفر رسیدند.

■ رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران گفت: اقدامات عملیاتی در اتصال برخی از بیمارستان‌ها به خطوط موجود مترو در حال انجام است.

■ معاون درمان سازمان تأمین اجتماعی با بیان اینکه ۱۸۵ هزار میلیارد تومان از محل بدهی‌های دولت در بودجه امسال سازمان اختصاص یافته‌است، گفت: این اعتبار باید هدف توسعه و تقویت زیرساخت‌های درمانی سازمان هزینه و سرمایه‌گذاری خواهد شد.

■ رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم وجود مقادیر بیش از حد مجاز آرسنیک و سیانور در گرد و غبار تهران را تکذیب کرد.

■ مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از استقبال گسترده خانواده‌ها نسبت به خدمات متنوع ادبی، هنری و علمی مراکز کانون خبر داد و اعلام کرد: با توجه به درخواست‌های مخاطبان، مهلت عضویت رایگان در مراکز کانون تا پایان تیر ۱۴۰۴ تمدید شد.

■ با گذشت بیش از یک ماه از نابدید شدن توله خرس در پارک جنگلی پردیس‌بان، همچنان خبری از این حیوان نیست. تلاش شبانه‌روزی تیم‌های جست‌وجو با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و مشارکت نهادهای مختلف بی‌نتیجه ماند و مسئولان می‌گویند نمی‌توان نظر قطعی درباره سرنوشت او داد.

■ مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران با اشاره به گشت‌های شبانه عوامل ساماندهی مناطق و تذکر به ون کافه‌های غیرمجاز در پایتخت از کاهش فعالیت ون کافه‌های در تهران خبر داد.

■ یک متخصص مسمومیت‌ها هشدار داد: محل گزش مار یا عقرب را هرگز تیغ‌نرید یا زهر آن را مک‌نرید، زیرا این اقدامات می‌تواند سم را سریع‌تر در بدن پخش کند و خطر مرگ را افزایش دهد.

■ مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان تهران از تشکیل کارگروه تخصصی سرآورد خسارت جنگ ۱۲ روزه با هدف ارزیابی دقیق آسیب‌های وارده به اکوسیستم‌های طبیعی این استان خبر داد.

اعتماد مردم را آب نکند



وحیدعظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

این روزها دوباره صدای گرانی آب شنیده می‌شود؛ صدایی آشنا که هر بار با برچسب «اصلاح الگوی مصرف» به خانه‌های ما می‌رسد و پیام ساده‌ای دارد: کمتر مصرف کنید، بیشتر بپردازید. وزارت نیرو دوباره همان نسخه‌ای را پیچیده که در سال‌های خشک و نیمه‌خشک تکرار کرده است: قیمت را بالا ببریم تا مصرف پایین بیاید. در منطق ساده مسئولان، مردم مقصرند،

انگار اگر شیر آب را محکم‌تر ببندیم، هدررفت در شبکه توزیع اصلاح می‌شود، سد‌های لایروبی می‌شوند و چاه‌های غیرمجاز خودبه‌خود پلمب خواهند شد، اما مردم این قصه را بارها شنیده‌اند، می‌دانند که پشت این هشدارها و قبض‌های سنگین، داستان دیگری است: داستان شبکه‌های پوسیده انتقال آب که سالانه میلیاردها مترمکعب آب شیرین را در مسیر تلف می‌کند. داستان مجوزهایی که به چاه‌های عمیق جان می‌بخشد تا زمین را خالی کند و دشت‌ها را بنشانند. داستان پروژه‌هایی که از کمبود بودجه نیمه‌کاره می‌مانند و هر سال در ردیف بودجه گم می‌شوند.

این روزها اگر پای سفره مردم بنشینید، دیگر کمتر کسی استدلال مصرف‌ی‌ریه را قبول می‌کند. مردم می‌پرند سهم ما و سهم مدیران چیست؟ چرا وقتی صحبت از هدررفت آب در لوله‌های پوسیده می‌شود، کسی جوابگو نیست؟ چرا گزارش رسمی از پروژه‌های ناکام و هزینه‌های هدررفته منتشر نمی‌شود؟

آمار‌های گویند آب در بخش‌های مختلف مترمکبی چندده‌تومان فروخته می‌شود؛ رقمی که حتی هزینه انتقال آن را هم پوشش نمی‌دهد، اما همین آب، وقتی در قبض خانه مردم می‌نشیند، بهای دیگری دارد: بهایی که مدام بالا می‌رود، بدون آنکه چشم‌انداز روشنی از آینده نشان دهد.

وزیر نیرو و همین چند روز پیش گفت: «اقتصاد آب باید اصلاح شود.» معنای حرف او ساده است: مردم باید بهای بیشتری بپردازند تا هزینه پروژه‌های عقب‌مانده تأمین شود. مسئولان دیگر آب هم همان را تکرار می‌کنند: «باز پروژه‌های ما ۲هزار همت است، بودجه نداریم، پس باید تعرفه‌ها بالا برود.» اما در این میان، یک سؤال ساده‌ی پاسخ‌مانده است:

مردم تا کجا باید تاوان ناتوانی ساختاری را بپردازند؟

نمی‌شود اقتصاد آب را با چرتکه قبض‌ها اصلاح کرد. نمی‌شود مدیریت را پشت فاکتورهای چند رقمی پنهان کرد و باز هم انگشت اتهام را به سمت مصرف‌کننده گرفت.

واقعیت این است که آب، کالایی نیست که فقط مردم در مصرفش مقصر باشند. آب محصول یک زنجیره مدیریت است؛ از بارش باران تا تصفیه‌خانه، از لوله‌کشی تا مصرف‌کننده. هر گره‌ی در این زنجیره هزینه دارد. فرسودگی شبکه‌های یکی از همان گره‌های بزرگ است. سال‌هاست در خیرهای ما خوابیده که شبکه‌های انتقال آب در کشورمان در بخش‌هایی تا ۳۰ درصد هدررفت دارند، یعنی از هر ۱۰ لیتر آب شیرینی که وارد شبکه می‌شود، سه لیتر قبل از رسیدن به خانه از دست می‌رود. این آمار اگر در هر جای دنیا منتشر شود، مدیران را پای میز محاکمه می‌کشاند. در کشور ما اما مردم باید با افزایش تعرفه، جور این اتلاف را بکشند. مسئله فقط اتلاف نیست. حفر چاه‌های غیرمجاز، مدیریت نادرست حرمیم رودخانه‌ها، تجاوز به حرمیم سد‌ها و مراعات، همه و همه سال‌هاست از جیب طبیعت و سفره مردم هزینه می‌برد. پرشش این است: چه کسی این تخلف‌ها را مجوز داده؟ چه کسی نظارت نکرده؟ چرا همیشه مردم باید آخرین حلقه این زنجیره باشند که قربانی می‌شوند؟

بعضی از مسئولان وقتی از اصلاح الگوی مصرف حرف می‌زنند، سراغ مقایسه‌های عجیب می‌روند. مثلاً می‌گویند مصرف انرژی آب در ایران چند برابر میانگین جهانی است، حرف درستی است، اما نصف حقیقت است. نیمه پنهان این ماجرا زیرساخت‌های فرسوده‌ای است که از بسامان کردن آن‌ها نفقات شده است. نیمه پنهان، حکمرانی آب است که هنوز نمی‌تواند بین صنعت، کشاورزی و شرب توازن برقرار کند. در این سال‌ها بسیاری از روستاها خالی از جمعیت شده‌اند چون آب نبوده. در همان سال‌ها بعضی دشت‌ها به یمن چاه‌های عمیق به سرعت خشک‌ده‌اند چون نظارتی نبوده.

اگر وزارت نیرو بودجه ندارد، چرا تا امروز گزارشی دقیق از الگوی تخصیص منابع منتشر نشده است؟ چرا هیچ نهاد مستقلی هزینه‌کرد منابع حاصل از افزایش تعرفه‌ها را پایش نکرده است؟ مردم می‌دانند آب ارزان نیست، می‌دانند ارزش هر قطره آب در کشوری که ۷۵ درصد منابع تجدیدپذیر خود را مصرف کرده از نفت بیشتر است، اما همین مردم می‌دانند که قیمت‌گذاری بدون اصلاح ساختار، فقط دوا۱ موقت است. اگر قرار باشد آب را گران بفروشند، باید بگویند با پوشش چه می‌کنند؟

در سال‌های اخیر بارها وعده داده‌اند که شبکه‌ها نوسازی، سد‌ها لایروبی و فرونشست زمین کنترل می‌شود، اما کافی است یک بار به آمار پروژه‌های ناتمام نگاه کنیم تا ببینیم این وعده‌ها در حد حرف مانده است. مردم می‌پرند اگر هر سال قبض آب و برق گران می‌شود، پس این پول کجا می‌رود؟ چرا در عمل تغییری در زیرساخت‌ها دیده نمی‌شود؟ نکته تلخ‌تر این است که حتی اگر مصرف خانگی را با قبض‌های سنگین مهار کنند، باز هم هدررفت آب در شبکه توزیع بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و بزرگ‌ترین قربانی است. تا وقتی شبکه توزیع اصلاح نشود، آش همان است و کاسه همان.

گرانی تعرفه‌ها شاید بخشی اندکی از مصرف خانگی را کاهش دهد، اما تا وقتی سیاست‌های آبخیزداری، لایروبی‌داری، مدیریت آب‌های سطحی و بازچرخانی آب به صورت جدی دنبال نشود، نتیجه فقط فشار بر مردم خواهد بود.

شاید این جمله تکراری باشد، اما چاره‌ای نیست جز اینکه دوباره گفته شود: بحران آب در ایران یک بحران مصرف نیست، بحران حکمرانی است. تا وقتی حکمرانی آب یک شفاف، پاسخگو و علمی نشود، آب گران می‌شود، اما کمبود باقی می‌ماند.

حالا که وزیر نیرو گفته اقتصاد آب باید اصلاح شود، نخستین قدم این اصلاح باید شفافیت باشد.

مردم باید بدانند درآمد ناشی از قبض‌های گران شده، دقیقاً در کجا خرج می‌شود. چه پروژه‌ای قرار است نجات پیدا کند؟ چقدر از این هزینه صرف کاهش هدررفت و نوسازی شبکه خواهد شد؟ مصرف الگوی مصرف با بستن شیر آب در خانه‌ها ممکن نیست، با بستن مجوز چاه‌های غیرمجاز، جلوگیری از رانت‌های پنهان و پایان دادن به پروژه‌های نیمه‌کاره ممکن است.

آمروزا اگر سفره‌های آب زیرزمینی خالی می‌شود، اگر زمین‌ها می‌نشینند، اگر چاه‌های کشاورزی نفس می‌کشند و رودخانه‌ها نفس نمی‌کشند، همه اینها نتیجه تصمیمات دیروز است. فردا هم نتیجه تصمیم‌های امروز خواهد بود. اگر قرار است مردم سهم بیشتری بپردازند، باید بدانند سهم مدیران چیست. راه اصلاح، تکراری نیست. تجربه‌های موفق زیادی است. کشورهای خشک با بازچرخانی آب، مدیریت دقیق مصرف، نوسازی شبکه‌ها، استفاده از فناوری‌های کم‌مصرف و جریمه واقعی برای متخلفان توانسته‌اند بحران را مهار کنند. در ایران هم اگر عزم و شفافیت باشد، بحران هنوز قابل مهار است. یک حقیقت ساده باید روشن باشد: آب اگر گران شود، شاید مردم کمتر مصرف کنند، اما اگر اعتماد مردم ارزان بماند، هیچ قیمتی بحران آب را حل نمی‌کند.



گزارش
پیناز قاسمی

| روزنامه جوان | شماره ۷۳۴۹



سرویس اقتصادی ۸۸۵۲۳۰۶۰

«افزایش قیمت» تنها حربه دولت برای پوشش ضعف‌های مدیریتی است

خواب جدید برای آب

«افزایش قیمت» به امید اصلاح الگوی مصرف و «صرفه‌جویی» ساده‌ترین راه برای عبور از بحران‌هاست. دولت‌ها تصور می‌کنند با افزایش قیمت‌ها می‌توانند مصرف مردم را اصلاح کنند و آن را کاهش دهند، در حالی که این روش فقط یک راهکار مقطعی و دم‌دستی است و بعد از ۲ تا ۳ هفته مصرف به حالت قبل بازمی‌گردد



ایرنا

فناور هزینه‌بر هستند، خواستار بازنگری در اقتصاد آب و به تبع آن قیمت آب شده و تأکید کرده است در غیر این صورت فناوری در بخش آب حاصل نمی‌شود. همچنین سخنگوی صنعت آب در این خصوص می‌گوید: بودجه دولت برای راه‌اندازی پروژه‌های آب ناچیز است و وزارت نیرو برای اجرای این پروژه‌ها به نقدبستگی بیشتری نیاز دارد که از محل افزایش قیمت آب در بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی حاصل می‌شود. این اظهارات در حالی است که وزارت نیرو در این سال‌ها، هر گز گزارش دقیقی از میزان اتلاف آب در شبکه‌های انتقال نمی‌دهد. علاوه بر این، گزارش‌شی از دلایل عدم لایروبی سد‌ها و خشکی زمین‌های اطراف سد‌ها ارائه نمی‌کند و دلیل ناتوانی در مهار آب‌های سطحی و آب باران که اغلب به سیل منجر می‌شود، همچنان مبهم و غیر شفاف است.

صنعت آب کشور به قیمت مناسب با تأکید بر معیار بهره‌وری در اختیار مصرف‌کننده اعم از کشاورزی و صنعت قرار گیرد.
■ **سخنگوی صنعت آب: اعتبار پروژه‌های آبی کفاف نمی‌دهد**
همچنین سخنگوی صنعت آب کشور در گفت‌وگوی

همواره متولیان صنعت آب و برق مدیریت ضعیف‌شان را پشت موضوع بدمصرفی مردم پنهان می‌کنند، به ویژه آنکه در چند سال اخیر خشکسالی و کاهش نزولات آسمانی، بهانه‌ای برای فرار از واقعیت و اجرای طرح‌های زیرساختی شده است. وزارت نیرو با منابع آب تجدیدپذیر خود را مصرف کرده و هر ساله با بحران فرونشست و تخریب اراضی روبه‌رو است، نمی‌توان با تکرار ادعاهای ضدعلمی، صورت مسئله را پاک کرد. بر خورد عالمانه با مسئله آب نیازمند عبور از فرآکنتی و پذیرش مسئولیت ساختاری است؛ مسئولیتی که اگر به‌درستی پذیرفته شود، هم اعتماد عمومی را بازمی‌گرداند و هم امکان مشکل‌گیری سیاست‌های واقعی و کارآمد برای نجات سرزمین را فراهم خواهد کرد.

■ **وزیر نیرو: نفعانی پروژه‌های آبی باید هزینه آن را بپردازند**
وزیر نیرو اواخر هفته گذشته بار دیگر افزایش قیمت آب را راهکاری برای اجرای پروژه‌های جدید آب دانست و افزود: اقتصاد آب و به تبع آن قیمت آب باید مورد بازنگری قرار گیرد، در غیر این صورت فناوری

نیز حاصل نمی‌شود، روش‌های فناور هزینه‌بر هستند، از این رو باید اصلاح اقتصادی صورت گیرد.

عباس علی آسادی با انتقاد از هزینه‌های اضافی در طرح‌های بزرگ افزود: باید به سمت اجرای طرح‌ها به صورت اقتصادی برویم، به عبارت دیگر باید طرح‌های صنعت آب و برق به صورت اقتصادی به مرحله اجرا

به‌شکل محسوسی کاهش یافته است.

از سوی دیگر، بی‌ثباتی ساختاری قیمت‌ها، نه تنها خریدار را با بلاتکلیف کرده، بلکه فروشنده را نیز در تصمیم‌گیری برای انبار، پخش و تبلیغات سردرگم ساخته است. قیمت یک گال مکانیک در همدین حال، ناتوانی هفته دو یا سه بار تغییر کند. این وضعیت در کنار نبود سیاست‌های کنترل قیمت هوشمند، باعث کاهش اطمینان در هر دو سوی عرضه و تقاضا شده است.

در همدین حال، ناتوانی مزمن در بازاربایی علمی و دیجیتال، به‌ویژه در میان اصناف سنتنی، یکی از خال‌های پنهان اما تأثیرگذار در فضای فروش است. برخلاف کشورهای هم‌رده ما که کارآفرینان

کوچک به‌سرعت به فضای فروش دیجیتال مهاجرت کرده‌اند، در ایران هنوز این اتفاق نیفتاده است و بسیاری از کسب و کارها نتوانسته‌اند در فروش آنلاین اعتماد عمومی را جلب کنند. در زنجیره توزیع، مشکلات لجستیکی و هزینه‌های پنهان انبارداری و حمل‌ونقل، نه تنها رقابت‌پذیری فروشندگان را کاهش داده، بلکه به افزایش بی‌رویه قیمت نهایی کالاها منجر شده است. بسیاری از فروشندگان به ناچار یا از بازار خارج می‌شوند یا به فروش محدود در شبکه‌های اجتماعی پناه می‌برند.

از طرفی، تحریم‌های خارجی و موانع داخلی واردات، دست بازار را از برندهای جهانی و

کالاهای با کیفیت کوتاه کرده و زمینه را برای رشد بازار قاچاق و اجناس بی‌کیفیت فراهم آورده است.

افزایش تصاعدی هزینه‌های سربار کسب‌وکار مانند مالیات، اجاره، بیمه و نیروی انسانی نیز موجهی از ورشکستگی خاموش را رقم زده که در آمارهای رسمی ثبت نمی‌شود. این خفگی اقتصادی باعث شده است بسیاری از فعالان صنعتی، فروش را متوقف و تنها به توزیع اندک و حداقلی در شبکه‌های دوستانه و مجازی اکتفا کنند. در کنار این چالش‌های ساختاری، آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید، فروپاشی اعتماد عمومی به فرایند فروش است. خریداران، به‌درستی

یا نادرستی، فروشندگان را به گران فروشی، بی‌صداقی یا نبود خدمات پس از فروش متهم می‌کنند.

در نهایت، رقابت ناسالم در بازار اعم از دامپینگ، فریب تبلیغاتی، تخفیف‌های دروغین یا فروش کالای تقلبی نه تنها آرامش بازار را از بین برده، بلکه کار را برای فروشندگان شرافتمند و منظم سخت‌تر کرده است.

واقعیت این است که فروش در هر اقتصادی، ویرتین سلامت تولید و مصرف آن کشور است. و اکنون در ویرتین بازار ایران، آنچه بیش از کالا غایب است، «اعتماد» است. اعتمادی که نه با دستور، نه با شعار، بلکه تنها با ثبات اقتصادی، شفافیت قیمت‌ها، حمایت هدفمند از مصرف‌کننده و تولیدکننده و سیاستگذاری‌های مدرن بازاربایی و فروش قابل بازسازی است.

شاگرد ممتاز

خانم برائیت بیت یاور و شاگرد ممتاز کلاس هفتم

مدرسه مهین دخت سبز ارومیه

با معدل ۲۰

سازمان آگهی‌های

روزنامه جوان

۸۸۵۵۵۸۸

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آرای هیات زراعی و روستای انجیلو

شماره ۱۲ کدملی ۳۸۵۵۲۷۶-۸۰۰۰

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



جوانان فلسطینی رهبری را چگونه نام می‌برند؟
محمد سالم: به یگی یچم قند تو دل‌تون آب بشه؟ آی‌امی دانسیدین، جوانان فلسطینی به رهبری می‌گن، «السید اکبر» یعنی آقای بزرگ، خدا یا السید اکبر را از جمیع لایا محفوظ بدار.



زهر ا شفا، همسر پاسدار شهید سرگرد علیرضا نوری با درج عکسی از همسر شهیدش در همراه دو دخترش مهنیا و مهدیا نوشت: ای شهید راه میهن، دخترانت بسا عکس‌هایت حرف می‌زنند، دل‌تنگی‌شان را فقط آسمان می‌فهمد... تا ابد در جست‌وجوی آغوش گرم و مهربان تو می‌مانند. روح شاد، قهرمان خاموش من



تصویری که انفجار کشتی انگلیسی در دریای سرخ از سوی انصارالله یمن را از بالانشان می‌دهد نیز در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفت. انگلستان نزدیک دو قرن خود را سلطان دریاهای اقیانوس‌های زمین می‌دانست.

شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ | ۱۶ محرم ۱۴۴۷|||.....گایران.....| روزنامه جوان | شماره ۲۳۴۹

حیرت اغلب کاربران فضای مجازی از طرح ادعای تلاش برای ایجاد شکاف میان ترامپ و نتانیاهو ادامه دارد

از شکاف بین ترامپ و نتانیاهو چه خبر؟



خوش‌بینی برای ایجاد شکاف بین نتانیاهو و ترامپ به‌امید برداشتن سایه جنگ از سر کشور و ماندن پای میز مذاکره یا دشمنی که اخیراً به‌طور واضح به کشورمان حمله مستقیم کرده، موضوع داغ این روزهای شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی است.

■ **فرناز کریمی:**

فشار افکار عمومی امریکا کجای تاریخ به داد شما رسیده؟ مردم امریکا نداشتن ترامپ از برجام خارج شه؟ مردم امریکا تحریم‌ها رو برداشتند؟ مردم امریکا نداشتن تحریم‌های جدید اعمال شه؟ مردم امریکا نداشتن سلاح به اسرائیل برسه؟ مردم امریکا جلوی حمله اسرائیل به ایران رو گرفتن؟ مردم امریکا نداشتن امریکا به فردو حمله کنه؟ مردم امریکا جلوی بمباران غزه رو گرفتن؟ مردم امریکا نداشتن حاج قاسم ترور شه؟ مردم امریکا نداشتن سردار حاجی‌زاده ترور شه؟ مردم امریکا نداشتن دانشمندانور ترور شن؟ مردم امریکا همین الان که رئیس‌جمهور امریکا، علناً رهبری رو تهدید به ترور میکنه میتونن جلوی این عملیات رو بگیرن؟ مردم امریکا تا حالا دقیقاً چه کاری نوتستن بکنن؟

■ **محمد رضا شهبازی:**

امروزم گذشت و به روز دیگه رو برای فاصله انداختن بین ترامپ و نتانیاهو از دست دادیم! حداقل در صدسال اخیر ده‌ها میلیون نفر را کشته، آواره، مجروح یا معلول کرده‌اند، در گوانتانامو و ابو غریب انواع جنایات انسانی را مرتکب شده‌اند. ده‌ها دولت قانونی را برانداخته‌اند، کودتا کرده‌اند و... بعد خاورمیانه‌ای مستضعف فکری ریز بمب هم نگران است یک وقت آنها پشه نکوبند جنگ‌طلب!

■ **قیس قریشی:**

با اسلحه امریکایی کشته می‌شویم! با جنگ‌های امریکا! واره می‌شویم! با تحریم‌های امریکا فقیر می‌شویم! و امریکا نگران حقوق بشر ماست، نگران آینده بچه‌های ماست، نگران آزادی‌های ماست!... خ‌های مزرعه هم باور دارند امریکا خبرخواه ماست...

■ **سید امیر حسین هاشمی:**

«مرکا نمیتونه از برجام خارج شه!». «اگر جنگ بشه، مسئولان درانانند!». «اگر فلاحی رئیس‌جمهور می‌بود، منطقه وارد درگیری می‌شد»! کدام یک از ادعاها و پیشبینی‌های ظریف عملی شد؟! کدام؟! نمره هیچ برجام،

بی‌اعتمادی به امریکادر مذاکره‌ها، اهمیت

حضور در سوریه و جبهه مقاومت، دشمنی اسرائیل با تک‌تک مردم ایران و...، همه و همه ادعا‌های ارزشی‌هایی بود که با لیبیل «تندرو» یا «دل‌ولپسان» مسخره‌شون می‌کردید اما به اثبات رسید! حالا باز دوباره همون فریب همیشگی مذاکره‌وهمون لیبل‌زنی به‌ارزشی‌ها رو شروع کردید؟! درس نمی‌گیرید؟!

■ **یک کارگر فضای مجازی:**

«روی میز مذاکره، بمب انداختند...!!!» خیر جناب رئیس‌جمهور... روی سرداران، دانشمندان و ملت مظلوم بمب انداختند، وگرنه میز مذاکره که هنوز پایرجاست...!!!

■ **سلمان معمار:**

پزشکیان باید چه می‌گفت؟- «در جنگ با ایران حداقل ۲هزار سرباز امریکایی کشته می‌شود.»- «ترامپ به‌خوبی فهمید ایران قوی است»- «اسرائیل شکست خورد»- «مادانیا مذاکره با شما بودیم اما شیخون زدید، چین به ما کمک کرد این معنادر است»- «شما برای ترور من هم اقدام کردید»- «هنوز فرصت هست».

■ **علیرضا زاهد:**

شیخ‌نعم قاسم: در ۲۵ سپتامبر یک پیشنهاد مشترک امریکایی-فرانسوی برای آتش‌بسی ۲۱روزه مطرح شد و شهید نصرالله به نیبه بری، رئیس پارلمان لبنان، اطلاع داد که اصولاً با آن موافق است اما دو روز بعد ترور شد.

گایران

روزنامه جوان | شماره ۲۳۴۹



حیرت اغلب کاربران فضای مجازی از طرح ادعای تلاش برای ایجاد شکاف میان ترامپ و نتانیاهو ادامه دارد

از شکاف بین ترامپ و نتانیاهو چه خبر؟



■ **امیر حسین جعفری:**

ایران در سال ۱۴۰۴ برای اولین بار بعد از جنگ هشت‌ساله، در دوره‌ای که سیاست‌های غریگرایان در حال اجرا بود، دچار جنگ شد. البته ایران یک بار هم در دولت روحانی با ترور سردار سلیمانی در آستانه جنگ قرار گرفت. غریب‌گرایان ایران را به سمت جنگ، ویرانی و مرگ برده‌اند...

■ **لیا آبنوس:**

بین امریکا و اسرائیل اختلافه، الان تو کنگره امریکا دعواست که اسرائیل ما رو با B2 بزنه، یا پشش F35 بدن بزنه... سر این اختلاف دارن ما رو با بمب بزرگ‌ترن یا بمب کوچیک! وقتی میگیم اسرائیل از جادو استفاده میکنه، خیلیا مسخره میکنن ولی غریبان تر از این دیگه نیست! نتانیاهو تو دبدار اخیرش به ترامپ، یک «حرز پهلودی» هدیه داد. این هدیه به شکل بمب افکن B2 و با قطعات موشک‌های ایرانی ساختند و در اون عبارت‌هایی از تورات نوشته شده!

■ **امین میمندیان:**

فکر کن ترامپ الان کسبه که دوست و دشمنش به‌صلح‌و‌سستی و صلح‌وروش اذعان کردن، آدم نمیدونه بچندنه یا بزنه تو سر!

■ **پریسانصر آبادی:**

متأسفانه پریزیدنت ترامپ، بار دیگر تحت‌تأثیر نتانیاهوی خبیث، تحریم‌هایی را بر ایران

یگانگی استراتژیک ایران



ژئواستراتژیک نشسته و بر معادلات و مناسبات جهانی مؤثر بوده ایران در پیوندگاه سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا جای دارد. جنگ‌هایی بی‌شمار تحمیلی همواره این سرزمین را در طول تاریخ مورد هجوم قرار داده و قدرت مرکزی ایران را تضعیف کرده است. تاریخ گواهی می‌دهد که هروقت حکومت مرکزی تضعیف شده یا گرفتار اختلافات درونی بوده، در برابر حملات و همه‌ها نتوانسته مقاومت کند، یا گوش‌های آن جدا شده بی‌رونی، حاکمان ایران را دائماً گرفتار دفاع از کشور در برابر مهاجمین کرده و در نتیجه قدرت مرکزی در ایران، همواره در معرض تهدیدات درونی و شورش‌های مدام نموده. با این وجود، ایران ایران «مقاومت» و «مداومت» داشته است. برخی نقدها نیز به این نظریه وارد است و نمی‌توان به‌طور کامل همه ابعاد آن را تأیید کرد. ولی به‌طور کلی می‌توان از این نظریه برای تقویت «واقع‌گرایی» در داخل استفاده کرد. باور به تنهایی استراتژیک ایران ما را به این واقع‌گرایی می‌رساند که تنها راه بقا و حفظ موجودیت ایران، رشد درون‌زاست. همان «اصل خودیاری» در روانشناسی که افراد باید مسائل



احمق‌ها همه را متحد کردند

سعید در شبکه اجتماعی X نوشت: به پیرمرد بود هر روز پیشش قهوه‌ی می‌خوردم و با مواضع ضد نظامش باهاش بحث می‌کردم، باورم نمی‌شد بعد از حمله اسرائیل به جوری صحبت می‌کرد که انگار از اعضای فعال بسیجه! احمق‌ها با این کار همه رو متحد کردند.

آب دریای عمان به همت چه کسی به اصفهان رسید

آزاده‌امینی، با درج تصویری از شهید رئیسی نتیجه‌زحمات دولت سیزدهم به بار نشست و آب دریای عمان به اصفهان رسید!ابر پروژه ایران رود استاندار اصفهان، اولین گام تأمین آب مورد نیاز صنایع اصفهان به پایان رسید.در این گام، جابجایی ۷۰ میلیون مترمکعب آب نمک‌زدایی‌شده دریای عمان به اصفهان فراهم شد. صلواتی نثار روح شهیدرئیی عزیزمان کنیم.



تهدید بازدارنده سردار پاکپور در جنگ

یک کاربر: سردار پاکپور، ما پالایشگاه حیفار را با موشک‌ها ویران کردیم و اعلام کردیم، اگر بسه مراکز پالایشگاهی ما حمله‌ای صورت بگیرد، کل منطقه که مرکز انرژی در جهان است را به آتش می‌کشیم و دشمن جرئت ن‌ک‌ده به مراکز انرژی و پالایشگاهی‌مان حمله کند.



محدود کردن گروک در شبکه اجتماعی X

الیاس: بعد اینکه گروک در جواب به StopAntisem مبنی بر اینکه یهودیان در فعالیت‌های ضد سفیدپوستی بیش از حد حضور دارند، مهندسان X قابلیت پاسخ‌دهی متنی از سوی این هوش مصنوعی را غیرفعال کردند. گروک که اکنون فقط به تصاویر محدود شده، در پاسخ به درخواستی که از او می‌خواهد تا نظرش رو بگه، تنها با یک پیام پاسخ داد: «صدای من را حفظ کن.»

تغییر پارادایم یک مطالبه دقیق است!

سید یاسر جبرائیلی در کانال تلگرامی خود نوشت: هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند منکر این گزاره باشد که «تجربه بر تنوری رجحان دارد». وفاقیون هر چه می‌خواهند، بسا هر که می‌خواهند، می‌توانند مذاکره کنند. اما نجارب برجام و جنگ تحمیلی ۱۲روزه به ما می‌گوید مذاکره ابزار مناسبی برای رفع تحریم یا دفع شر جنگ نیست. به تعبیر دقیق و صحیح مرشایمر، بول‌راچ در روابط بین‌الملل، «قدرت» است. اگر این واقعیت را پذیرفتیم، باید بدانیم که هر معامله سودآوری در محیط بین‌الملل، مستلزم «اعمال قدرت» است، نه تقدیم «هولفه‌های قدرت». این است که برای یک معامله سودآور در سسر هر میز مذاکره‌ای، منطقاً باید «قوی» شد. کشوری هم که می‌خواهد «قدرت نظامی» تولید کند، باید «قدرت اقتصادی» کسب کند. دولت ضعیف و کوچک، اقتصاد دلاریزه و متأثر از شوک‌های جهانی، سیر دن ارزش پول ملی به‌بازار سیاه، خصوصی‌سازی انقال و دارایی‌های ملی، خصوصی‌سازی نظام بانکی و در یک کلام، مجموعه سیاست‌های نتولیبرال، «برای ایران قدرت اقتصادی تولید نکرده و نخواهد کرد. نتیجه این پارادایم که از سوی همین نویسندگان نامه ۱۸۰نفره ترویج و تجویز شده و در دهه‌های گذشته بر کشور مسلط بوده، فروش زمین برای ساخت موشک و پروژه‌هایی مانند «پاس» برای تأمین مالی مقاومت است. ما همچنان که مذاکره را مکرر تجربه کردیم، تجربه سیاست‌های نتولیبرال نیز از حد تواتر گذشته است. باید تغییر ریل داد. ما باید قوی شویم و راه تحصیل قدرت حتماً تغییر پارادایم است: گذار از اقتصاد «سرمایه‌داری نتولیبرال» به یک اقتصاد «ملی، مردمی و مقاومتی».

اهمیت عمود خیمه هم مشخص شد

میثم مطیعی: یک درس مهم جنگ تحمیلی ۱۲روزه که بسا پیروزی در خشان ملت ایران همراه شد، روشن شدن اهمیت جایگاه ولی‌قیه، به‌عنوان ستون خیمه انقلاب اسلامی بر همگان بود. این حقیقت به همه دلسوزان ایران به خوبی یادآوری شد، جایگاه رهبری (که در زمان بحران یک تصمیم او می‌تواند استقلال و عزت ایران را تضمین و ملت را سربلند کند)، تا چه حد باید حراست و حمایت شود. اکنون معلوم شد، چرا دشمنان در طول سال‌های گذشته تا این حد تلاش کردند تا افکار عمومی علیه رهبری حاشیه‌سازی کرده و با ایشان حمله کنند و با توهین و تخریب، کاری کنند که بزرگ‌اه حافظ‌شیرازی را مشاهده کردم که بسیار متبسط بود. خواجه رو به من کرده و گفت: من که تیرشان به سنگ خورد و ملت و رهبری در همراهی با هم حماسه آفرینند.



شاه شمشاد قدان کیست؟

کانال تلگرامی تذکره الاولیاء نوشت: مرحوم کل احمدآقا (کربلایی احمد میرزا حسینعلی تهرانی) نقل می‌کردند: «روزی جناب شیخ رجبعلی خیاط به من فرمودند: در عالم معنا، روح خواجه حافظ‌شیرازی را مشاهده کردم که بسیار متبسط بود. خواجه رو به من کرده و گفت: من غزل شاه شمشاد قدان را در وصف مامتیر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل العباس(ع) سرودم و از این امر خیلی مسرور بود.» غزل این است: شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان که به مرغان کشند قلب همه صف‌شکنان مست یگذشت و نظر بر من درویش انداخت گفت ای چشم و چراغ همه شیرین سخنان تا کی از سیم و زرت کیسه تهی خواهد بود بنده من شو بر خور ز همه سیم‌تنان کمتر از ذره نای پست مشو مهر بورز تا به خلوت‌گه خورشیدرسی چرخ زنان بر جهان تکیه مکن ور قدحی می‌داری شادی زهره جبینان خود و نازک بدنان پیر پیمنانه‌کن شن که روانش خوش یاد گفت پیرهن کین از صحبت پیمان شکنان دامن دوست به دست از و ز دشمن بگسل مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمندان با صبا در چمن لعل سحر می‌گفتم که شهیدان که‌اند این همه خونین کفنان گفت حافظ من و تو محرم این راز نهایم از می‌لعل حکایت کن و شیرین دهنان

■ **تصویر منتخب**



■ **تخت سلیمان ازادگاه زرتشت**
مجموعه عظیم تخت‌سلیمان شامل بخش‌های مختلفی مانند حصار تخت‌چمشید، آتشکده آذرگشنسب، ایوان خسرو، معبد آناهیتا، راهروهای تخت‌سلیمان، سنگ‌ازدها، پناهای دوره ایلخانی و آتشگاه‌های کوچک است.

صیانت از تصویر ایران پیروز و مقتدر

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: جنگ در نقطه پیروزی ما متوقف شده است. اینکه در وقت توقف جنگ و هنگامه پیروزی نظامی، دیپلماسی و امر سیاسی است که قهراً باید فعالانه به صحنه بیاید و بتواند از پیروزی نظامی، برتری سیاسی بسازد، امری بدیهی و قطعی است. وظیفه کنشگران رسانه‌ای، حفظ انسجام و اعتماد است نه مشوش شدن و سر درگم کردن افکار عمومی. فعال رسانه‌ای باید خود درصدد فهم منطق و حکمت تصمیمات برآید و سپس به وظیفه روشنگری، اطمینان بخشی و نشان دادن تصویر مقتدرانه از کشور و ملت ایران اهتمام ورزد، نه آنکه تشویش و ضعف تحلیلی خود را با ضرب چندبرابری به جامعه مخاطبش منتقل کند. مسئولان کشور نیز در قبال افکار عمومی وظیفه‌مندند. ایران امروز در نقطه پیروزی و اقتدار قرار دارد. لذا آنچه از زبان مسئولان کشور به‌عنوان نمایندگان ملت منعکس می‌شود باید تابلویی از اقتدار و توانایی باشد. سخن گفتن از خاسبانه اقتدار، به معنای جنگ طلبی یا تحریک طوف عظیم مقابل نیست بلکه یعنی در هر گفت‌وگو و خطابه‌ای باید روایت فتح ملت و عجز دشمن از تسلیم ایران و کابوس شدن رویاها و توهمات آنها در صدر باشد. دیپلماسی عمومی باید فعال‌تر از همیشه از هر ابزاری که قادر به بازتاب‌دادن توامان اقتدار و مظلومیت ملت ایران است بهره بگیرد. ابتکارهای رسانه‌ای چون اهرم‌سازی از طیف مخالف جنگ در طرف‌داران ترامپ که مصاحبه اخیر رئیس‌جمهور با کارلسون نیز با این هدف انجام شد، قابل تحسین است اما در همه این ابتکارات و تلاش‌ها نباید از این واقعیت اغماض شود که آنچه در نهایت دشمن را غلب راند و برای آتش‌بس به التماس انداخت، قدرت جمهوری اسلامی ایران بود. اگر ما قادر به پاسخ سریع و سهمگین نبودیم و ضربات کاری ما به مراکز حساس و حیاتی دشمن آنها را مستأصل نمی‌کرد، هیچ دلیلی برای توقف جنگ نمی‌دیدند.

«اسلام و ایران» وحدت هویتی نه تضاد تمدنی

روزنامه ایران در یادداشتی با بیان این نکته که در سال‌های اخیر تلاش‌هایی در جامعه ما صورت گرفته است تا میان اسلام و ایران نوعی دوگانگی القا شود، نوشت: در این القابات، این طور وانمود می‌شد که گویی اسلام عصری بیگانه است که بر پیگره فرهنگ و هویت ایرانی تحمیل شده و در تقابل با ملیت ایرانی قرار دارد. این نگاه، نه‌تنها با واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی ایران ناسازگار است، بلکه برخاسته از نوعی رویکرد مفرمانه و گاه استعماری است که هدف آن تضعیف وحدت ملی و هویتی ایرانیان است. در عین حال برخی هم بر آن هستند تا با برجسته‌سازی ایران باستان، اسلام را به عنوان عصری بیرونی و بیگانه، از ملیت ایرانی جدا کنند. همه این تلاش‌ها و القابات دوگانه، درحالی است که واقعیت تاریخی ایران در سده‌های اخیر، یعنی آنچه در بطن و متن تاریخ این سرزمین روی داده است، چیز دیگری را نشان می‌دهد. آنچه تاریخ به ما می‌گوید، این قرار است که ملت ایران از قرن اول هجری، با رغبت و اختیار اسلام را پذیرفت، بدون آنکه این پذیرش، ناشی از اجبار یا تحمیل باشد. اساساً در ایران ملیت مفهومی مرکب از عناصر مختلفی چون نژاد، ادب و رسوم، زبان و مذهب است. در میان این عناصر، اسلام نه‌تنها بخشی از فرهنگ ما نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان در هزارو ۴۰۰ سال اخیر بوده است. از این رو، نمی‌توان میان «ملیت ایرانی» و «اسلام» مرزی قائل شد. این دو عنصر به لحاظ تاریخی در هم تنیده هستند و جدتی پایدار را پدید آورده‌اند. امروز هم هرگونه تلاشی برای دوگانگی‌سازی «اسلام - ایران» حرکتی مشکوک و گاه ریشه‌دار در تفکرات استعماری است.

«حضور رهبری» تجلی اقتدار و استقامت!

روزنامه کیهان در بخشی از یادداشت شب‌شنبه خود نوشت: باتزاب گسترده حضور رهبر معظم انقلاب با قاضی استوار و مراسم عزاداری شب عاشورا در رسانه‌های جهانی و قطع ناگهانی برنامه‌های عادی برخی شبکه‌های خبری منطقه و پخش مستقیم حضور ایشان، بی‌سابقه بود و رهبران جهان را به حیرت واداشت و صهیونیست‌ها و سران امریکا را وادار کرد شوک دیگری برد. این نشان از پیامدهای مهمی در تحولات منطقه و جهان در میانه جنگ تمام نشده علیه ایران دارد. تحلیلگران و رسانه‌های دنیا اکنون روی چند گزاره مهم متمرکز شده‌اند که حضور رهبری نشان داد: اولاً همچنان تهدید جمهوری اسلامی برای اسرائیل تا محو کامل آن پابرجاست. ثانیاً ترامپ، قمار را باخت و با گرفتار شدن در گرداب «ایران گیت» دیگری، وضعیت برای او بسیار پیچیده‌تر شده است. ثالثاً برنامه موشکی و هسته‌ای و غنی‌سازی ایران سر جایش باقی مانده است و راه برای فعالیت‌های هسته‌ای‌اش هموارتر شد. رابعاً ایرانی‌ها شکست نخوردند و طرح ۲۴ ساعته و حداکثر یک هفته‌ای سقوط جمهوری اسلامی و نابودی ایران و جبهه مقاومت شکست خورد. خامساً تهدید سایه جنگ بر سر ملت ایران خنثی شد و بازدارندگی خود را از دست داد و امریکایی‌ها و اروپایی‌ها دیگر نمی‌توانند از این حربه برای ترساندن ملت ایران و به هم ریختن اقتصاد ایران استفاده کنند. سادساً ایران کنتور را برای امریکایی‌ها و اروپایی‌ها صفر کرد و دیگر مذاکره با آنها از نظر ملت ایران بی‌معنا شد و یقین کرد ندان این موضوع است که تضمین‌کننده به رسمیت شناختن آسایش و حقوق و امنیت است. سابعاً رهبر ایران نه در پناهگاه که در کمینگاه مشغول طراحی محو اسرائیل در صورت هر حماقت دیگری بعد از با خاک یکسان شدن تل آویو و حیفا بودند و اکنون پس از این طراحی، حضورشان فریاد «هل من مبارز» بود!

مطالبه اصلی مردم اعتمادندآشتی به امریکاست

روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: اکنون بیشتر از هر زمان دیگری بی‌اعتمادی زیادی برای ایران جهت مذاکره با امریکا به وجود آمده است. این بی‌اعتمادی در ایران یک حالت عمومی پیدا کرده و الان مطالبه اصلی مردم عدم اعتماد به امریکاست و به هیچ وجه مذاکره با این کشور را بر نیمی‌سازد. مذاکره پذیرفتنی نیست مگر امریکایی‌ها واقعاً با خاضعه‌های بسیار روشن و مشخصی توافق به مذاکرات بگذارند و در کنار آن شیوه‌های مذاکره و مواضع خود را تغییر دهند که قاعدتاً چنین چیزی امکانپذیر نیست. می‌توان اینطور استنباط کرد که امریکایی‌ها در حال حاضر بازنده ایجاد روابط با ایران هستند. امریکایی‌ها تصور کرده که با نشان دادن چهره‌ای خوش در قیبال برخی از تمایل به مذاکره در ایران افزایش بدهند، اما نمایش این چهره خشن، تمایل ایران به و روابط و مذاکره با امریکا را به صفر رساند و ضمن آن موجب تفرغ بسیار زیادی علیه امریکا در ایران شد. امریکایی‌ها باید معنای مذاکره را بفهمند. مذاکره با امریکا یعنی در قیبال برخی از تعدیل‌ها در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای، آنها بخشی از تحریم‌ها را بردارند. اما آنها در پنج دور مذاکره قبلی حتی یک کلمه یا یک جمله درباره برداشتن تحریم‌ها صحبت نکرده‌اند. به هر حال تجربه مذاکره در ۱۲ روز گذشته تجربه بسیار خوبی برای ما بوده است. اگر چه تبلیغ‌ها زیاد بود اما ما را حائر تجربه بسیار بزرگی کرد که می‌تواند راهنمای ما باشد. این نوع مذاکرات چهره غریبه‌ها را بسیار به ما شناساند.



روزنامه جوان | شماره ۲۳۴۹ | شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ | ۱۶ محرم ۱۴۴۷



علی بوردهمان | جوان

در دوران پسا‌جنگ، انسجام و وحدت ملی یکی از ارکان مهم و تعیین‌کننده کشور محسوب می‌شود، از این رو نباید افسرد و جریان‌های سیاسی با اهداف ازپیش‌تعیین‌شده این وضعیت را مخدوش و وضعیت مورد نظر خود را به جامعه غالب کنند.

در حقیقت یکی از متغیرهای مهم در حفظ ثبات و همبستگی جامعه، برخورد با هنجار شکنان و فرصت‌طلبان است. اگر دستگاه‌های مسئول در این وظیفه خطیر کوتاهی کنند و به برهم‌زدندگان قرار است که ملت ایران از قرن اول هجری، با رغبت و اختیار اسلام را پذیرفت، بدون آنکه این پذیرش، ناشی از اجبار یا تحمیل باشد. اساساً در ایران ملیت مفهومی مرکب از عناصر مختلفی چون نژاد، ادب و رسوم، زبان و مذهب است. در میان این عناصر، اسلام نه‌تنها بخشی از فرهنگ ما نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان در هزارو ۴۰۰ سال اخیر بوده است. از این رو، نمی‌توان میان «ملیت ایرانی» و «اسلام» مرزی قائل شد. این دو عنصر به لحاظ تاریخی در هم تنیده هستند و جدتی پایدار را پدید آورده‌اند. امروز هم هرگونه تلاشی برای دوگانگی‌سازی «اسلام - ایران» حرکتی مشکوک و گاه ریشه‌دار در تفکرات استعماری است.



عباس سلیمی‌نمین

کارشناس و تحلیلگر سیاسی

مناسبی را در اختیار برهم‌زندگان نظم جامعه خوانده‌د. در واقع، دوستداران حفاظت از وطن و انقلاب به طور هوشمندانه‌ای نتنها باید سه مقابله با عوامل ظیفه جریان‌های سیاسی و دستگاه‌های خیزند که مهم‌تر از آن، از دنبال کردن اختلافات فرصت‌سوز چشم‌پوشی و زمینه‌هم‌افزایی را در خود ایجاد کنند.

■ **بک تندروی می‌تواند با چند واسطه بلندگوی دشمن باشد**

عباس سلیمی‌نمین، کارشناس و تحلیلگر سیاسی و گفت‌وگو با «جوان» در پاسخ به این پرسش که در تعامل ظیفه جریان‌های سیاسی و دستگاه‌های مسئول در حفظ آرامش و ثبات کشور چیست؟ معتقد است: «هر عنصر یا پابند به مصالح ملی به خوبی می‌داند که در این برهه حساس کنونی



کثمت وگو

فائزه سادات یوسفی

نیاید به مسائل اختلاف‌برانگیز پرداخت، اما بعضی نیروهای تندرو در دو طیف مطرح سیاسی مستأفانه به این مهم توجه ندارند و به افتراات دامن می‌زنند، در صورتی‌که در این وضعیت، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی باید به اشتراکات توجه کنند تا قدرتمندتر در برابر متجاوز ظاهر شوند و با گرفتن فرصت از دشمن، امکان اقدام علیه مصالح ملی را از بین ببرند، اما با وجود این برخی نیروهای تندرو به این امر مهم توجه ندارند و قطع، اتهامات مطرح شده قابل اثبات نخواهد بود و با پیگیری هم به نتیجه نخواهد رسید گفتنی است این اتهامات از سوی برخی نیروهای فرصت‌طلب که شرایط را برای بازی‌های شخصی و حزبی مناسب می‌بینند، دنبال می‌شود.»

سلیمی‌نمین تأکید کرد: دستگاه‌هایی که در این رابطه مسئولیت مشخصی دارند، باید به وظایف خود بیش از گذشته عمل کنند تا فرصت‌طلبان کمتر مجال تنش‌افزایی پیدا کنند. وی افزود: «با وجود این که طبق شواهد دستگاه‌های مسئول در این زمینه پابندی به وظایف خودشان را دنبال می‌کنند، اما اگر دستگاهی هم در این میان تعلل کرد، سایر دستگاه‌ها مانند شورای امنیت ملی، باید ورود کند تا از انتشار خطر جلوگیری شود. آنها باید اعتراضات خود را به این اتهامات و موضوعات تفرقه‌افکنانه پیگیر باشند تا ناقضان آرامش و وحدت در جامعه را وادار به پابندی به مصالح ملی کنند.»

اهمیت همبستگی ملی و لزوم برخورد با وحدت‌شکنان در گفت‌وگوی «جوان» با عباس سلیمی‌نمین بررسی شد

یک تندرو می‌تواند با چند واسطه عنصر دشمن باشد

جامعه هم تا‌کام خواهد ماند. در نهایت، متصدیان امور، باید انسجام و همبستگی را بسیار مهم ارزیابی کنند و همه کسانی را که به طور واقعی و نه مقطعی و مصلحتی، پابندی خود را به مصالح ملی اثبات کرده‌اند با آغوش باز پذیرا باشند.»

■ **اقدام دستگاه‌های مسئول در برابر اقدامات برهم‌زنده نظم عمومی**
این تحلیلگر مسائل سیاسی اضافه کرد: «اگر افراد یا جریان‌های سیاسی مسائلی را برای تخریب انسجام ملی و تضعیف نظام مطرح کنند، این وظیفه دستگاه‌های حافظ امنیت است که با آنها برخورد کنند، بنابراین جریان‌های سیاسی باید از آن ب‌حذر باشند، مانند اظهارات وحدت‌شکنانه کواکبیان در تریبون رسانه ملی، بنابراین یکی از اقدامات در خور و مناسب در این وادی، برخورد با این افراد نظم‌شکن است، منتها این وظیفه دستگاه‌دی‌ربط و مسئول است و نباید بار آن بر دوش دیگران باشد مثلاً وزارت ارشاد خود از جمله کانون‌هایی است که باید با نظارت بیش از گذشته، از انتشار اظهارات بدون سند و تفرقه‌انگیز ممانعت به عمل آورد. از این سو، افراد دلسوز کشور نیز نباید به چنین موضوعی دامن زنند و باید فرصت برخورد را به آنها که مسئولیت‌شان مصونیت از مصالح ملی است، واگذار کنند و این افراد و جریان‌های سیاسی را به پاسخگویی وادار کنند. علاوه بر آن، اهمیت رسیدگی به این مواضع تفرقه‌افکنانه، محدود به راستی‌آزمایی نیست، بلکه نتیجه و اثر آن در جامعه مهم است، بنابراین حتی اگر برخی گفته‌ها و اظهارنظرها حقیقت داشته باشد، اما انتشار آن در جامعه فایده‌ای نداشته باشد و به طور معکوسی سبب ایجاد درگیری و تنش شود، از مصادیق جرم تلقی می‌شود و باید با آنها برخورد شود، زیرا به طور کلی، اتهامات مطرح شده قابل اثبات نخواهد بود و با پیگیری هم به نتیجه نخواهد رسید گفتنی است این اتهامات از سوی برخی نیروهای فرصت‌طلب که شرایط را برای بازی‌های شخصی و حزبی مناسب می‌بینند، دنبال می‌شود.»

سلیمی‌نمین تأکید کرد: دستگاه‌هایی که در این رابطه مسئولیت مشخصی دارند، باید به وظایف خود بیش از گذشته عمل کنند تا فرصت‌طلبان کمتر مجال تنش‌افزایی پیدا کنند. وی افزود: «با وجود این که طبق شواهد دستگاه‌های مسئول در این زمینه پابندی به وظایف خودشان را دنبال می‌کنند، اما اگر دستگاهی هم در این میان تعلل کرد، سایر دستگاه‌ها مانند شورای امنیت ملی، باید ورود کند تا از انتشار خطر جلوگیری شود. آنها باید اعتراضات خود را به این اتهامات و موضوعات تفرقه‌افکنانه پیگیر باشند تا ناقضان آرامش و وحدت در جامعه را وادار به پابندی به مصالح ملی کنند.»

رئیس مجلس شورای اسلامی در تحلیل جنگ ۱۲روزه: فرماندهی حکیمانه رهبری دفاع ۹۰میلیونی را شکل داد

آینده نیز انجام دادیم؛ هدف‌ها معلوم، نقشه معلوم، موشک‌ها معلوم و نقطه را می‌زدیم تا جایی که سیستم پدافندی زانو بزند، لاعلاج و ناگزیر شود و آنها را به نقطه‌ای برساند که تلاش کردند جنگ متوقف شود.

■ **«همبستگی و انسجام ملی» بزرگ‌ترین دستاورد جنگ ۱۲روزه**

رئیس مجلس شورای اسلامی با تأیید این پرسش که پیشنهاد آتش‌بس نشانه این بود که مجدداً در حوزه قدرت شلیک موشکی به یک موازنه رسیده بودیم، تصریح کرد: تردید نکندید اگر آنها توان ادامه داشتند، لحظه‌ای متوقف نمی‌شدند. آنها نتوانستند که نمانندند، بنابراین برای همین پیروزی نصیب ما شد. این جنگ دستاوردهای تکنیکی و نظامی و دستاوردهای اجتماعی و معنوی در حوزه نرم برای ایران به همراه داشت. دکتر قالیباف همچنین در پاسخ به این سؤال که انسجام و همبستگی ملی ایجادشده کنونی را چگونه می‌توان حفظ و حراست کرد، گفت: این سؤال بسیار مهم است. معتمد در این جنگ ۱۲روزه بزرگ‌ترین دستاوردی که کسب کردیم، ایفای نقش مردم و به میدان آمدن آنها بود. اگر بخواهم صریح و شفاف خطاب به آنها بگویم که در این تجاوز با هدف براندازی ایران، فروپاشی و تجزیه اقدام کردند بگویم، این است که آنها باید بداندند هسته سخت این نظام، ۹۰میلیون نفر هستند که همه یکپارچه‌اند. آنها باید بداندند امروز ایرانیان تنها به دو دسته تقسیم شده‌اند: وطن‌دوست و وطن‌فروش. (دسته‌بندی دیگری وجود ندارد) و ما وطن و اسلام را باهم منطبق می‌دانیم و این مهم‌ترین دستاورد ما بود که ملت ایران با سلاقی مختلف اینگونه به میدان آمدند. از آقای چاوشی تا آقای محمود کریمی، از مراجع شیعه تا علمای اهل سنت، که در داخل و چه در خارج و اینها ظرفیت کشور ماست. امروز مبتای قضاوت مردم ما هم‌طور که معروف شده، «ایران-چک» است که نگاه کن چه کسی با ایران است و چه کسی با ایران نیست.



خطیب جمعه تهران خطاب به جناح‌های سیاسی:

مبادا فرصت‌طلبی‌های سیاسی به انسجام ملی آسیب بزنند

خطیب نماز جمعه تهران با تأکید بر اینکه محرم امسال، تجلی حماسه و روح مقاومت است، گفت: امسال محرم تحت تأثیر حماسه بزرگ ۱۲روزه‌ای قرار گرفت که از عید غدیر تا ایام محرم درخشید و در تاریخ انقلاب اسلامی یک حقیقت بزرگ و ماندگار ثبت شد. این هفته تهران گفت: محرم امسال، تحت تأثیر حماسه بزرگ ۱۲روزه‌ای قرار گرفت که از عید غدیر تا ایام محرم درخشید و در تاریخ انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حقیقت بزرگ و ماندگار ثبت شد. این حماسه، ملت ما را در تجربه عاشورایی‌ترین و کربلایی‌ترین محرم تاریخ خود قرار داد. روح مقاومت و جوانمردی، یاد تارالله، تشیع‌های عاشورایی و مراسم گرامیداشت شهدا که همچنان ادامه دارد، فضای خاص و معنوی به سراسر کشور بخشید. در این میان، پرچم مقدس ایران در کنار پرچم‌های عزای اهل بیت(ع)، جلوه‌ای ویژه به محرم امسال داده بود.

خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به هفته‌های راهبردی در دستاوردهای حماسه جنگ ۱۲روزه گفت: در این جنگ و دفاع مقدس، تصویری نوین و بسیار دوست‌داشتنی از حقیقتی به نام «ایران قوی» بیش‌روی ما قرار گرفت؛ تصویری که نه‌تنها برای مردم خودمان بلکه برای مردم منطقه، ملت‌های جهان و حتی دشمنان ما رونمایی شد. این تصویر، حاصل ترکیب مؤلفه‌های سخت و نرم است. اغلب کسانی که درباره قدرت ملی سخن می‌گویند، هر دو مؤلفه را در نظر می‌گیرند. در بخش سخت، وسعت سرزمین بزرگ، مطهر و پربرکت ایران را دیدیم، جمعیت جوان، مؤمن و باهوش نزدیک به ۹۲میلیون نفر را دیدیم، همچنین تأثیر علم و فناوری، چه در عرصه هسته‌ای و چه در علوم و فنون نظامی، تجهیزات پدافندی و آفندی را مشاهده کردیم. در این عرصه‌ها عبق راهبردی ایران بار دیگر آشکار شد و ظرفیت عظیم ملت ایران در منطقه، در میان مسلمانان و آزادگان جهان، به روشنی نمایان شد، اما مسئله مهم‌تر، بخش نرم ماجراست، ملت ایران در ترکیبی بسیار دل‌انگیز از هویت ملی، دینی و انقلابی قرار دارد. این هویت انقلابی، به برکت انقلاب اسلامی، هم هویت ملی ما را پرورش داده و هم هویت دینی ما را تقویت کرده است. حاصل جمع این هویت‌ها، امروز ما را به عنوان ملتی متفاوت در سطح جهان معرفی می‌کند.

خطیب نماز جمعه تهران عنوان کرد: این وحدت و انسجام ملی، تصرف خدای متعال در دل‌های ملت ایران بود؛ حقیقتی که هدیه بزرگ الهی، آری، ما زحم خوردیم، داغ دیدیم، از شریک‌خوارگان تا سالمدان‌مان را تشییع کردیم، دانشمندان بزرگی را از دست دادیم، اما استوارتر و باشکوه‌تر از گذشته، چون ققنوس از دل آتش برخاستیم و جهان بار دیگر ایران را دید؛ ایرانی قوی و شکست‌ناپذیر. این نعمتی است که باید آن را قدر بدانیم، ما این مسیر را با تکیه بر همین مؤلفه‌ها، به‌ویژه انسجام و وحدت ملی، با قدرت ادامه خواهیم داد و قله‌های آینده را فتح خواهیم کرد.

خطیب نماز جمعه تهران افزود: به رئیس‌جمهور قمارباز امریکا که دستانش به خون مظلومان آغشته است و زبان تهدید علیه ملت ایران می‌شود، اعلام می‌کنیم، این‌بار آتش خاموش ۹۲میلیون ایرانی دامن شما را خواهد گرفت. بلایی بر سر سرتان خواهیم آورد که تا ابد از این منطقه رخت برنندید.

حاج‌علی‌اکبری خطاب به اصحاب رسانه، اهالی قلم، مدیران، مسئولان و جناح‌های سیاسی تأکید کرد: مبادا در فرصت‌طلبی‌های سیاسی، انتقام‌گیری‌های جناحی، قطبی‌سازی‌های بیجا یا دوگانه‌سازی‌هایی چون «مقاومت-مذاکره» یا «مقاومت-معیشت»، خلیی در این انسجام فرخنده وارد کنید.

ما در میانه یک جنگ ترکیبی چند ضلعی هستیم. دشمن لحظه‌ای از ما غافل نیست. باید اجازه دهیم سرداران و سربازان این ملت، با آرامش خاطر، وظایف‌شان را انجام دهند. مسئله اصلی کشور ما، مقابله با توطئه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی رژیم جعلی صهیونیستی و امریکاست. فلتن حمله‌ها ما باید متوجه دشمن اصلی باشیم، نه خودمان. این همان خواست رهبر عزیز و بیدار ماست. نگاه‌ها باید به سمت دشمن باشد.

ضربه سپاه بر پیکره گروهک‌های تروریستی صهیونی

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای از دستاوردهای عملیات رزمندگان اسلام در چابهار و پاکستانی خانه امن تروریست‌ها در شهرستان نیکشهر خبر داد. به گزارش ایرنا، روابط عمومی قرارگاه منطقه‌ای قدس نیروی زمینی سپاه روز پنج‌شنبه با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: برپروانه‌های تیم تروریستی مسلح و آموزش دیده در شهرستان چابهار از سوی پاسداران گمنام امام زمان سازمان اطلاعات سپاه استان با همیاری مردمی از طریق ارتباط با ستاد خبری ۱۱۴ که به هلاکت و دستگیری شش تروریست منجر شده، خانه امن آنها در روستای زیرک‌آباد شهرستان نیکشهر نیز شناسایی شد.

در این اطلاعیه آمده است: در بازرسی از محل اختفای این تروریست‌ها در شهرستان‌های چابهار و نیکشهر، ۱۳یمب آماده انفجار، ۱۱ چاشنی الکتریکی، سه کنترل ریموت، ۹مدار ریموت، هست دستگاه بی‌سیم، سه بسته تله انفجاری، ۳۸متر فیتیله انفجاری، ۴۷کیلوگرم مواد منفجره جاسازی‌شده در اشیای مختلف، ۸۰۰عدد فشنگ جنگی تیربار وام ۱۶ و دو دستگانه خودرو کشف و ضبط شد. در ادامه اطلاعیه قرارگاه قدس سپاه آمده است: این تیم تروریستی قصد داشت با حمله به زیرساخت‌های اقتصادی و انفجار در اماکن پرتردد و شلوغ، ضمن ایجاد ناامنی، نقشه هجوم همه جانبه رژیم اشغالگر قدس را تکمیل کرده و از مردم مؤمن استان سیستان‌وبلوچستان برای همراهی با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و به شکست کشاندن نقشه‌های شوم صهیونیستی انتقام بگیرد.

در پایان این اطلاعیه ضمن تشکر از مردم فهیم و بصیر سیستان‌و بلوچستان آمده است: تقاضا می‌شود شهروندان هر گونه اخبار و موارد مشکوک را از طریق سامانه‌های تلفنی ۱۱۴، ۱۱۳ و ۱۱۰ و بازوهای فعال شده ستاد خبری ۱۱۴ در پیام‌رسان‌های ایرانی اطلاع‌رسانی کنند. قرارگاه منطقه‌ای قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران ۱۷تیر جاری از هلاکت و دستگیری شش نفر از عوامل گروهک‌های تروریستی در چابهار خبر داد.



| روزنامه جوان | شماره ۷۳۴۹

۲ پرونده

ترجمه:زهراسادات آفرینی

رقیه به ندرت گریه می کند. حتی وقتی مادرش با سرنگ، شیر را در دهانش می ریزد، دخترک به زحمت چشمانش را باز می کند. رقیه ۲کیلو ۹۰۰ گرم وزن و ۵۳سانتی‌متر طول دارد، یعنی به اندازه یک نوزاد تازه متولد شده اما او هفت ماهه است. راندا الدهدار ۲۹ساله، مادر رقیبه می‌گوید: «او در ۱۲هفته اول نمی‌توانست حرکت کند. دکتر به من گفت که هر لحظه ممکن است بمیرد.» از زمان تولد رقیه، هدهدار مرتباً به همراه دخترش به بیمارستانی که انجمن خیرخواهان دوستان بیمار PFBS در شهر غزه آن را اداره می کنند، مراجعه می کند. اتاق کوچکی که رقیه در آن بستری است، پنجره ندارد و سه تخت در آن قرار دارد که هر کدام، یک نوزاد دچار سوء‌تغذیه را در خود جای داده‌اند. بوی فاضلاب و زباله می‌آید. اما با این همه، مادر خوشحال است که حداقل به دخترش کمک می‌شود: «هر وقت رقیه را با خودم به خانه می‌برم، وضعیش بدتر می‌شود.»

■ **تهیه سوپ از غلف**

سوزان معروف، متخصص سوء‌تغذیه که رقیه را نیز تحت درمان قرار می‌دهد، می‌گوید روزانه ۲۰۰کودک به این کلینیک مراجعه می‌کنند. او می‌گوید از هر پنج کودک، یکی اگر سوء‌تغذیه است و از هر ۱۰ کودک، یکی از سوء‌تغذیه شدید رنج می‌برد. پزشکان و پرستاران در سایر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نوار غزه نیز از افزایش چنین مواردی خبر داده‌اند و داستان‌هایی از مادران ناامید تعریف کرده‌اند که برای فرونشاندن گرسنگی خود از غلف، سوپ درست می‌کنند یا کودکانی که در میان آوارها به دنبال چیزی می‌گردند که ممکن است خوراکی باشد، طبق گزارش یونسف، از آغاز سال جاری، تحت درمان قرار گرفته‌اند. اگر اسرائیل به محاصره غزه ادامه دهد، آمار کودکانی که ممکن است در ۱۱ماه آینده دچار سوء‌تغذیه حاد شوند، به ۷۱هزار نفر خواهد رسید و تا ماه سپتامبر هم را هر پنج‌نفر ساکن، یک نفر با گرسنگی دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. این یافته، حاصل تحلیلی است که طرح ابتکاری بین المللی IPC، پروژهای با بودجه سازمان ملل که امنیت غذایی در سراسر جهان را رصد می‌کند، آن را انجام داده است. رینالد منار، یکی از کارکنان مراقب‌های بهداشتی سازمان آمدادی پزشکان بدون مرز که در یک مرکز مراقبت‌های بهداشتی اولیه در منطقه مواسی در نزدیکی خان یونس کار می‌کند، می‌گوید: «سوء‌تغذیه به توانایی‌های شناختی و جسمی آسیب می‌رساند و اثرات آن قابل برگشت نیست.» او تأکید دارد، این وضعیت به ویژه برای کودکان زیر پنج‌سال خطرناک است. رشد آنها متوقف می‌شود، زخوها دیرتر بهبود می‌یابند و سریع‌تر بیمار می‌شوند. چنین وضعیتی می‌تواند در شرایط بهداشتی، پزشکی و هشتناک منطقه جنگی، به مرگ منتهی شود.

■ **نفق فاحش کنواسیون‌زنو**

در حال حاضر، سازمان‌های بشردوستانه همچنان با غذاهای ویژه و سرشار از انرژی به کودکان دچار

تقابل چین و تایوان ریشه ای عمیق در تحولات تاریخی

قرن بیستم دارد. پس از پیروزی حزب کمونیست چین در جنگ داخلی سال ۱۹۴۹، دولت ملی گرای جمهوری چین به رهبری «چانگ کای‌شک» به جزیره تایوان عقب‌نشینی کرد و تا امروز خود را دولت قانونی چین می‌داند. از آن زمان تاکنون، یکن تایوان را بخشی از خاک خود می‌داند و همواره از پیوستن مجدد آن با «سرزمین مادری» سخن گفته است. اما در هفته‌های اخیر، تنش‌ها میان چین و تایوان وارد مر حله‌ای بی‌سابقه شده است. عبور روزانه ده‌ها هواپیمای جنگی چینی از منطقه شناسایی دفاع هوایی تایوان، تحرکات مشکوک کشتی‌های چینی در نزدیکی سواحل تایوان و اختلالات سایبری گسترده، به وضوح از مرحله فشار سیاسی عبور کرده و ابعاد نظامی یافته‌اند. همزمان، تایوان نیز با برگزاری رزمایش‌های گسترده و تجهیز نیروهای خود، نشان داده برای هر سناریویی آماده است. در چنین فضای، بسیاری از تحلیلگران هشدار داده‌اند تنها یک اشتباه محاسباتی یا حادثه ناخواسته می‌تواند جرقه جنگ را بزند.

■ **رشد تنش‌ها و تقابل‌ها**

در ماه دسامبر ۲۰۲۵، وزارت دفاع تایوان اعلام کرد طی ۲۴ ساعت، ۵۹ فروند هواپیمای چینی وارد منطقه شناسایی دفاع هوایی تایوان شده‌اند. همچنین، ۹فروند کشتی جنگی چین در نزدیکی آب‌های سرزمینی تایوان گشت‌زنی کرده‌اند. به موازات این تحرکات، تایوان از برگزاری تمرین‌های آمادگی رزمی در پایگاه‌های کلیدی خود خبر داد. تمرین‌هایی که شامل شبیه‌سازی حمله موشکی، دفاع ساحلی و تمرین تخلیه شهری بوده‌اند. اما یکی از مهم‌ترین و نگران‌کننده‌ترین نشانه‌ها، افزایش اختلالات عمدی در سیستم‌های ناوبری و ارتباطی است. در ماه‌های گذشته، چندین کابل زیر دریایی اینترنت که ارتباط تایوان با شبکه جهانی را برقرار می‌کرد، به‌طور مرموزی قطع شدند. همچنین، برخی سامانه‌های GPS و ارتباطات ماهواره‌ای در مناطق جنوبی تایوان دچار اختلال شدند، اتفاقی که مقام‌های



سایه جنگ بر تنگه تایوان

آیا در گیری نظامی میان چین و تایوان اجتناب‌ناپذیر است؟

تایوانی آن را ناشی از عملیات جنگ الکترونیک چین دانسته‌اند. در برابر این اقدامات، تایوان رویکردی موسوم به «دفاع جوجه‌تیغی» را دنبال می‌کند، یعنی تکیه بر توانایی‌های غیرمقارن برای وارد کردن دانه است.

از سوی دیگر، چین نیز با برگزاری رزمایش‌های مشترک نیروهای زمینی، دریایی و هوایی در شرق و جنوب خود، عملاً سناریوهای حمله برق‌آسا و محاصره دریایی تایوان را تمرین می‌کند. گشت‌های ترکیبی نیروی دریایی و نیروی هوایی ارتش چین در نزدیکی تایوان، به‌خصوص عبور ناو هواپیمابر شاندونگ از تنگه تایوان، بیانگر سطح بالای آمادگی نظامی چین است.

■ **سناریوهای پیش‌رو**

تحلیلگران نظامی و مراکز مطالعات استراتژیک سناریوهای مختلفی را برای یک درگیری احتمالی میان چین و تایوان مطرح کرده‌اند، از جمله «محاصره دریایی و هوایی، جزیره را



سرویس بین‌الملل ۸۵۵۲۳۰۶۰

مرگ تدریجی کودکان غزه با سلاح سوءتغذیه



■ **پیامدهای گرسنگی در دوران بارداری**
منار می‌گوید: «ما می‌دانیم که کودکان از عواقب سوء‌تغذیه می‌میرند. و موارد مشابه بیشتر، در راه است.» در این بین، کودکانی مانند رقیه که از قبل بیماری زمینه‌ای دارند، بیش از دیگران در معرض خطر هستند. راندا الدهدار نمی‌داند دخترش چه مشکلی دارد، چراکه معاینات پزشکی جامع کودکان در کلینیک PFBS که رقیه در آن تحت درمان است، جیره‌بندی آغاز شده است. اسرائیل اخیراً در پاسخ به انتقادات بین‌المللی، محاصره را کاهش و اجازه ورود مقادیر کمی کمک به نوار غزه را داد اما این مقدار، برای کاهش گرسنگی در درازمدت بسیار کم است. منارد، امدادگر پزشکان بدون مرز، می‌گوید: «این اقدام، هیچ چیزی را تغییر نمی‌دهد.» او می‌گوید راندا زخم‌های غذایی پیدا ر درازمدت بلکه باید در دراز مدت از یک رژیم غذایی پایدار و متنوع برخوردار شوند. او می‌گوید: «هفاد کنواسیون ژنو روشن است. مردم حق دارند از امنیت، مراقبت‌های بهداشتی، آب و غذا برخوردار باشند. آنها هیچ کدام از اینها را دریافت نمی‌کنند.» منارد می‌گوید، سال پیش نخستین مورد کودکان مبتلا به سوء‌تغذیه مشاهده شد اما اکنون تعداد آنها به سرعت در حال افزایش است. وقتی او تقریباً دو ماه پیش برای شیف‌ف فملی خود در غزه به این باریکه رسید، پزشکان بدون مرز در حال درمان دو کودک بستری مبتلا به سوء‌تغذیه حاد بودند. حالا ۱۰کودک چنین وضعیتی دارند. اینها کودکانی هستند که اگر کاری انجام نمی‌شد، می‌مردند.



هزاران کودک در نوار غزه به دلیل محاصره اسرائیل از سوء تغذیه رنج می‌برند، آذوقه روبه کاهش است، یک مادر برای زنده ماندن دخترش می‌جنگد و دیگری پسرش را از دست داده است

بود و بدون عارضه‌ای متولد شد. مادرش ۳۴ساله است و سه فرزند دیگر دارد و در خواست کرد در این مطلب، از او با نام مادر یحیی یاد شود. او می‌گوید: «وقتی یحیی پنج ماهه بود، متوجه شدم یک جای کار می‌لنگد. پزشک تشخیص داد یحیی به پروتئین حساسیت دارد و شیر مخصوصی را که باید از خارج وارد می‌شد، تجویز کرد. خانواده شیر را خریدند و یحیی بزرگ شد و ورزش افزایش یافت.» مادرش می‌گوید: «وقتی یحیی هفت ماهه بود، ۹کیلوگرم وزن داشت.» و وقتی جنگ آغاز شد- خانه‌شود از شجاعانه که نزدیک مرز اسرائیل قرار دارد، فرار کردند و از آن زمان، به گفته مادر، در مجموع ۲۰بار آواره شده‌اند. آنها اکنون در چادری در یک زمین باری سابق در شهر غزه زندگی می‌کنند. محله آنها در ماه‌های اول جنگ تقریباً به طور کامل ویران شد. با شروع جنگ، تهیه شیر مخصوص یحیی بسیار دشوارتر شد و خیلی زود، اصلاً پیدا نشد. مادرش می‌گوید هر وقت حال یحیی بدتر می‌شد، او را به بیمارستان کودکان رنثیسی در شهر غزه می‌برد. اما در نوامبر ۲۰۲۳، ارتش اسرائیل، بیمارستان را ویران کرد. مادر یحیی می‌گوید: «مجبور شدم به یحیی غذایی بدهم که نمی‌توانست تحمل کند. این منجر به وخامت شدید سلامتی‌اش شد.» او می‌گوید پزشکان سعی کردند تر تیب انتقال پسر به خارج از کشور را بدهند. اما فایده‌ای نداشت. سپس، در ۱۹مارس امسال، خانه‌ای که در آن پناه گرفته بودند، مورد اصابت گلوله قرار گرفت. ام‌یحیی می‌گوید: «یحیی چندین استخوان شکست و ما او را به بیمارستان بردیم. او دیگر نمی‌توانست غذا بخورد. ورزش به ۳کیلوگرم کاهش یافت و وضعیش به سرعت رو به وخامت رفت و دقیقاً یک ماه پس از بمباران، در گذشت. مادر، توضیح می‌دهد تماشای مرگ در دنیا کار یحیی جقدر وحشتناک بوده است. اینکه چگونه از گرسنگی و درد گریه می‌کرد و نمی‌توانست هیچ کاری برای کمک به فرزندش انجام دهد. حالا او نگران زنده‌ماندن خواهر و برادرهای یحیی است زیرا خانواده، به سختی غذایی برای خوردن دارند. او می‌گوید که او و شوهرش فقط روزی یک بار غذا می‌خورند و هر آنچه می‌ماند را به فرزندان‌شان می‌دهند. مادر یحیی می‌گوید: «می‌ترسم که آنها هم مثل یحیی بمیرند.»

■ **نویسنندگان: غذا الکرد، بولبانه فون میتل اشتات، ملک نتنش اشپینگل**
میان چین و تایوان مطرح کرده‌اند، از جمله: «محاصره تدریجی» که چین می‌تواند از طریق محاصره دریایی و هوایی، جزیره را به تدریج ایزوله کرده و بدون شلیک مستقیم، تایوان را به تسلیم سیاسی و اقتصادی وادار کند؛ «حمله محدود به جزایر فرعی»، چین ممکن است ابتدا جزایر کوچک تحت حاکمیت تایوان در دریای چین جنوبی یا نزدیک تنگه تایوان را اشغال کند تا بدون هزینه بالا، پیام قاطعی ارسال کند. «تهاجم تمام‌عیار»، حمله نظامی مستقیم برای اشغال تایوان که احتمالاً شامل عملیات آبی- خاکی، حمله سایبری و سراسری و فلج‌سازی زیرساخت‌های حیاتی خواهد بود و «جنگ سایبری و الکترونیک بلندمدت»، چین ممکن است با استفاده از اختلال در ارتباطات، ناوبری، اینترنت و زیرساخت‌های مالی و بانکی، جنگی فرسایشی اما غیر خونین را علیه تایوان آغاز کند. ایالات متحده بارها اعلام کرده از تایوان در برابر تهدیدات چین حمایت خواهد کرد. در ماه ژوئن، ناو هواپیمابر سواس اس رونالد ریگان وارد دریای چین جنوبی شد تا با متحدان منطقه‌ای رزمایش‌ها برگزار کند. فروش تسلیحات پیشرفته به تایوان نیز ادامه دارد. از جمله سامانه‌های ضد موشکی، هواپیمای شناسایی و پهپادهای تهاجمی. علاوه بر این، رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی اخیر خود در شورای امنیت ملی، تأکید کرد «هر گونه تغییر یکجانبه در وضعیت تایوان، با پاسخ قاطع واکنشگتن مواجه خواهد شد.» وزیر دفاع آمریکا نیز در نشست اخیر سنایوراز «تهدید بی‌قید و شرط ایالات متحده به ثبات تنگه تایوان» سخن گفت.

ژاپن نیز با ابراز نگرانی نسبت به افزایش تحرکات نظامی چین، اعلام کرده هر گونه درگیری در تنگه تایوان را تهدیدی علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند. دولت توکیو همچنین برنامه‌هایی برای همکاری اطلاعاتی و پدافندی نزدیک‌تر با تایوان و آمریکا را در دست بررسی دارد. اتحادیه اروپا نیز در بیانیه‌ای که از سوی سرویس اقدام خارجی اتحادیه منتشر شد، تأکید کرد «حفظ وضعیت موجود و پرهیز از تنش آفرینی در تنگه تایوان یک اولویت راهبردی برای اتحادیه اروپا، جهانی است.» بسیاری از کشورهای اروپایی به طور مستقل نیز نگرانی خود را از احتمال بروز درگیری ابرار کرده‌اند و برخی مانند فرانسه و آلمان از افزایش همکاری دیپلماتیک با

تایوان خبر داده‌اند. پاسخ چین به مواضع ایالات‌متحده، ژاپن و اتحادیه اروپا، مجموعه‌ای از اقدامات هشداردهنده و نمایشی بوده است. بلافاصله پس از عبور ناو آمریکایی از دریای چین جنوبی، ارتش آزادی‌بخش خلق چین چندین رزمایش با مهمات واقعی در تنگه تایوان برگزار کرد. در این تمرین‌ها، شبیه‌سازی محاصره دریایی تایوان، رهگیری هوایی هواپیمای دشمن و حمله به اهداف متحرک در دریا صورت گرفت. چین همچنین با اعزام ناو هواپیمابر «شاندونگ» به منطقه و اجرای گشت‌های ترکیبی هوایی و دریایی، پیامی آشکار به متحدان غربی مخابره کرد که یکن حاضر به عقب‌نشینی در برابر فشار خارجی نیست. سخنگوی وزارت خارجه چین نیز در واکنش به بیانیه اتحادیه اروپا، این اظهارات را «اختلال در امور داخلی چین» خواند و هشدار داد، هر گونه حمایت از جدایی‌طلبان تایوانی بهای سسنگین در پی خواهد داشت. در برابر تحرکات ژاپن، چین سطح آمادگی نظامی در منطقه شرق را افزایش داده و چندین بار به‌صورت غیررسمی هشدار داده، هر گونه حمایت نظامی از تایوان از سوی توکیو، تبعات راهبردی برای امنیت ژاپن خواهد داشت.

■ **احتمال وقوع درگیری: واقع‌بینی یا بدبینی؟**

مطالعات انجام‌شده اندیشکده‌های مختلفی همچون رند، احتمال درگیری میان چین و تایوان در بازه پنج‌ساله از حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد ارزیابی کرده‌اند.

در حالی که برخی معتقدند، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی برای چین بسیار سنگین خواهد بود و جنگ، آخرین گزینه است اما گروهی دیگر باور دارند، یکن در صورت عبور تایوان از خطوط قرمز، از جمله اعلام رسمی استقلال، به سرعت واکنش نظامی نشان خواهد داد. به هر روی، سایه جنگ همچنان بر تنگه تایوان سنگینی می‌کند. تحرکات نظامی، اختلالات سایبری و عدم وجود کانال‌های ارتباطی اضطراری میان دو طرف، شرایط را تشکینده کرده است. در حالی که تلاش برای بازدارندگی ادامه دارد اما هر گونه اشتباه محاسباتی می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر به دنبال داشته باشد. در این میان، نقش قدرت‌های میانی و نهادهای بین‌المللی در جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش جنگ بیش از پیش اهمیت یافته است.

جنگ ۱۲روزه جعبه پاندورای هسته‌ای را باز کرد!

بیش از دو هفته بعد از توقف رویارویی بی‌سابقه ایران با رژیم صهیونیستی، بحث‌ها درباره تبعات این رویارویی روبه افزایش است. تهران اعلام کرده در همکاری خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازنگری می‌کند ولی همچنان اصرار دارد دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست. کارشناسان زیادی هستند که رویارویی ۱۲روزه را زمینه تغییر دکترین هسته‌ای ایران می‌دانند. در زیر دیدگاه برخی از آنها آمده است:

■ **جنگ با ایران منطقه را بی‌ثبات کرد**

استیون زونس، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه سان فرانسیسکو، من انتظار بازگشت به سطح جنگی که در دو هفته گذشته دیده‌ام ندارم، اما اگر ایرانی‌ها سعی کنند، تأسیسات آسیب‌دیده خود را بازسازی کنند، ممکن است شاهد حملات هوایی گاه به گاه اسرائیل باشیم و به دنبال آن برخی موشک‌های ایرانی به اسرائیل شلیک شوند. چنین جنگ متناوبی منطقه را در حالت آماده‌باش نگه می‌دارد و نظامی‌سازی بیشتر را تشویق می‌کند. برخلاف برجام که قبل از نابودی آن از سوی ترامپ، به ثبات منطقه‌ای کمک زیادی کرده بود، جنگ ایالات متحده/اسرائیل علیه ایران، منطقه را بی‌ثبات‌تر و خطرناک‌تر کرده است.

■ **لازم نیست ایران در مقیاس قبلی غنی‌سازی کند**
جیمز اکتون، مدیر مشترک برنامه سیاست هسته‌ای در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی: «یک آبخار ۱۷۴تابی از سانتر فیزیوهای IR-۶ می‌تواند اورانیوم با غنای بالای ۹۰درصد را از مواد غنی‌شده ۶۰درصد که محل آن نامعلوم است، در عرض ۲۰ تا ۲۰۰روز تولید کند. ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نیازی به بازسازی تأسیسات غنی‌سازی در مقیاس قبلی خود ندارد.

■ **اگر ترامپ خارج نمی‌شد، نیازی به این نبود**

رابرت اینهورن، عضو ارشد مؤسسه بروکینگز است، به نیویورک تایمز: «بعید است که اگر دولت اول ترامپ از توافق ایران خارج نمی‌شد، امروز مجبور به بمباران تأسیسات تولید اورانیوم می‌شدیم.»

■ **حالا آنها اراده سیاسی دارند**

جفری لوییس، متخصص کنترل تسلیحات، به ایندپندنت: «ایران از حدود سال ۲۰۰۷ چند ماه با سلاح هسته‌ای فاصله داشته است. واضح است که چیزی که آنها



را چند ماه از این فاصله دور نگه می‌دارد، ظرفیت فنی آنها نیست، بلکه اراده سیاسی آنهاست و من فکر می‌کنم هر گونه کاهش ظرفیت فنی که متحمل شده‌اند، با افزایش اراده سیاسی جبران شده است. چرا این حملات (علیه ایران) اثر گذار نبودند؟ چون اسرائیل و آمریکا نتوانستند اجزای حیاتی زنجیره تولید و ذخایر هسته‌ای ایران را هدف قرار دهند. این عملیات‌ها شاید تاکتیکی موفق باشند اما به لحاظ استراتژیک ممکن است شکست خورده باشند. تأسیسات زیرزمینی تولید سانتر فیزیو در نزدیکی تلنژ — با وسعت بیش از ۱۰ هزارمتر مربع و در دل کوه — ظاهر ادست‌نخورده باقی مانده است، این سایت به گونه‌ای طراحی شده که در برابر بمب‌های نفوذی مقاومت کند. اسرائیل از مدت‌ها پیش، جلوگیری از رسیدن ایران به آستانه هسته‌ای را بخشی از دکترین امنیت ملی خود قرار داده است.

■ **معماری نظم هسته‌ای در حال فروپاشی است**
ویبین نارانگ(دستیار پیشین وزارت دفاع آمریکا) و پرای اوادی(بنیاد کارنگی) در قارن افروز: جنگ سرد شاهد توافق ایالات‌متحده و اتحاد جماهیر شوروی سر حفاظت‌های بایرومن استفاده و تکییر سلاح‌های هسته‌ای و همچنین اقداماتی برای منصرف کردن سایر دولت‌ها از دنبال کردن سلاح‌های خود بود. این معماری امنیتی در حال فروپاشی است. توافق‌های هسته‌ای موجود بین ایالات متحده و روسیه در مورد سلاح‌های مستقرشان قرار است سال آینده منقضی شود، در حالی که گسترش ذخایر هسته‌ای چین، رشد مداوم زرادخانه کره شمالی و تلاش‌های به تعویق افتاده خود ایالات متحده برای نوسازی هسته‌ای، «طوفانی از تهدیدات هسته‌ای ده‌ده» را برای واشینگتن ایجاد کرده است. در مواجهه با عدم قطعیت‌های جدید، حتی متحدان ایالات متحده – از- کره جنوبی گرفته تا عربستان سعودی و آلمان – در حال بررسی مزایای تقویت برنامه‌های هسته‌ای خود هستند.

■ **جعبه پاندورا باز شد**

نارنگ و وادی: ظهور قدرت‌های هسته‌ای بیشتر، صرف نظر از اینکه متحد ایالات متحده باشند یا خیر، جعبه پاندورا را باز می‌کند که واشینگتن دهه‌ها برای بسته نگه‌داشتن آن جنگیده است.

■ **قدرت‌های هسته‌ای در جهان آینده بیشتر می‌شوند**

کورت ولکر، سفیر سابق ایالات متحده در ناتو به وال استریت ژورنال: «بسیاری از کشورها اکنون فکر می‌کنند که سلاح‌های هسته‌ای بلیط حاکمیت هستند. اگر رفتار خود را تغییر ندهیم – و من انتظار ندارم که تغییر کنیم – جهانی که قرار است در ۳۰سال آینده در آن زندگی کنیم، جهانی با تعداد زیادی از کشورهای دارای سلاح هسته‌ای خواهد بود.»

پیش‌خوارات

نظر و گذری بر خاطرات ژنرال نزار الخرجی اوصافی از «جمهوری وحشت»

■ شاهد توحیدی



چهری تم ترجمه شده و انتشارات شهید کاظمی، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای ناشر در باره محتوای این کتاب به نکات ذیل اشارت برده است: «کتاب جنگ جنگ تا نابودی، خاطرات ارتشبد نزار الخرجی فرمانده سپاه اول و رئیس ستاد مشترک ارتش عراق در زمان جنگ با ایران است. این خاطرات، پرده از اسرار جنگ ایران و عراق برمی‌دارد و اولین کتاب از مجموعه جمهوری وحشت است. کتاب‌هایی از نویسندگان عربی و غیرعربی که قالب‌های مختلفی (از خاطر‌نویسی و تاریخ شفاهی تا تاریخ‌نگاری پژوهشی) را در برمی‌گیرد. هدف همگی این کتاب‌ها، ایجاد تصویری روشن‌تر از حکومت مرئی است که چند دهه در کشور خود جمهوری وحشت برپا کرده‌بود. طبیعتاً جنگ ایران و عراق نیز بخش مهمی از دوران حکومت او را تشکیل می‌داد و بالطبع در این کتاب‌ها، به موضوع جنگ نیز پرداخته خواهد شد. هدف این مجموعه، شناخت حکومت صدام از ابعاد مختلف است. از همین رو در این کتاب‌ها شناخت جنبه‌های مختلف سیاست داخلی، سیاست خارجی، امنیت، فرهنگ و اقتصاد این رژیم، در کل دوران ۳۵ ساله حکومت بعثی (از ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۲ که ۲۴ سال آن تحت حاکمیت مستقیم صدام قرار داشت) مدنظر است و اگر به موضوع جنگ پرداخته‌شده به عنوان یکی از قضایای این رژیم مخوف خواهد بود.»

در دیپاچه خاطرات الخرجی، در باب پیشینه‌ای و



می‌خوانیم: «نزار الخرجی در سال ۱۹۳۸ [۱۳۱۷ شمسی] در شهر بَغیویه در استان دیاله عراق، در یک خانواده اهل سنت به دنیا آمد. وی تحصیلات نظامی خود را در دانشگاه علوم نظامی سنت مریت انگلستان به پایان رساند. در همان ماه‌های ابتدای جنگ تحمیلی، برای همکاری با ارتش به بغداد فرج‌خوانده شد و نقش مهمی را به عهده گرفت. وی به عضویت کمیته نظارت بر جنگ درآمد پس از چندی رئیس این کمیته شد. طبع‌ه‌ها، نقشه‌های جنگی و مانورهای نظامی و تهیه گزارش از وضعیت لشکرها، همه زیر نظر او انجام می‌گرفت. زمانی که نیروهای ایرانی مناطق وسیعی از شمال عراق را در چند عملیات از جمله عملیات مسلم بن عقیل آزاد کردند، ژنرال نزار خشن‌ترین اقدامات را علیه نیروهای ما به کار گرفت. او در نبرد پنجمین، به فرمانده تیپ ۴۵۱ دستور داد که ۲۰ نفر از اسیران ایرانی – که جزو سپاه پاسداران هستند- باید کشته شوند. اسیران مجروح هم به دستور او زنده زنده دفن شدند! در سال ۱۹۸۷ [۱۳۶۶]، الخرجی به فرماندهی سپاه اول ارتش عراق منصوب شد. در این زمان تعداد افرادی که تحت امر او کار می‌کردند، به یک میلیون نفر می‌رسید! وی از همان ماه‌های ابتدای جنگ تحمیلی، نقش مهمی را بر عهده گرفت، آنچنان مهم که به پیشنهاد او برای تغییر استراتژی رویارویی با ایران، عمل‌جنگ متوقف شد. در این مدت او توانست به این سپاه سر و سامان دهد و بعضی از مناطقی که در دست نیروهای ما بود از جمله قله گر دمنسد، دربندیخان، کوه‌های سیدصادق و تبه سلطان را باز پس بگیرد. پیش از پایان جنگ تحمیلی، در تاریخ ۱ مارس ۱۹۸۸ [۱۱ اسفند ۱۳۶۶]، وی از طرف صدام طی حکمی به عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش منصوب و دو سال بعد، یعنی در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۰ [۲۸ شهریور ۱۳۶۹]، مشاور نظامی صدام شد. خرجی در مارس ۱۹۹۶، از نظام جدا شد. او ابتدا از استان موصل به کردستان رفت و از آنجا با یک فروند هواپیمای امریکایی، به اردن گریخت…»

■ مریم صادقی‌بری

زنده‌یاد سیدجواد حجازی از چهره‌های فرهنگی – انقلابی خوشنام شهر همدان، نه تنها در عرصه خدمت به مردم با تأسیس نهادهایی مانند در مانگاه مهدیه، مسجد مهدیه و دارالایام مهدیه است، بلکه در دوران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی از فعال‌ترین چهره‌های مبارزاتی به شمار می‌رفت. او از یاران نزدیک شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی بود و در تشکیل و اداره شورای هماهنگی انقلاب در همدان، نقش مهمی داشت. حجازی بار و حویدیای خستگی‌ناپذیر، در کنار شهید مدنی به سازمάνدهی فعالیت‌های انقلابی، حمایت از خانواده‌های مبارزان و سازماندهی خدمات شهری در دوران اوج‌گیری انقلاب پرداخت. هم‌زمان با نگاهی عمیق به نیازهای جامعه، پا به‌گذار نهادهای خیریه‌ای شد که تا امروز مأمین نیازمندان همدانی‌اند. مقال بی‌آدمه به گوشه‌ای از فعالیت‌های او در حیات‌ش می‌پردازد. امید که برای تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان مفید اید.

■■■■

■ رنگی بر ادوار حیات

شادروان سیدجواد حجازی، در سال ۱۳۰۶ش در شهر همدان به دنیا آمد. وی در ۱۰ ماهگی پدرش سیدباقر از کسبه خوشنام بازار طاقه‌فرشان همدان را از دست داد و چندی بعد نیز از نعمت وجود مادر محروم شد. با وجود این فقدان‌های زود هنگام برادر بزرگ‌ترش سیدصادق حجازی – که مدیریت «جامعه تعلیمات اسلامی» همدان را به عهده داشت- نقشی محوری در شکل‌گیری شخصیت فکری و معنوی وی ایفا کرد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس معتبر همدان چون «پازنده‌یهمن»، «سعدی»، «بن‌سینا» و «شرافت» به پایان رساند و پس از آن در آموزشگاه ماشین‌نویسی «سیدین» به کار مشغول شد، جایی که در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی به یکی از پایگاه‌های فعال توزیع اعلامیه‌های ضد رژیم پهلوی تبدیل شد.

پس از پایان دوره خدمت سربازی، سیدجواد حجازی به استخدام همان مؤسسه آموزشی درآمد و سال‌ها به تدریس ریاضی در مدرسه «علمی» پرداخت. فعالیت‌های آموزشی‌اش، هم‌زمان با استخدام در اداره پست و تلگراف همدان ادامه یافت و این دو مسیر کاری را سال‌ها به موازات یکدیگر دنبال کرد.

■ دیدار با امام خمینی در نجف

سیدجواد، دو بار در دوران تبعید امام خمینی به عراق به نجف سفر کرد و توفیق دیدار با ایشان را یافت. او درباره‌ی این دیدارها چنین روایت می‌کند: «در سال ۱۳۴۸ و طی سفری زیارتی به کربلا و نجف، توفیق یافتم از نزدیک با امام‌خمینی آشنا شوم. واسطه این دیدار سیدعلی قاموسی بود،

فصل از زندگی بر فراز و نشیب سید جواد حجازی، زمانی رقم خورد که با تمام وجود در خدمت به عنوان «ابوالایتام»، در تاریخ معاصر همدان ثبت کرد. چنانکه خود بارها می‌گوید: «هیچ‌گاه از خدا چیزی نخواسته‌ام، الا آن هم تنها آرزویم این است تا وقتی عمر دارم، بتوانم همچنان به مردم و یتیمان خدمت کنم…»

تاریخ

تاریخ ۶۰۰ ۸۸۵۲۳



روایتی از زندگی و مبارزات زنده‌یاد سیدجواد حجازی

«سنگر استوار» نهضت اسلامی در همدان

■ در کنار شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی

آیت‌الله سیداسدالله مدنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱، در همدان به فعالیت‌های مبارزاتی و خدمات رزنده پرداخت. سیدجواد به دلیل سابقه طولانی در مبارزه، خیلی زود به یکی از مردوان نزدیک ایشان تبدیل شد. وی در خاطراتش، در مورد حضور شهید مدنی در همدان و تأثیر او بر مبارزات مردم این شهر می‌گوید: «اگر آیت‌الله مدنی در همدان نبود، مبارزات همدان اصلاً شکل نمی‌گرفت. ما ایشان را با فوکلس می‌کردیم. به محض ورود به حرم امام ایستاده زیارت جامعه کبیره را می‌خواندند و من پشت سرشان می‌نشستم و اشک می‌ریختم. روزانه چند نوبت، توفیق دیدارشان را داشتم. گاهی که برای نماز نمی‌آمدند، شهید مدنی به‌جای ایشان نماز جماعت را اقامه می‌کرد. روزی همراه با مرحوم حاج علی‌عمو به دیدار امام رفتم، اما هیبت و جلالت ایشان چنان بر من غلبه کرد که نتوانستم حتی سخنی بگویم، فقط گریستم. امام با مهربانی چند سؤال از من پرسیدند، اما زیانم بند آمده بود…»

وی در ادامه به سفر دوم خود در سال ۱۳۵۷ اشاره می‌کند و می‌گوید: «در سال ۱۳۵۷ نیز بار دیگر توفیق یافتم به نجف سفر کنم و حدود یک ماه در خدمت امام بسودم. زمانی که برای زیارت به حرم می‌رفتم، دعای‌الله را قرائت می‌کردند. همواره می‌گفتم آنچه من و فرزندانم در راه انقلاب انجام دادیم، همه از برکت دعای خیر امام بود…»

■ تلاش برای ارتقای آگاهی مردم

با تبعید امام خمینی از کشور، فعالیت‌های انقلابی سیدجواد گسترش یافت که از دید ساواک دور نماند. در یکی از اسناد ساواک آمده است: «سیدجواد حجازی و برادرش سیدصادق حجازی از افراد شناخته‌شده‌ای هستند که در آموزشگاه ماشین‌نویسی خود واقع در خیابان بوعلی همدان، اقدام به تکثیر و توزیع اعلامیه‌های ضدولتی می‌نمایند. این دو برادر به‌شدت تحت تأثیر افکار روحانیون مبارز از جمله مدنی، روح‌الله خمینی و قمی بوده و ارتباطات مستمری با عناصر بازاری و متدینین دارند. به‌رغم تذکر شفاهی و احضار قبلی، فعالیت‌های آنها کاهش نیافته است…» در این میان نام «خوان حجازی»، بارها در گزارش‌های ساواک به عنوان یکی از گروه‌های اصلی منتشرکننده پیام‌های امام و دیگر رهبران دینی دیده می‌شود. او خود در این‌باره می‌گوید: «آن زمان تخته‌هایی بود که زمستان‌ها روی حوض آب می‌گذاشتند تا به دلیل برف و یخبندان، شکسته نشود و ما در حیاط و لایله‌ای این تخته‌ها، رساله‌های امام را پنهان می‌کردیم تا به طریقی به اهلبش برسانیم. سازمان‌های امنیتی بعضاً به سراغ ما می‌آمدند، ولی معمولاً چیزی از ما پیدا نمی‌کردند. شلاق می‌زدند و یک‌بار هم بنده و اخوی را شلاق زدند، ولی چون استقامت کردیم و حرفی نزدیم، بعد از مدتی ما را آزاد کردند…»



زنده‌یاد سیدجواد حجازی و فرزندانش حجت الاسلام و المسلمین سیداعتر حجازی

د

در هفته نخست اقامت اجباری سیدجواد حجازی در مشهد، وی از طریق یکی از آشنایان با جلسات هفتگی شب‌های شنبه که در منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شد، آشنا شد. این جلسات خصوصی به‌شدت مراقبت‌شده بود، زیرا مأموران رژیم بر فعالیت‌های این حلقه حساسیت زیادی داشتند. شرکت‌کنندگان پیش از ورود، چند بار در کوچه بالا و پایین می‌رفتند تا مطمئن شوند که تحت تعقیب نیستند!

عمقی از فهم دینی و سیاسی که کم‌نظیر بود…» علاوه بر جلسات خصوصی، آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت نیز سخنرانی می‌کرد، محلی که جوانان زیادی گرد او جمع شده بودند.

چون حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، آیت‌الله عباس واعظ طبسی و دیگر روحانیون مبارز، عمق بیشتری نیز داشت. جلسات آیت‌الله طبسی بیشتر رنگ و بوی مذهبی و روضه داشت، در حالی که جلسات آیت‌الله خامنه‌ای وجهه‌ای آشکار از سیاست و اجتماع را نیز در برمی‌گرفت. سیدجواد از محبت و توجه حضرت آقا نسبت به خود در همان ایام، یاد می‌کند و می‌گوید: «بعد از سال‌ها وقتی به منزل ایشان می‌رفتم، با محبت از ما پذیرایی می‌کردند و وقتی هم به همدان می‌آمدند، به خانه ما تشریف می‌آوردند. علت توجه ایشان این بود که می‌دیدند در طول این سال‌ها، روش و منش و فعالیت‌های ایشان از شیروانی ما بعد از دهها سال به همان شکل سابق مانده بود…»

«تبعید سیدجواد به مشهد، به‌رغم نیت طراحان آن برای منزوی کردن او به نقطه عطفی در زندگی‌اش بدل شد. در جوار حرم امام رضا (ع) نه تنها منزوی نشد، بلکه با ورود به حلقه یاران انقلاب در مسیر تازه‌ای از خدمت و مبارزه قرار گرفت. آشنایی با مؤسسه «انصارالحق» – که متشکل از یاران مدتدین و فعال در امور خیریه بود- جرقه‌ای در ذهن او زد تا بعدها چنین نهادی را در همدان پایه‌گذاری کند.

■ بازگشت به همدان با کوله‌باری از تجربه با پایان یافتن دوران تبعید و پس از چند سال اقامت در مشهد سیدجواد به همدان بازگشت، اما دیگر تنها یک معلم ماشین‌نویسی، یا کارمند اداره پست نبود. او اکنون حامل تجربه‌ای غنی از ارتباط با حلقه‌های فکری مرتبط با امام، همراهی با شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خامنه‌ای، شهید حجت الاسلام هاشمی‌نژاد، آیت‌الله طبسی و دیگر مبارزین دیگر بود. این بازگشت، نقطه عطفی در سازمان‌دهی نیروهای مردمی در همدان شد. خانه او بار دیگر به مرکز رفت‌وآمد نیروهای انقلابی تبدیل شد. محلی برای برگزاری جلسات هماهنگی، آموزش آموزه‌های انقلابی، انتقال پیام‌های امام و حتی توزیع اعلامیه‌ها. این خانه در نگاه بسیاری از مبارزان، «خانه انقلاب» در همدان به شمار می‌رفت.

در همین دوران مؤسسه دارالایتام مهدیه با مشارکت چهره‌های دلسوز و هدایت‌معنوی شهید آیت‌الله مدنی، به الگوی موفق برای فعالیت‌های مردمی بدل شد. سیدجواد نه‌تنها مدیریت اجرایی این نهاد را بر عهده داشت، بلکه با حضور مؤثر در تمامی امور نشان داد که خدمت به یتیمان برای او صرفاً یک مسئولیت اداری نیست و رسالتی شخصی و ایمانی است. در کنار او جمعی از یاران همدل و مؤمن فعالیت داشتند: آقای رادنیازبازی متدین و از تأمین‌کنندگان اصلی منابع مالی مؤسسه، آقای خانی گوهرنابان از مبارزان با سابقه و اهل قلم، حاج جواد سپهر چهره‌ای بانفوذ در بازار همدان، کلافچی و دکتر مهدیان از دانشگاهیان همسو با نهضت، دکتر حوائجی، دکتر فروغی و دکتر یگانه که در درمانگاه مهدیه و مشاوره‌های روانی-اجتماعی به ایتام نقش فعالی ایفا می‌کردند. این گروه همراه با سیدجواد مؤسسه مهدیه را به یکی از موفق‌ترین نهادهای مردم‌مدار پیش از انقلاب تبدیل کردند. در سال‌های پایانی حیات رژیم شاه، خانه و اخلاق سیدجواد، نه‌تنها پناهگاه محرومان، بلکه تکیه‌گاهی برای انقلابیون سراسر کشور بود. در خاطرات نقل شده آمده‌است که افرادی از تهران، قم، کرمانشاه و حتی دورافتاده‌ترین نقاط کشور به همدان می‌آمدند تا از تجربیات او بهره‌مند شوند. ارتباط صمیمی او با علمای بزرگی چون شهید مدنی، شهید هاشمی‌نژاد و ارادت خالصانه‌اش به امام خمینی، از او چهره‌ای مورد اعتماد و الهام‌بخش در میان مبارزان ساخته بود.

■ پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، فصل جدیدی در حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاج سیدجواد حجازی آغاز شد. در همان روزهای ابتدای و پیش از شکل‌گیری نهادهای رسمی نظام، شورایی با نام «شورای هماهنگی انقلاب»، با ریاست شهید آیت‌الله مدنی و با حضور معتمدان شهر شکل گرفت که

۹ جوان

سیدجواد حجازی نیز یکی از اعضای اثرگذار آن بود. این شورا وظیفه رسیدگی به مسائل خدمات شهری، ساماندهی امور روزمره و حفظ نظم در روزهای پرتلاهب پس از انقلاب را بر عهده داشت. در همان روزهای اولیه انقلاب و تحت هدایت آیت‌الله مدنی، حاج سیدجواد در تأسیس نهادهایی همچون بنیاد مستضعفان، صندوق‌های قرض‌الحسنه مردمی و دیگر ساختارهای حمایتی انقلابی، نقش مهمی ایفا کرده بود.

در ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ و با تصویب شورای انقلاب، نهادی با عنوان سازمان عمران اراضی شهری (که بعدها به سازمان زمین شهری تغییر نام یافت)، تأسیس شد. وظیفه این نهاد واگذاری زمین به اقشار فاقد مسکن بود و حاج سیدجواد به‌عنوان یکی از معتمدان شهر، نقش مؤثری در آن ایفا کرد.

■ ایستادگی در پشت جبهه، فداکاری در خط مقدم

در دوران دفاع مقدس نیز سیدجواد حجازی چون همیشه در صف مقدم خدمت به انقلاب حضور داشت. اگرچه شرایط جسمی و مسئولیت‌های سنگینش اجازه حضور مستقیم در میدان جنگ را نمی‌داد، اما هر آنچه داشت برای استواری نهال نپوالی انقلاب در برابر طوفان‌های سهمگین آن سال‌ها تقدیم کرد، حتی فرزندانش را. سردار فرجی در این‌باره می‌گوید: «در آن دوران، آقای حجازی شرایطی نداشتند که شخصاً در جبهه باشند، اما باور داشتند که پشتیبانی از جبهه حتی مهم‌تر از حضور در آن است. می‌گفتند ما باید پشت جبهه را محکم نگه داریم تا دفاع ادامه‌دار باشد، چون نمی‌دانیم جنگ چقدر طول می‌کشد. ایشان تأکید داشتند که روحیه خانواده‌ها، به‌ویژه خانواده‌های معظم شهدا، باید حفظ شود و آمادگی برای هر شرایطی داشته باشند. حاج سیدجواد با تمام توان در تهیه اقلام ضروری برای رزمندگان، تلاش می‌کرد…»

سید کاظم حجازی نیز روایت می‌کند: «در طول جنگ، همراه با برخی دوستان که غالباً از پدران یا بستگان شهدا بودند، با ماشین شخصی به جبهه‌ها سر می‌زدیم. حاج آقا مرادات نزدیک‌ی باززمنده‌ها داشت و خودش شخصاً اقلام و تجهیزات موردنیاز را به مناطق مختلف می‌برد. برخوردش با بچه‌های جبهه، بسیار صمیمی و عاطفی بود…»

سال‌ها تلاش و مجاهدت او در پشت جبهه، سرانجام با شهادت دو فرزندش جعفر و محمداقبر به اوج خود رسید. شهادتی که گویی با خون این عزیزان، به تمام عمر خدمت سیدجواد مَهر قبولی آسمانی زد. او که همیشه شهادت را دهی‌ای الهی می‌دانست، باور داشت که این نعمت نصیب هر کسی نمی‌شود و اگر کسی لیاقت یابد، باید با صبری الی بار مصیبتش را به دوش بکشد. علی‌آقا محمدی، در دیدار خود با جعفر حجازی چنین یاد می‌کند: «فتم دیدن جعفر. به من گفت بیا به هم دخا‌حافظی کنیم. پرسیدم خبری است؟ جعفر گفت با شهید حسن ترک آن سردار بزرگ اسلام قراری داشتیم که هر کدام رودتر شهید شد، دیگری را با خودش ببرد. گفت من مطمئن شدم زود قولش نمی‌زند و مطمئنم که خدا هم او را پیش من بی‌آبرو نمی‌کند…» فرزند سیدجواد، سیدمحمد کاظم حجازی نیز درباره تأثیر این فاجعه می‌گوید: «شهادت بچه‌ها، فشار سنگینی بر پدر آورد. شسی نبود که در هنگام نماز شب، کنار عکس جعفر و محمداقبر نشنیدم در گریه نکنند. هنوز آن لحظات را فراموش نمی‌کنم… شانه‌هایش از شدت گریه، بی‌امان می‌لرزید…»

■ ابوالایتام همدان

با آغاز دوران بازسازی کشور، سیدجواد با تمام توان با به میدان گذاشت و گام‌های بلندی در مسیر سازندگی و رفع محرومیت برداشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات او تأسیس مرکز تشخیص درمانی MRI مهدیه به‌عنوان یک تلاش‌ها و پیگیری‌های مستمر و به‌سراعت به نتیجه‌رسیدو این مرکز، همدان را به قطب پزشکی غرب کشور در زمینه تشخیص و درمان بیماری‌های صعب‌العلاج تبدیل کرد. این امر باعث شد مردم همدان و شهرهای اطراف بتوانند با پرداخت کمترین هزینه و در زمانی مناسب، فرایند درمان را طی کنند. آقای پرویز فتاح درباره این اقدام می‌گوید: «اگر دولت می‌خواست چنین کاری انجام دهد، به نظر هزینه و هم از نظر امکانات، چندین برابر منابع نیاز داشت و باز هم این سطح از رضایتمندی حاصل نمی‌شد…»

در حقیقت، سیدجواد حوزه درمان را با امور خیریه پیوسته بود. خانم مرزیه وحید دستجردی وزیر وقت بهداشت نیز می‌گوید: «من شاهد بودم که ایشان چقدر دلسوزی می‌کرد، برای اینکه مردم از جیب خودشان کمترین هزینه را پرداخت کنند و این واقعا یک ارزش بسیار بالایی بود. معمولاً خیرین در این حوزه‌ها، خیلی راحت سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و خیریتنی که در حوزه سلامت سرمایه‌گذاری می‌کنند، در واقع با رنج مردم زندگی می‌کنند…» در نهانیت، مهم‌ترین فصل زندگی بر فراز و نشیب سیدجواد، زمانی رقم خورد که با تمام وجود در خدمت به یتیمان گام برداشت و نام خود را به‌عنوان «ابوالایتام» در تاریخ معاصر همدان ثبت کرد. چنانکه خود بارها می‌گوید: «هیچ‌گاه از خدا چیزی نخواسته‌ام، الا آن هم تنها آرزویم این است تا وقتی که عمر دارم، بتوانم همچنان به مردم و یتیمان خدمت کنم…»

حبس‌های طولیل‌المدت و اعدام برای جاسوسی و جاسوسان در کشورهای مختلف

«مقابله با جاسوسان» خوب اما دیر!

همزمان با تصویب طرح تشدید مجازات جاسوسان و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی «جوان» به بررسی مقررات بین‌المللی و قوانین دیگر کشورها در خصوص مجازات جاسوسان و خائنان به وطن پرداخته است

■ سجاد آذری

در بسیاری از کشورهای جهان، جاسوسی و کمک به دشمن در زمان جنگ از جدی‌ترین جرائم علیه امنیت ملی محسوب می‌شود و مجازات‌های بسیار سنگینی دارد. این مجازات‌ها بسته به کشور، نوع نظام حقوقی و شرایط خاص زمان جنگ، ممکن است متفاوت باشد با این حال این جرم آنقدر از نظر حقوقی سنگین محسوب می‌شود که نه تنها در قوانین کشورها بلکه حتی از طریق قوانین و مقررات بین‌المللی نیز در خصوص آن قانونگذاری شده است. در مورد کشور ما اما شرایط پس از جنگ با رژیم صهیونیستی به شکل کامل متفاوت شده و در حالی که کشور پیش از این از خلأ قوانین بازدارنده در خصوص جرم جاسوسی رنج می‌برد به یکباره طرحی با تشدید مجازات جاسوسان و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که نوع جرم‌انگاری این جرائم را به شکل جدی منحل کرد.

■ طرح تشدید مجازات جاسوسان

طرح تشدید مجازات جاسوسان و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم شامل ۹ ماده است و براساس آن هر گونه مساعدت با علم و آگاهی بر اساس مواد این طرح، مشمول مجازات افساد فی الارض مندرج در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی است. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی به صورت گسترده مرتکب جنایت، جرائم امنیتی، نشر اکاذیب، اخلاخ اقتصادی، تخريب، پخش مواد خطرناک، ایجاد مراکز فساد یا معاونت در آنها شود و این اقدامات منجر به اخلاخ شدید در نظم، مانی، خسارت عمده یا شایعه فساد گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم خواهد شد.»

ماده یک این طرح تأکید دارد هر گونه فعالیت اطلاعاتی و جاسوسی و اقدام عملیاتی برای رژیم صهیونیستی یا دولت‌های متخاصم از جمله دولت ایالات متحده امریکا یا سایر رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم را برای هر یک از عوامل وابسته به آنها خلاف امنیت کشور یا منافع ملی، افساد فی الارض محسوب شده و مشمول مجازات مندرج در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی است. همچنین در ماده ۱۲ این طرح نیز آمده است مرتکبین هر گونه اقدام امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی، فناوریانه یا هر گونه مساعدت مستقیم و غیرمستقیم به علم و آگاهی در جهت تأیید، تقویت، تحکیم یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی صورت پذیرد، به مجازات افساد فی الارض محکوم و مشمول مجازات مندرج در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی یعنی اعدام خواهند شد. ماده ۱۳ این طرح حتی هر گونه همکاری و مساعدت با علم و آگاهی در انجام برخی موارد به قصد همکاری با رژیم صهیونیستی و دول متخاصم با سایر رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم را نیز مشمول مجازات افساد فی الارض مندرج ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی دانسته که این موارد شامل الف- ساخت، مونتاژ، تأمین، انتقال، هر نوع معامله، حمل، نگهداری، وارد نمودن به کشور، به کارگیری یا هر گونه بهره‌برداری از هر گونه سلاح سرد، گرم، شیمیایی، میکروبی، هسته‌ای یا غیرمتعارف اعم از سنتی و نوین به هر نحو که قابلیت کشتار، تخریب یا ایجاد رعب و وحشت داشته باشد یا اجزا و قطعات آن‌هاست. ب- ساخت، مونتاژ، تأمین، انتقال، هر نوع معامله، حمل، نگهداری، وارد کردن به کشور، به کارگیری یا هر گونه بهره‌برداری از ریزپردازنده، پشه‌پاها یا ربات‌های هوشمند یا اجزا و قطعات آنها با کاربری نظامی، جاسوسی، تخریبی، ترور یا اخلاگرانانه در سامانه‌های حیاتی و زیرسامانه‌های کشور است. پ- هر گونه اقدام به جنگ سایبری، حملات سایبری، اخلاخ در شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های اطلاعاتی یا زیرساخت‌های حیاتی کشور و خرابکاری در تأسیسات یا اماکن عمومی یا خصوصی یا هر گونه کمک به چنین اقداماتی است. د- هر گونه دریافت وجه یا مال نظیر ملک، خودرو، طلا، ارز و هر نوع دارایی رمزنگاری شده از جاسوسان یا وابستگان به سرویس‌های اطلاعاتی یا علم به وابستگی آنها، صرف نظر از اینکه دریافت کننده اقدام مؤثری انجام داده یا نداده باشد.

ماده ۴ هر گونه اقدام یا همکاری در انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، ایجاد و انعکاس خسارت تصنعی یا تهیه یا انتشار اخبار کذب یا هر نوع محتوا که نوعاً موجب ایجاد رعب و وحشت عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی باشد را چنانچه مشمول مجازات افساد فی الارض نباشد به تشخیص دادگاه به حبس تعزیری درجه سه و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی محکوم کرده است. از سوی دیگر ارسال فیلم و تصاویر به شبکه‌های معاند یا بیگانه که در صورت انتشار آن نوعاً موجب تضعیف، روحیه عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی باشد را مستوجب مجازات حبس تعزیری درجه ۵ و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و راهپیمایی و تجمعات غیرقانونی در زمان جنگ را مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ دانسته است.

فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، ایجاد و انعکاس خسارت تصنعی یا تهیه یا انتشار اخبار کذب یا هر نوع محتوا که نوعاً موجب ایجاد رعب و وحشت عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی باشد را چنانچه مشمول مجازات افساد فی الارض نباشد به تشخیص دادگاه به حبس تعزیری درجه سه و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی محکوم کرده است. از سوی دیگر ارسال فیلم و تصاویر به شبکه‌های معاند یا بیگانه که در صورت انتشار آن نوعاً موجب تضعیف، روحیه عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی باشد را مستوجب مجازات حبس تعزیری درجه ۵ و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و راهپیمایی و تجمعات غیرقانونی در زمان جنگ را مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ دانسته است. ماده ۵ در خصوص استفاده، حمل، خرید یا فروش یا وارد کردن یا در اختیار گذاشتن ابزارهای الکترونیکی از تباطلی

اینترنتی فاقد مجوز از قبیل استرالیلیک است که ضمن ممنوع کردن آن این جرائم را موجب حبس تعزیری درجه ۶ و ضبط تجهیزات دانسته و تأمین، تولید، توزیع و واردات بیش از ۱۰ عدد از ابزارهای مذکور یا انجام موارد مذکور به قصد مقابله با نظام را مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ دانسته است. ماده ۶ این طرح خاطر نشان می‌کند در صورتی که جرائم تعزیری موضوع این قانون در زمان جنگ یا وضعیت‌های امنیتی، نظامی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی انجام شود، مجازات مرتکب تا ۳ درجه تشدید می‌شود. از دیگر مواد مهم این طرح ماده ۹ است که هر چند بر اساس قاعده قبح عقاب بلا بیان تأکید دارد این قانون از زمان تصویب لازم الاجراست اما خاطر نشان می‌کند آن فراهم نشده باشد و مرتکبین آن یا معاونین آنها پس از تصویب این قانون ظرف مهلت سه روز، خود و همکاران خود را به مقامات ذیصلاح معرفی نکنند نیز جاری است.

■ قوانین قبلی برای مجازات جاسوسان
هر چند طرح تشدید مجازات جاسوسان و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم و اکتشی به اقدامات مزدوران امریکا و صهیونیست‌ها در جنگ اخیر است اما پیش از این نیز جرم جاسوسی و کمک به دشمن در ایران هم در قوانین عادی و هم در شرایط خاص مانند جنگ جرم انگاری شده و از جمله جرائم شدید امنیتی محسوب می‌شد با این حال مشخص است این قوانین و نحوه اجرای آنها تا کنون به اندازه کافی نتوانسته‌اند بازدارندگی لازم را از نظر قانونی ایجاد کنند. از جمله قوانینی که در این خصوص جرم انگاری کرده قانون مجازات اسلامی است که در مواد مختلفی به این جرم و جرائم مربوط پرداخته است. ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی، ارتعاب آنها به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد است که مجازات آن در قانون مجازات اسلامی شامل اعدام، صلب



(به صلیب کشیدن)، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد (تبیعد) است.

ماده ۱۵۰ این قانون نیز مجازات جاسوسی از طریق افشای نقشه‌ها یا اسناد طبقه‌بندی‌شده به دیگران را یک تا ۱۰ سال حبس مقرر داشته و ماده ۵۰۲ نیز مجازات جاسوسی صرف برای بیگانگان در داخل کشور را یک تا پنج سال حبس مقرر کرده است. همچنین ماده ۵۰۵ مقرر داشته است جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی‌شده با هدف ارائه به دیگران بین یک تا ۱۰ سال حبس را در پی خواهد داشت و ماده ۵۰۸ مجازات همکاری با دولت متخاصم را یک تا ۱۰ سال حبس مقرر داشته که البته اعمال فوق به موجب ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی در زمان جنگ ممکن است مشمول حداکثر مجازات قانونی شوند. همه این موارد در حالی است که به موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی اگر کسی به نحو گسترده در ارتباط با دشمن باشد و نظم کشور را مختل کند، مصداق افساد فی الارض شناخته می‌شود و مجازات آن اعدام است. از سوی دیگر به موجب قانون جرائم نیروهای مسلح هر گونه کمک به دشمن (اعم از اطلاعاتی، لجستیکی و مالی) در زمان جنگ، برای پرسنل نظامی می‌تواند مجازات‌هایی از حبس طولانی‌مدت تا اعدام داشته‌باشد و البته قانون جرائم رایانه‌ای نیز دسترسی غیرمجاز به اطلاعات امنیتی و طبقه‌بندی‌شده از طریق فضای مجازی را نیز قابل پیگرد کیفری معرفی کرده است.

■ چارچوب مجازات حقوق بین‌الملل

همانطور که گفته شد جرم جاسوس و همکاری با کشورهای متخاصم به تنها در ایران و کشورهای مختلف جرم انگاری شده بلکه حتی در حقوق بین‌الملل نیز به این جرم پرداخته شده است و بر اساس برخی اسناد و معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر دوستانه و حقوق زمان جنگ مورد شناسایی و جرم‌انگاری قرار گرفته که کنوانسیون‌ها و منشورهای مختلف را شامل می‌شود: از جمله کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ (ماده ۲۱-۲۹) که جاسوس را فردی معرفی می‌کند که مخفیانه یا با تغییر لباس وارد خطوط دشمن شده تا اطلاعات جمع‌آوری کند و خاطرنشان می‌کند چنین فردی در صورت دستگیری قبل از پیوستن به نیروهای خودی، می‌تواند مجازات شود و از وضعیت اسیر جنگی برخوردار نیست. همچنین کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در پروتکل I، در ماده ۴۶ مقرر داشته است جاسوسان از حمایت کنوانسیون‌ها محرومند ولی همچنان حق دارند محاکمه عادلانه داشته و از شکنجه مصون باشند. از سوی دیگر کنوانسیون وین ۱۹۶۱ نیز در محوس میله‌نامه‌ای که در حال جاسوسی باشند آورده که به عنوان persona grata non اجرا می‌شوند ولی قابل محاکمه در کشور میزبان نیستند. از سوی دیگر منشور ملل متحد (۱۹۴۵) هر چند هر گونه اقدام تهدیدآمیز علیه امنیت کشورها را ممنوع کرده ولی جاسوسی را مستقیماً جرم انگاری نکرده است و در مرز عرف و عمل سیاسی قرار دارد. از دیگر کنوانسیون‌ها، کنوانسیون بوداپست ۲۰۰۱ که درباره جرائم سایبری است نیز مقرر داشته نفوذ به داده‌های طبقه‌بندی‌شده و انتقال آن به عنوان جاسوسی رایانه‌ای جرم‌انگاری شده است.

■ ایالات متحده امریکا

در ادامه نگاهی نیز به قوانین کشورها در برابر مقابله با جاسوسی می‌شود. در ایالات متحده، جاسوسی طبق قانون جاسوسی مصوب ۱۹۱۷ و اصل خیانت در قانون اساسی جرم محسوب می‌شود. افرادی که در زمان جنگ با دشمن همکاری اطلاعاتی، نظامی یا فنی داشته باشند به جرم خیانت به ملت شناخته شده و ممکن است به حبس ابد یا اعدام محکوم شوند. افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده به افراد یا دولت‌های بیگانه نیز می‌تواند یا مجازات‌های شدید همراه باشد، البته این کشور سابقه برخوردی خشن با افشاگرانی مانند ادوارد اسنودن یا جلسی مینینگ را دارد.

■ فرانسه

فرانسه نیز قوانین سختگیرانه‌ای در خصوص جاسوسی

۶۶

پس از تصویب طرح تشدید مجازات جاسوسان جامعیت نسبی در حوزه‌های سنتی و مدرن این جرم ایجاد شده‌اما طبیعتاً لازم بود این قانون نه پس از وقوع جنایت مزدوران و جاسوسان در جنگ اخیر بلکه پیش از آن تهیه و تصویب می‌شد

دارد و جاسوسی در زمان جنگ یا همکاری اطلاعاتی با دشمن می‌تواند تا ۳۰ سال حبس به همراه داشته باشد. در فرانسه، طبق قانون جزای نظامی و قانون مجازات عمومی جرم جاسوسی در زمان جنگ، حتی از سوی غیرنظامی نیز جرم محسوب شده و تا حبس ابد یا اعدام (قبل از لغو مجازات اعدام) در پی داشت، اما امروز مجازات معمول همان حبس طولیل‌المدت یعنی ۲۰ سال است.

■ روسیه

در سال ۲۰۲۳ بود که روسیه قوانین سختگیرانه‌تری برای برخورد با جاسوسان و خائنان تصویب کرد. بر اساس ماده ۲۷۵ قانون جزای روسیه، جاسوسی و کمک به دولت‌های بیگانه یا سازمان‌های خارجی با حبس ابد یا حداقل ۱۲ سال مجازات است. همچنین قانون کیفری فدراسیون روسیه، مجازات جاسوسی برای دشمن یا همکاری اطلاعاتی در زمان جنگ را اعدام یا حبس ابد مقرر کرده است.

■ آلمان

در آلمان، قانون جزایی این کشور جرم جاسوسی را به‌ویژه در زمان جنگ تحت عنوان خیانت به کشور در نظر گرفته است. در صورتی که فردی اطلاعات امنیتی یا نظامی را در اختیار کشور متخاصم قرار دهد یا با سازمان‌های اطلاعاتی دشمن همکاری کند، ممکن است تا پایان عمر خود زندانی شود. قوانین آلمان در این زمینه با توجه به تجربه‌های جنگ جهانی دوم بسیار سختگیرانه تنظیم شده‌اند.

■ چین

قانون ضد جاسوسی در چین ابتدا در سال ۲۰۱۴ تصویب و در سال ۲۰۲۳ به‌روزرسانی شد. این قانون فعالیت‌هایی مانند جمع‌آوری اطلاعات سیاسی، نظامی، اقتصادی یا فناوری را در صورت انتقال به کشورهای دیگر به عنوان جاسوسی تلقی کرده و مجازات‌هایی چون حبس طولانی‌مدت، حبس ابد و در موارد شدید حتی اعدام را پیش‌بینی می‌کند. این قانون دامنه‌ای بسیار وسیع دارد و مواردی از جمله از تباطات علمی یا رسانه‌ای را هم ممکن است در بر گیرد.

■ کانادا

در کانادا، قانون جزا در بخش مربوط به خیانت و امنیت ملی، هر گونه انتقال اطلاعات نظامی، اقتصادی یا دولتی به دشمن را تا ۱۴ سال حبس مجازات می‌کند. علاوه بر آن قوانین جرم مرتبط با امنیت سایبری و حفاظت اطلاعات جاسوسی رایانه‌ای را جرم‌انگاری کرده‌اند.

■ هند

هند در خصوص جاسوسی قانون قدیمی به نام Official Secrets Act ۱۹۲۳ را د که در آن افشای هر نوع اطلاعات طبقه‌بندی‌شده جرم محسوب می‌شود و تا ۱۴ سال حبس مجازات دارد، در این خصوص جاسوسی برای پاکستان یا چین از جرائم رایج امنیتی در هند محسوب می‌شود.

■ ژاپن

در ژاپن، قوانین مربوط به جاسوسی در قانون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته و همچنین قوانین امنیت سایبری دیده می‌شود. انتقال اطلاعات طبقه‌بندی‌شده یا همکاری با دشمن در حوزه‌های نظامی، صنعتی یا اطلاعاتی می‌تواند به مجازات‌هایی بین ۱۰ تا ۱۵ سال حبس منجر شود. ژاپن در سال‌های اخیر با افزایش همکاری‌های اطلاعاتی خود با غربی‌ها حساسیت زیادی نسبت به نشئت اطلاعات دارد.

■ انگلستان

در انگلستان، قوانین مربوط به جاسوسی و افشای اطلاعات دولتی در «قانون اسرار رسمی» و «قانون امنیت ملی مصوب ۲۰۲۳» جمع‌شده‌اند. هر نوع همکاری اطلاعاتی با دولت‌های خارجی یا افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده به عنوان جرم امنیتی شناخته شده و می‌تواند مجازات‌هایی تا ۱۴ سال حبس یا حتی حبس ابد داشته باشد. در موارد خاص، جاسوسی صنعتی، سایبری یا اقتصادی نیز مشمول این قوانین است.

■ استرالیا

در استرالیا، قانون کیفری مصوب ۱۹۹۵، جاسوسی برای دولت‌های خارجی را در شددت مجازات می‌کند. این جرم می‌تواند تا حبس ابد منجر شود. همچنین هر گونه تلاش برای گفت جرم‌انگاری سایبری را تصویب طرح تشدید مجازات جاسوسان جامعیت نسبی در حوزه‌های سنتی و مدرن این جرم ایجاد شده و از همکاری با دشمن، انتقال اسناد طبقه‌بندی‌شده، پنهان کردن جاسوس گرفته تا ابعاد نوین مانند جاسوسی سایبری را مورد توجه قرار داده است و همچنین با قاطعیت قانونی مخصوصاً به جاسوسی و خیانت در زمان جنگ پرداخته که مجازات‌های متنوع و متناسب با شدت جرم را در خصوص آن پیش‌بینی کرده است اما طبیعتاً لازم بود این قانون نه پس از وقوع جنایت مزدوران و جاسوسان در جنگ اخیر بلکه پیش از آن تهیه و تصویب می‌شد.

این جرم ممکن است تا حبس ابد یا حتی اعدام نیز برسد. فعالیت‌های مشکوک در حوزه ارتباطات، رسانه یا حتی همکاری غیرمستقیم با عوامل دشمن نیز می‌تواند مشمول این قانون باشد.

■ سوئد

در سوئد، قانون جاسوسی خارجی (مصوب ۲۰۲۲) افشای اطلاعات به دولت‌های دیگر حتی در زمان صلح را جرم می‌داند و مجازات‌هایی تا ۳۰ سال حبس یا بیشتر برای آن در نظر گرفته است. این کشور پس از تهدیدات سایبری جنگ اوکراین و روسیه قوانین خود را به‌روزرسانی کرده است.

■ ترکیه

قانون جزای ترکیه در مواد ۳۲۷ به بعد، جاسوسی و خیانت به کشور را تعریف کرده و در شرایط جنگی، برای همکاری با دشمن مجازات اعدام یا حبس طولیل‌المدت را در نظر گرفته است. در شرایط صلح نیز افشای اطلاعات نظامی یا استراتژیک با مجازات‌هایی تا ۲۵ سال حبس همراه است.

■ مصر

در مصر، قانون امنیت ملی هر گونه همکاری اطلاعاتی یا انتقال اطلاعات حساس به دشمن را تا مجازات اعدام در شرایط خاص (جنگ یا بحران امنیتی) جرم‌انگاری کرده است. نیروهای امنیتی این کشور به‌شدت با افرادی که با دولت‌های بیگانه در ارتباط باشند، برخورد می‌کنند.

■ برزیل

در برزیل، قانون امنیت ملی هر گونه جاسوسی، انتقال اطلاعات یا حمایت از اقدامات دشمن را جرم دانسته و مجازاتی تا ۱۲ سال حبس برای آن پیش‌بینی کرده است. در مواردی که اقدامات موجب تهدید تمامیت ارضی یا ثبات نظامی شود، مجازات تشدید می‌شود.

■ مکزیک

در مکزیک، قانون امنیت ملی (مصوب سال ۲۰۰۵) جاسوسی برای کشورهای خارجی یا افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را تا ۲۰ سال حبس مجازات می‌کند. همچنین افرادی که با دولت‌های بیگانه تماس مخفیانه برقرار کنند نیز تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند.

■ آرژانتین

همکاری با دشمن یا جاسوسی برای دولت‌های خارجی، طبق قانون امنیت ملی آرژانتین می‌تواند تا ۱۲ سال حبس داشته باشد.

■ شیلی

در شیلی، افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده یا همکاری با دشمن به عنوان جرم امنیتی شناخته شده و مجازات آن تا ۲۰ سال حبس است.

■ سنگاپور

در سنگاپور، قانون اسرار رسمی انتقال اطلاعات دولتی یا نظامی به دشمن را جرم دانسته و برای آن تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته‌است. این کشور با برخورد‌های سختگیرانه امنیتی، فعالیت‌های اطلاعاتی را به شدت کنترل می‌کند.

■ آفریقای جنوبی

قانون جاسوسی جدید سال ۲۰۲۳ آفریقای جنوبی، جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات برای دشمن را جرم‌انگاری کرده و مجازات آن تا ۲۵ سال حبس مقرر شده است.

■ هلند

در هلند، قانون خدمات اطلاعاتی و امنیتی، هر گونه فعالیت اطلاعاتی بدون مجوز یا همکاری با دولت‌های بیگانه را جرم تلقی و برای آن تا ۱۰ سال حبس تعیین کرده‌است. این قانون شامل جاسوسی در فضای سایبری نیز می‌شود.

■ نپال

قوانین امنیت ملی نپال شامل جرم‌انگاری جاسوسی و افشای اطلاعات می‌شود که بر اساس این قانون مجازات‌های این جرم بسته به شدت جرم، از پنج تا ۱۵ سال حبس متغیر است.

■ رومانی

در رومانی، جمع‌آوری اطلاعات نظامی یا همکاری با دشمن خارجی یا افشای اطلاعات امنیتی است و ممکن است تا ۲۰ سال حبس مجازات داشته باشد.

■ بلژیک

بلژیک دارای قوانین ضدجاسوسی قوی است که شامل نظارت پارلمان بر نهادهای اطلاعاتی نیز می‌شود. مجازات‌ها معمولاً بین پنج تا ۱۵ سال حبس هستند.

■ سوئیس

قانون فدرال خدمات اطلاعاتی سوئیس، فعالیت‌های اطلاعاتی غیرقانونی یا انتقال اطلاعات حساس را تا ۱۰ سال حبس قابل مجازات دانسته است. فعالیت‌های اطلاعاتی خارجی یا بدون مجوز می‌تواند به عنوان تهدید علیه امنیت ملی تلقی شود.

■ نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری درباره قوانین ضدجاسوسی و مجازات‌های مرتبط با همکاری با دشمن در کشورهای مختلف و با تمرکز بر بررسی تطبیقی با قوانین ایران، می‌توان گفت ایران پس از افزایش همکاری دفاعی با دولتی به‌عنوان اقدام جاسوسان جامعیت نسبی در حوزه‌های سنتی و مدرن این جرم ایجاد شده و از همکاری با دشمن، انتقال اسناد طبقه‌بندی‌شده، پنهان کردن جاسوس گرفته تا ابعاد نوین مانند جاسوسی سایبری را مورد توجه قرار داده است و همچنین با قاطعیت قانونی مخصوصاً به جاسوسی و خیانت در زمان جنگ پرداخته که مجازات‌های متنوع و متناسب با شدت جرم را در خصوص آن پیش‌بینی کرده است اما طبیعتاً لازم بود این قانون نه پس از وقوع جنایت مزدوران و جاسوسان در جنگ اخیر بلکه پیش از آن تهیه و تصویب می‌شد.



آب دریای عمان

پس از ۲۴دهه باصفهان رسید

۱۲ اصفهان
رئسین آب عمان به اصفهان پس از دو دهه امیدواری‌ها برای کاستن مصرف صنایع از آب زاینده‌رود و احیای آن را بیش‌تر کرده است. استاندار اصفهان گفت: پروژه انتقال آب از دریای عمان پس از دو دهه انتظار به بهره‌برداری رسید و در فاز نخست با انتقال ۷۰۰ میلیون متر مکعب آب، نیاز صنایع بزرگ استان را تأمین و واستگی آنها به زاینده‌رود را برطرف می‌کند.

مهدی جمالی‌نژاد با بیان اینکه این پروژه یکی از آرزوهای دیرینه مردم اصفهان بود، افزود: این طرح قرار است صنایع تشنه اصفهان را سیراب کرده و دغدغه همیشگی تأمین آب صنعت را برطرف کند. وی ادامه داد: در گام نخست، اجرای حدود ۸۰۰ کیلومتر خط انتقال، ساخت مخازن، ایستگاه‌های پمپاژ و شیرالات انجام گرفته و در فاز اول این طرح حدود ۷۰ میلیون متر مکعب آب منتقل خواهد شد که معادل کل مصرف صنایع بزرگ اصفهان است.

نماینده دولت در استان اصفهان با تأکید بر اهمیت جداسازی آب صنایع از منابع داخلی گفت: این طرح ارزش بالایی دارد، چراکه آب مورد نیاز صنایع اصفهان را از زاینده‌رود جدا می‌کند و دغدغه جدی ما در این حوزه را کاهش می‌دهد. البته قرار نیست توسعه صنعتی جدیدی با این آب صورت گیرد؛ توسعه باید پایدار با رویکرد آب صفر و کربن صفر باشد. جمالی‌نژاد افزود: دوستان ما در دولت سیزدهم این طرح را با سرعت بالایی پیش بردند و با تلاش سه‌سفته همکاران، اجرای این مرحله به سرانجام رسید.

وی با اشاره به اهمیت این پروژه در مسیر احیای زاینده‌رود گفت: احیای زاینده‌رود یک کار پازلی و چندوجهی است که این پروژه یکی از تختسین قطعات آن به شمار می‌رود. اگر فاز دوم آن تکمیل شود، می‌تواند کل صنایع اصفهان را پوشش دهد و همین فاز اول نیاز صنایع بزرگ را برطرف خواهد کرد.

استاندار اصفهان همچنین با اشاره به پروژه‌های آتی گفت: پروژه‌های ماندگار دیگری مانند کوهرنگ ۲ در دستور کار ماست و علاوه بر تأمین منابع جدید، باید در مدیریت مصرف، صرفه‌جویی و فرهنگسازی هم جدی باشیم. پوشش‌هایی مثل شهروند مروج اصفهان منهای ۲۰ در همین راستا طراحی شده و با شهروندان می‌خواهیم روزانه ۲۰ لیتر کمتر مصرف کنند.

اتمام ۷ پروژه رونمایی مسکن ملی شمال سیستان وبلوچستان

۱۲ سیستان وبلوچستان
هفت پروژه رونمایی در سایت‌های طرح نهضت ملی مسکن شمال

سیستان و بلوچستان به اتمام رسید. معاون مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان در بازدید از سایت‌های طرح نهضت ملی مسکن زاهدان گفت: عملیات اجرایی هفت پروژه مهم رونمایی شامل چهار مدرسه، دو کالتری و یک مرکز درمانی در سایت‌های در دست ساخت نهضت ملی مسکن تحت پوشش این اداره کل با موفقیت به پایان رسید.

ابوالفضل مهدیار افزود: برای ساخت این طرح‌ها بیش از ۱۹۵ میلیارد تومان از محل اعتبارات وزارت راه و شهرسازی هزینه شده است. وی با بیان اینکه این پروژه‌ها با هدف ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و تأمین خدمات آموزشی، بهداشتی و امنیتی در کنار واحدهای مسکونی طرح نهضت ملی مسکن در دستور کار قرار گرفته بود، تأکید کرد: بعد از اتمام این پروژه‌ها در حال حاضر عملیات ساخت پنج مدرسه جدید در سایت‌های طرح نهضت ملی مسکن شهرهای زاهدان، مهرستان، خاش و میرجاوه با اعتبار بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان آغاز شده است.

معاون مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان تصریح کرد: هزینه‌های پروژه‌های مذکور از محل اعتبارات وزارت راه و شهرسازی تأمین شده و بر اساس تفاهنامه‌های منعقدۀ بین وزارت راه و شهرسازی، آموزش و پرورش و فرماندهی انتظامی کشور، تمامی کاربری‌های آموزشی و انتظامی به صورت مشارکی در سایت‌های مسکن ملی احداث می‌شود که این همکاری باعث تسریع در ارائه خدمات و افزایش کیفیت زیرساخت‌ها برای ساکنان خواهد شد. مهدیار با بیان اهمیت ساخت مدارس، مراکز درمانی و کالتری‌ها در کنار واحدهای مسکونی در سایت‌های طرح نهضت ملی مسکن سیستان و بلوچستان گفت: خدمت‌رسانی نظیر مدارس، مراکز بهداشتی درمانی و امکانات انتظامی نقش حیاتی در آسایش و رفاه ساکنان دارند و به نوعی مکمل مسکن محسوب می‌شوند، چراکه وجود این پروژه‌های رونمایی باعث ایجاد حس امنیت، سلامت و آرامش برای خانواده‌ها شده و کیفیت زندگی در این مناطق را به طور چشمگیری ارتقا می‌دهد.

وی ادامه داد: علاوه بر توجه به ساخت واحدهای مسکونی، ارتقای امکانات آموزشی و بهداشتی از اولویت‌های اصلی اداره کل راه و

شهرسازی در اجرای طرح نهضت ملی مسکن است تا سکونت در این

سایت‌ها صرفاً به تأمین سرانه محدود نشود، بلکه فضایی پویا و توسعه

یافته برای زندگی ایجاد شود.

نشانه‌دار شدن هزار و ۸۶۰ زوج نابارور در زنجان

۱۲ زنجان
در راستای حمایت از هزینه درمان زوج‌های نابارور هزار و ۸۶۰ زوج نابارور در استان زنجان گفت: بر اساس گزارش‌های استخراج‌شده از سامانه‌های الکترونیک، از ابتدای اجرای طرح «سال ۱۴۰۰» تاکنون هزار و ۸۶۰ زوج نابارور در استان نشان‌دار شده‌اند که با مراجعه به مراکز ارائه‌دهنده خدمت که شامل کلینیک درمان ناباروری بیمارستان آی‌تاله موسوی و بیمارستان الغدیر ابهر است که می‌توانند از خدمات لازم بهره‌مند شوند.

سعید کرمی زنجان‌یا با بیان اینکه میزان تعهد سازمان‌های بیمه گر در مراکز دولتی ۹۰درصد تعرفه دولتی، در مراکز عمومی غیر دولتی ۹۰درصد تعرفه مالکیت، در بخش‌های خصوصی ۷۰درصد تعرفه مالکیت است، افزود: علاوه بر آن هزینه ۶۶قلم داروی مرتبط با درمان ناباروری، به میزان ۹۰درصد تحت پوشش قرار گرفته است.

وی همچنین تصریح کرد: همچنین پر داخست هزینه‌های پاراکلینیک شامل آزمایشات بالینی(۵۶قلم) و ژنتیک (۱۶ قلم) و تصویربرداری(هفت قلم) به مرتبط با درمان ناباروری، خدمات فوق تخصصی (IUI شامل IVF، میکرواینجکشن، انتقال جنین و IUI) و پرداخت هزینه‌های ۲۸ قلم تجهیزات مرتبط با خدمات ناباروری از دیگر خدمات سازمان بیمه سلامت برای درمان زوجین نابارور است.

شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ | ۱۶ محرم ۱۴۴۷

سرویس شهرستان

ایران

سرویس شهرستان

شماره ۷۲۴۹

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

روزنامه جوان

بررسی راهکارهای حقوقی محکومیت رژیم صهیونیستی در حمله به غیر نظامیان کشورمان

جنایت جنگی تجریش در کدام دادگاه قضاوت می‌شود



و حکم غیابی برای عاملان این جنایت صادر کند. **میزان اعتبار حقوقی و ضمانت اجرای احکام صادره**

به طور کلی از طریق چهار مسیر می‌توان شکایت از این جنایت جنگی را به صورت بین‌المللی دنبال کرد اما نکته حائز اهمیت در این بین میزان اعتبار آرای صادره از هر یک از این چهار راه است. اثبات جنایت رژیم صهیونیستی و گذر از حق وتوی سایر دول متخاصم نمی‌تواند انتهای مسیر باشد بلکه باید مجرای قدرتمندتری برای مجازات وجود داشته باشد. ۱. دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC): اعتبار احکام این دادگاه مبتنی بر اساسنامه رم است و فقط برای کشورهایی که عضو آن هستند الزام‌آور است. ایران و رژیم صهیونیستی عضو نیستند، بنابراین دادگاه فقط در صورتی صلاحیت دارد که شورای امنیت پرونده را ارجاع دهد یا جرم در قلمروی کشوری عضو اتفاق افتاده باشد یا کشور ثالثی که عضو است، پرونده را ارجاع دهد و جرم در قلمروی آن کشور یا توسط تبعه آن رخ داده باشد، بنابراین اعتبار حقوقی این مسیر مشروط و

۳. مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ): دیوان ر کن قضایی اصلی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود و فقط رسیدگی آن معطوف به میان دولت‌هاست نه افراد. با این حال ایران و رژیم صهیونیستی صلاحیت اجباری دیوان را نپذیرفته‌اند و اگر اسرائیل رضایت ندهد، دیوان نمی‌تواند رسیدگی کند، بنابراین اعتبار حقوقی این مسیر ضعیف و مشروط به رضایت رژیم صهیونیستی است. از منظر اجرا نیز بنا بر ماده ۹۴^(۷) منشور رای‌های صادر شده توسط دیوان لازم الاجراست و اگر همکاری علیه رای را اجرا نکند محکوم له می‌تواند موضوع را به شورای امنیت ارجاع دهد. با این حال مجدداً رای وابسته به اراده سیاسی کشورهایی می‌شود که در شورا حق وتو دارند. ۴. دادگاه‌های ملی با صلاحیت جهانی: مطابق اصل صلاحیت جهانی (برخی کشورها اجازه رسیدگی به جرائم بین‌المللی یا نقض حقوق بشر را می‌دهند)، کشورها می‌توانند در خصوص جنایات بین‌المللی نظیر نسل‌کشی یا جنایت جنگی مبادرت به صدور حکم کنند حتی

حوزه قضایی مناسب. کشور‌های هدف باید واجد شرایط زیر باشند: پذیرش صلاحیت جهانی در قوانین داخلی مثل اسپانیا، بلژیک، هلند و آفریقای جنوبی؛ سابقه رسیدگی به دعاوی علیه مقامات دولتی دیگر کشور‌ها؛ استقلال نسبی قضایی و نبود موانع سیاسی شدید. ۲. تشکیل پرونده مستند و جمع‌آوری مدارک معتبر شامل شهادت عینی قربانیان؛ اسناد پزشکی، فیلم و عکس‌های ثبت‌شده؛ گزارش‌های کارشناسی بین‌المللی (فرضاً از سازمان‌های حقوق بشری)، مستندسازی ارتباط مستقیم میان مقامات صهیونیستی و واقعه محل تجاوز. ۳. همکاری حقوقی بین‌المللی، انعقاد ارداد با وکلای خبره محلی در کشور هدف؛ بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی (NGO) برای پشتیبانی رسانه‌ای و فنی و استفاده از ظرفیت دیپلماسی عمومی برای ایجاد فشار افکار عمومی. ۴. ثبت شکایت کیفری یا حقوقی (بسته به قوانین محلی و درخواست‌صور قرار جلب برای عاملان تجاوز نسل‌کشی یا اموال یا محدودیت‌های قضایی دیگر.



محدود است. از منظر اجرای احکام صادره از سوی این دادگاه می‌توان گفت نیروی اجرایی مستقلی وجود ندارد و اجرای احکام وابسته به همکاری کشور‌هاست. اگر کشوری متهم را تحویل ندهد، دادگاه نمی‌تواند آن کشور را مجبور به این امر کند. با این همه شورای امنیت می‌تواند فشار سیاسی یا تحریم اعمال کند، ولی اگر یکی از اعضای دائم مثل آمریکا وتو کند، ضمانت اجرا تضعیف می‌شود. ۲. شکایت به شورای امنیت سازمان ملل: به طور کلی تصمیمات شورا مطابق با ماده ۲۵^(۱) منشور ملل متحد برای تمامی اعضای آن الزام‌آور است و اعتبار حقوقی تصمیمات شورا بسیار بالاست. شورای امنیت به عنوان یک نهاد سیاسی (نه قضایی) می‌تواند بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد اگر تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص دهد علیه آن اقدام کند. ضمانت اجرای تصمیمات شورای امنیت به این صورت است که شورا می‌تواند تحریم اقتصادی یا دیپلماتیک اعمال کند، نیروهای نظامی یا نیروهای حافظ صلح اعزام کند و پرونده را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع دهد. با این حال باز هم هم حق وتوی اعضای دائم (امریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا) می‌تواند مانع صدور یا اجرای قطعنامه شود.

اگر جرم در کشور دیگری رخ داده باشد. اعتبار این احکام وابسته به قوانین داخلی کشور میزبان و وجود ندارد و اجرای احکام وابسته به همکاری کشور‌هاست. اگر کشوری متهم را تحویل ندهد، دادگاه نمی‌تواند آن کشور را مجبور به این امر کند. با این همه شورای امنیت می‌تواند فشار سیاسی یا تحریم اعمال کند، ولی اگر یکی از اعضای دائم مثل آمریکا وتو کند، ضمانت اجرا تضعیف می‌شود. ۲. شکایت به شورای امنیت سازمان ملل: به طور کلی تصمیمات شورا مطابق با ماده ۲۵^(۱) منشور ملل متحد برای تمامی اعضای آن الزام‌آور است و اعتبار حقوقی تصمیمات شورا بسیار بالاست. شورای امنیت به عنوان یک نهاد سیاسی (نه قضایی) می‌تواند بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد اگر تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص دهد علیه آن اقدام کند. ضمانت اجرای تصمیمات شورای امنیت به این صورت است که شورا می‌تواند تحریم اقتصادی یا دیپلماتیک اعمال کند، نیروهای نظامی یا نیروهای حافظ صلح اعزام کند و پرونده را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع دهد. با این حال باز هم هم حق وتوی اعضای دائم (امریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا) می‌تواند مانع صدور یا اجرای قطعنامه شود.

بهترین راهبرد حقوقی برای ایران
در حالی که گزینه‌های مبتنی بر سازوکارهای بین‌المللی رسمی از قبیل ICC یا ICJ با محدودیت‌های جدی مواجهند و نیاز به رضایت یا همکاری‌های سیاسی دارند، اقدام ایران از مسیر دادگاه‌های ملی ثالث، ضمن حفظ اعتبار حقوقی و انسجام فرایند، فرصت قابل توجهی برای برجسته‌سازی دعوای تعقیب حقوقی متخلفان فراهم می‌کند. هر چند این مسیر نیز مستلزم پایداری سیاسی، دقت حقوقی و بسیج رسانه‌ای هذفند است. گام‌های عملی در پیاده‌سازی این راهبرد بر چهار قسم تقسیم می‌شود: ۱. انتخاب

نمونه‌های عملی کشور‌ها در استفاده از اصل صلاحیت جهانی

در مسائل مختلف و کشور‌های دیگر نیز لزوم رجوع به دادگاه‌های ملی منجر به تأثیرات مثبتی دربارہ یک موضوع یا چالش جهانی شده است. اسپانیا در پرونده آگوستو پینوشه (شیلی)؛ قاضی اسپانیایی، بالنزار گارسون در سال ۱۹۹۸ حکم بازداشت بین‌المللی برای پینوشه به اتهام جنایت علیه بشریت صادر کرد. این حکم آغاز موج جهانی برای پاسخگویی به جنایات دولتی شد و جایگاه اسپانیا را در دفاع از حقوق بشر تقویت کرد. بلژیک قانون صلاحیت جهانی ۱۹۹۳؛ بلژیک پرونده‌هایی علیه مقامات رواندا، اسرائیل و امریکا تشکیل داد و در نتیجه آن به مرجع قضایی بین‌المللی برای قربانیان بدل شد. اعتبار حقوقی بلژیک در نهادهای بین‌المللی افزایش یافت هرچند در سال‌های بعد به دلیل فشارهای سیاسی محدود شد اما اثر نمادین آن باقی ماند. آلمان محاکمه مقامات سوریه؛ دادگاه آلمان در سال ۲۰۲۱، یک مقام اطلاعاتی سوری را به جرم شکنجه و جنایت علیه بشریت محکوم کرد. این اولین محکومیت رسمی یک مقام سوری در دادگاه آلمان بود و منجر به تقویت نقش آلمان در عدالت انتقالی شد. سوئیس پرونده حسین حبری؛

سوئیس در کنار سنگال، در پی شکایت قربانیان، پرونده‌ای علیه رئیس‌جمهور سابق تانزان تشکیل داد. این پرونده منجر به محاکمه حبری در دادگاه ویژه سنگال شد و اصل پاسخگویی را در آفریقا تقویت کرد و الگویی برای همکاری بین‌المللی در اجرای صلاحیت جهانی شد. فرانسه پرونده مقامات رواندا؛ فرانسه چندین مقام سابق رواندا را به اتهام مشارکت در نسل‌کشی ۱۹۹۴ تحت پیگرد قرار داد و منجر به افزایش اعتماد قربانیان به عدالت فراملی شد و جایگاه فرانسه در مبارزه با مصونیت قضایی ارتقا یافت. بریتانیا، پرونده علیه مقامات اسرائیلی: در سال‌های گذشته، فعالان فلسطینی تلاش کردند علیه مقامات نظامی اسرائیل در دادگاه‌های بریتانیا شکایت کنند. هر چند برخی پرونده‌ها به دلایل سیاسی متوقف شدند، اما فشار رسانه‌ای و دیپلماتیک قابل توجهی ایجاد شد و بحث‌های حقوقی گسترده‌ای در خصوص صلاحیت جهانی در بریتانیا شکل گرفت. آرتانتین پرونده جنایات فرانکو در اسپانیا؛ دادگاه‌های آرتانتین با استناد به صلاحیت جهانی، علیه مقامات رژیم فرانکو در اسپانیا پرونده تشکیل دادند. در نتیجه آن باز پرونده‌هایی که در اسپانیا مسکوت مانده بودند مجدد مورد رسیدگی قرار گرفتند و دولت اسپانیا برای رسیدگی داخلی تحت فشار قرار گرفت. آفریقای جنوبی پرونده علیه مقامات رژیم‌آپارته؛ دادگاه‌های آفریقای جنوبی شکایتی علیه مقامات رژیم‌آپارته به اتهام شکنجه ثبت کردند که منجر به تأکید بر تعهد آفریقای جنوبی بر حقوق بشر شد و نقش دادگاه‌های ملی در پیگیری جرائم فراملی را تقویت کرد.

مسار پیگیری کلیدی برای مطالبه حقوقی ایران
حمله اسرائیل به میدان تجریش، تنها یک حادثه جنگی نیست بلکه نماد آشکاری از بی‌توجهی به اصول اساسی حقوق بین‌الملل و اخلاق انسانی است. با وجود موانع دیپلماتیک و سیاسی، مسیرهای دیگری نیز قابل پیگیری هستند مشروط بر آن که مستندسازی سازماندهی مردمی و تحرک دیپلماتیک به شکل مؤثر انجام گیرد. در این میان می‌توان از طریق زیر نیز اقدام کرد؛ ارسال شکایت‌نامه مستدل به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و شورای حقوق بشر سازمان ملل با تأکید بر غیر نظامی بودن قربانیان، استفاده از ظرفیت نهادهای حقوقی داخلی مثل مرکز وکلای قوه قضائیه برای تنظیم اسناد رسمی و ارجاع به نهادهای بین‌المللی، درخواست اعزام هیئت حقیقت‌یاب مستقل برای بررسی حمله سازمان ملل در حوزه حقوق بشر و جنایات جنگی و استفاده از ظرفیت کشورهای بریکس.

ایران در اجلاس اخیر بریکس از اعضا خواست تا تجاوز اسرائیل را محکوم و از مطالبه عدالت حمایت کنند. این کشور‌ها می‌توانند نقش کلیدی در گفتمان‌سازی و فشار سیاسی ایفا کنند. ارسال احکام صادره از سوی دادگاه‌های ملی به سایر کشور‌ها تا در صورت ورود متهمان، مورد بازداشت واقع شوند، استفاده از ظرفیت دیپلمات‌های ایرانی در هند، چین، روسیه و آفریقا برای جلب حمایت سیاسی. **پی‌نوشت:** (۱) ماده ۲۵ منشور ملل متحد: «اعضای سازمان ملل متحد موافقت می‌نمایند تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور اجرا کنند.» (۲) ماده ۹۴ منشور ملل متحد:

۱. هر یک از اعضای ملل متحد متعهد می‌شود در هر اختلافی که طرف باشد، طبق تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری عمل نماید. ۲. اگر یکی از طرف‌های دعوی تعهداتی را که به موجب حکم دیوان مزبور برای او ایجاد می‌شود اجرا نکند، طرف دیگری می‌تواند به شورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند توصیه‌هایی کند یا برای اجرای آن حکم تصمیماتی اتخاذ نماید.

حتماً برات سؤال شده که:



دادنامه و واخواست چه تفاوتی با هم دارند؟

در مسیر پیچیده احقاق حق در نظام قضایی ایران، سه اصطلاح کلیدی بیش از سایر مفاهیم در پرونده‌های حقوقی و تجاری تکرار می‌شوند: «دادخواست»، «دادنامه» و «واخواست». هر یک از این واژگان، جایگاه خاصی در فرایند دادرسی دارند و اشتباه در فهم یا کاربرد آنها می‌تواند به رد دعوی از دست رفتن حقوق قانونی یا تأخیر در رسیدگی منجر شود.

دادخواست، آغاز رسمی دعوی حقوقی
دادخواست، در حقوق ما سندی کتبی است که خواهان (کسی که خواسته خود را از دادگاه طلب می‌کند) به دادگاه ارائه می‌دهد تا رسیدگی به یک ادعای حقوقی (دعو) آغاز شود. بنابراین دادخواست نقطه شروع هر دعوی حقوقی در دادگاه‌های ایران است. طبق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی، هیچ دعوایی بدون تقدیم دادخواست قابل رسیدگی نیست. دادخواست یک سند رسمی است پس باید مطابق قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی تنظیم شود. این سند باید در فرم مخصوص از طریق دفاتر خدمات قضایی یا سامانه ثنا ثبت شود و شامل اطلاعاتی چون مشخصات طرفین، خواسته، دلایل و امضا باشد. تنظیم صحیح دادخواست برای موفقیت در رسیدگی به دعوا بسیار مهم است و رعایت نکات قانونی و ارائه مدارک و مستندات کافی شانس موفقیت در دادگاه را افزایش می‌دهد. فرض کنید فردی مدعی است که مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان بابت قرارداد اجاره را مستأجر خود دریافت نکرده است. برای پیگیری قضایی باید دادخواست مطالبه وجه تنظیم کند و آن را به دادگاه صالح ارسال نماید. بدون دادخواست، حتی اگر مدارک کامل باشد، دادگاه وارد رسیدگی نمی‌شود.

دادنامه، محصول نهایی فرایند دادرسی
دادنامه، یک سند حیاتی در نظام حقوقی ایران است که با ثبت و اعلام رأی دادگاه مسیر رسیدگی به پرونده را مشخص و نقش مهمی در اجرای عدالت ایفا می‌کند. به طور کلی دادنامه رأی رسمی و مکتوب دادگاه است که در پایان رسیدگی به یک پرونده، پس از بررسی دادخواست، دلایل، دفاعیات و مستندات طرفین صادر می‌شود. مطابق ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، دادنامه باید شامل شماره پرونده، مشخصات طرفین دعوا، خواسته، موضوع شکایت، دلایل، تحلیل حقوقی دادگاه و نتیجه نهایی باشد. فرض کنید در پرونده مطالبه وجه در مثال قبلی، دادگاه پس از بررسی قرار داد، رسید پرداخت و دفاعیات مستأجر، رأی صادر می‌کند که «خوانده (کسی که از سوی خواهان دعوای علیه‌اش در دادگاه اقامه شده) محکوم به پرداخت مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان به خواهان بابت اجاره‌نامه مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۴ شد» بنابراین پس از رسیدگی به دادخواست رأی صادر می‌شود که این رأی در قالب دادنامه عنوان گذاری می‌شود. دادنامه به عنوان سندی رسمی مبنای اجرای حکم و اقدامات قانونی بعدی قرار می‌گیرد. همچنین می‌تواند امکان اعتراض به رأی دادگاه را برای طرفین فراهم کند، بنابراین قابل اجراست، مگر در صورت تجدیدنظرخواهی.

واخواست، اعتراض رسمی در دعای تجاری
واخواست در حقوق ایران و قانون تجارت به معنی اعتراض دارنده برات یا سفته به عدم پرداخت آن وجه در سر رسید مشخص است. به عبارت دیگر دارنده این سند تجاری با ارائه واخواست می‌تواند عدم پرداخت آن را به صورت رسمی اعلام کند، مهم است که واخواهی (در آینده به آن خواهیم پرداخت) در حقوق مدنی با واخواست در حقوق تجارت خلط میحث نشود. طبق ماده ۲۸۶ قانون تجارت، واخواست باید ظرف سه روز کاری از تاریخ نکول تنظیم شود تا مسئولیت تضامنی متعهدین حفظ شود. فرض کنید دارنده سفته‌ای به مبلغ ۵۰ میلیون تومان سفته‌ای در تاریخ سررسید به بانک مراجعه می‌کند اما پرداخت انجام نمی‌شود. شما باید ظرف سه روز به دفتر واخواست مراجعه و سند واخواست تنظیم کنید تا بتواند علیه صادر کننده و ظهرنویسان اقدام قانونی انجام دهید. بنابراین تنها با ارائه واخواست می‌توان در خواست نقد شدن مبلغ سفته و برات را داشت.

عنوان	حوزه کاربرد	نوع سند	مرجع تنظیم	مهلت قانونی	آثار حقوقی
دادخواست	امور آیین دادرسی مدنی	اغراض دعوی خواهان	دفتر خدمات قضایی یا دادگاه	فرامی‌گیرد رسیدگی	ثبت رسمی دعوی
دادنامه	نتیجه رسیدگی	رای قضایی	دادگاه رسیدگی کننده	طبق مقررات تجدیدنظر	صدور حکم یا رد دعوی
واخواست	امور مربوط به قانون تجارت	اعتراض رسمی	دفتر واخواست دادگستری	۳ روز کاری از نکول	حفظ مسئولیت تضامنی

مقایسه ساختاری و کاربردی

درک تفاوت‌های دادخواست، دادنامه و واخواست برای هر شهروندی که با نظام قضایی سروکار دارد، ضروری است. دادخواست آغاز مسیر دادرسی، دادنامه پایان آن و واخواست ابزاری برای حفظ حقوق در مسیر مطالبه است. بی‌توجهی به مهلت‌ها، فرم‌ها و کاربردهای هر یک می‌تواند به از دست رفتن حقوق قانونی منجر شود.

شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ | ۱۶ محرم ۱۴۴۷

کتابزایبک

وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با لوموند فرانسه ضمن انتقاد از نقش مخرب اروپایی‌ها به ویژه در ماه‌ها و هفته‌های گذشته تأکید کرد که محکوم کردن تجاوز صورت گرفته علیه تأسیسات ایران، یکی از اقداماتی است که اروپایی‌ها باید برای احیای جایگاه خود صورت دهند. او هشدار داد که چنانچه سه کشور، به استفاده از سازوکار ماشه متوسل شوند، تهران این کار را مساوی حمله نظامی می‌داند. عراقچی البته گفته که ایران اگرچه همچنان از آن بی‌تی خارج نشده اما این پایبندی نباید یک سو به باشد.

■ ■ ■

از آغاز مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا، اروپایی‌ها همواره تلاش می‌کردند جایگاه حذف شده خود را احیا کنند. ترویکا به ویژه در جریان ۱۲ روز تجاوز صهیونیست‌ها و امریکا به ایران، همواره با جانیباری همه‌جانبه از متجاوزان با جانشی تهدید، عملاً رویکرد رادیکال علیه ایران در پیش گرفت که به حمایت حداکثری رسانه‌های آنها نیز همراه بود. در این بین، استفاده از ساز و کار ماشه و تهدید به بازگرداندن تحریم‌های ایران، محور خط و نشان کشیدن اروپایی‌ها بود. روزنامه لوموند در گفت‌وگو با سیدعباس عراقچی درباره اظهارات ژان- نولل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه مبنی بر اینکه اروپا خواهان ایفای نقش در مذاکرات آینده است اما اگر ایران نپذیرد، احتمال بازگرداندن تحریم‌های لغو شده در سال ۲۰۱۵ از طریق ساز و کار ماشه وجود دارد، گفت: «تهدید به تحریم به دیپلماسی کمکی نمی‌کند، اگر اروپا واقعاً می‌خواهد نقش محوری ایفا کند، باید استقلال و بی‌طرفی خود را نشان دهد.» وی ادامه داد: «یکی از نشانه‌های این بی‌طرفی، محکوم کردن تجاوز اسرائیل و حمله امریکا به تأسیسات ایران است، کاری که فرانسه تاکنون ایفای ندهاده است. در چنین شرایطی، چگونه می‌توان از ایران انتظار داشت که به قواعد بازی بین‌المللی پایبند بماند؟» رئیس دستگاه دیپلماسی گفت: «روپا می‌تواند در حفظ توافق هسته‌ای و کاهش تنش‌ها نقش سازنده‌ای ایفا کند، به شرط آنکه رفتارهای تهاجمی اسرائیل را محکوم کند. ما از نقش سازنده سه کشور اروپایی (فرانسه، آلمان و

بریتانیا) در احیای برجام حمایت می‌کنیم، به‌شرط آنکه از اقدامات تحریک‌آمیز و غیرسازنده مانند تهدید به استفاده از ساز و کار ماشه خودداری کنند؛ اقدامی که از نگاه ما، معادل یک حمله نظامی خواهد بود.» عراقچی افزود: «از دیدگاه ایران، چنین اقدامی به معنای پایان نقش فرانسه و اروپا در پرونده برنامه هسته‌ای صلیح آمیز ایران خواهد بود.»

■ **می‌توانیم در خواست غرامت کنیم**
عباس عراقچی درباره خسارات وارد شده به ایران در پی حملات مشترک اسرائیل و امریکا گفت: «در پی از حمله ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای

که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود، خسارات جدی به‌بار آمد که ما اکنون در حال ارزیابی این هستیم، ما در جایگاهی هستیم که می‌توانیم برای این اقدام در خواست غرامت کنیم. ادعای نابودی کامل یک برنامه یا درخواست از یک کشور برای توقف برنامه صلیح آمیز هسته‌ای‌اش، که اهداف آن تأمین نیازهای انرژی، پزشکی، داروسازی و کشاورزی است، اشتباه محاسباتی است.» رئیس دستگاه دیپلماسی در پاسخ به سوآلی مبنی بر اینکه با شرایط فعلی، آیا ایران آمادگی دارد مذاکرات با ایالات متحده را از سر بگیرد، بیان کرد: «ایران همواره نشان داده که به‌طور



۱۵
روزنامه جوان | شماره ۳۴۹۹

هشدار وزیر خارجه به اروپا

عراقچی: اسنپ‌بک معادل حمله نظامی به ایران است

■ **چرا پاریس تحمل نمی‌کند**

عراقچی درباره صرف‌نظر کردن ایران از غنی‌سازی اورانیوم هم عنوان کرد: «ما غنی‌سازی اورانیوم را بر پایه حقوق خود ذیل پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) انجام می‌دهیم و همیشه گفته‌ایم که هیچ هدف نظامی نداریم. حتی اکنون، پس از اینکه مورد حمله قرار گرفتیم.» رئیس دستگاه دیپلماسی در پاسخ به این پرسش که آیا احتمال دارد ایران از آن بی‌تی خارج شود، گفت: «ما هنوز چنین قصدی نداریم. حتی در شرایط دشوار تحریم‌ها، ترور دانشمندان مان و عملیات خرابکارانه، نشان داده‌ایم که به پیمان NPT پایبند هستیم. افزون بر این، ما معتقدیم که رعایت مفاد این معاهده نباید یک‌سویه باشد.» وزیر امور خارجه در پاسخ به این پرسش که آیا حاضرید درباره برنامه موشکی بالستیک ایران مذاکره کنید، همان‌طور که برخی پایتخت‌های اروپایی از جمله پاریس درخواست کرده‌اند، تصریح کرد: «اگر فرانسه توسعه موشک‌های دوربرد توسط برخی کشورها را تحمل می‌کند و حتی آنها را می‌فروشد، چرا باید در برنامه دفاعی موشکی ایران که برود محدودی دارد و بخشی از توان بازدارندگی کشور است، مخالفت کند.»

■ **موضع انگلیس علیه ایران**

اروپا در شرایطی به دنبال سهم‌خواهی در مذاکره با ایران است که کمیت‌ه اطلاعاتی و امنیتی پارلمان بریتانیا با دست گذاشتن بر تهدیدی «فزاینده و غیر قابل پیش‌بینی» از جانب ایران به دولت توصیه کرده است که اقدامات بیشتری برای مقابله با آن اتخاذ کند. سفارت ایران در لندن گزارش این کمیت‌ه را «جانبدارانه و سیاسی» خواننده و اتهامات مطرح شده در آن را «بی‌پایه» توصیف کرده است. همچنین، روسیه به عنوان یکی دیگر از طرف‌های بالا را از آمادگی هر است که اورانیوم مازاد و با غنی‌ای بالا را از ایران در یافت کرده، آن را در دسترس روسی فرآوری و سپس اورانیوم غنی شده در سطح مورد نیاز برای استفاده در تیرگام‌های هسته‌ای را به ایران بازگرداند. سرگئی ریگوف با بیان اینکه این پیشنهاد را به طرف ایرانی و امریکایی داده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم در جریان است، گفت که این پیشنهاد هنوز وارد مرحله جزئیات عملیاتی نشده است.

اصولی آماده گفت‌وگو بر پایه احترام متقابل است. اما طرف مقابل ما (امریکا) یک توافق چندجانبه و بین‌المللی را زیر پا گذاشت. در میانه مذاکرات حریم هوایی ما را نقض و به تأسیسات ما حمله کرد.» وی گفت: «دیپلماسی مسیری دوطرفه است و این ایالات متحده بود که روند مذاکرات را قطع کرد و به سوسی حمله نظامی رفت. بنابراین، ضروری است که مسئولیت اشتباهات پذیرفته و نشانه‌ای روشن از تغییر رفتار مشاهده شود. باید تضمین شود که در آینده، در جریان مذاکرات، ایالات متحده حمله نظامی انجام ندهد.»

اتحادیه پیمانکاران اسرائیلی:

۶۰هزار کارگر نیاز بازسازی «تل آویو له‌شده»



هفته گذشته اظهارات ضدونقیضی درباره سرnosht این ذخایر هسته‌ای مطرح کرده‌اند. یک مقام تل آویو، به‌ویژه روزگفته ایران نتوانسته ذخیره اورانیوم غنی‌سازی شده خود را پیش از حملات هوایی امریکا به تأسیسات هسته‌ای این کشور هجا کند. این مقام ارشد گفته که با وجود این، ایران هنوز ممکن است بتواند به اورانیوم غنی‌سازی‌شده خود در اعماق زمین دست یابد، اگرچه بیرون آوردن آن بسیار دشوار خواهد بود.

این در حالی است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر صهیونیستی که پیش‌تر از مکان نگهداری اورانیوم غنی‌شده ایران اظهار بی‌اطمعی و ادعا کرده بود که تهران احتمالاً یک مرکز تحقیقاتی برای ادامه غنی‌سازی دارد، روز چهارشنبه به شبکه فاکس گفته بود اسرائیل باور دارد که می‌داند اورانیوم

باوجود تلاش‌های کابینه‌وزیم صهیونیستی برای کم‌اهمیت جلوه دادن تلفات ناشی از حملات موشکی ایران، اتحادیه پیمانکاران این وزیم با گذشت بیش از دو هفته از آتش‌پس نتانیاهو روز پنج‌شنبه در پایان سفر چهار روزه به امریکا، نتایج دیدارهای خود با دونالد ترامپ در واشینگتن را تشریح کرد. او به‌نوع‌مکس گفته است: «هرگز در تاریخ دوست و حامی‌ای مثل ترامپ، برای اسرائیل و دولت یهود در کاخ سفید نداشتیم. او فوق‌العاده است.» نتانیاهو همچنین در اظهاراتی جداگانه گفت که با رئیس‌جمهور امریکا درباره نوار غزه و منطقه تاقوق‌های داشتیم که بعداً اعلام خواهد شد. نتانیاهو می‌گوید «وارد مذاکرات برای برقراری آتش‌بس دائم خواهیم شد و این آتش‌بس باید براساس شرط‌های ما باشد. این اولین بار است که نخست‌وزیر وزیم صهیونیستی درباره آمادگی برای آتش‌بس دائم صحبت می‌کند، هرچند که او گفته که غیرنظامی شدن غزه، شرط آتش‌بس دائمی در این باره نیست. به نظر می‌رسد نتانیاهو بعد از ۶۵روز جنگ در غزه و به‌خصوص ضرباتی که طی روزهای اخیر ارتش از کمین‌های حماس دریافت کرده، در حال پذیرش این واقعیت تلخ است که با وجود کنترل بیش از ۷۰درصد غزه، امکان دستیابی به نتایجی فراتر از این ندارد، چیزی که نهادهای امنیتی اسرائیل در هفته‌های اخیر را روزیایی‌های خود به کرات اعلام کرده‌اند. در تازه‌ترین کمین فلسطینیان برای نظامیان وزیم صهیونیستی که پنج‌شنبه شب درخان بونس اتفاق افتاد، دست کم دو نظامی اسرائیلی کشته و چهار تن دیگر زخمی شدند که گفته می‌شود حال برخی از آنها وخیم است. البته برخی از منابع گفته‌اند که در این کمین که برای نظامیان لشکر ۳۶ارتش اسرائیل در خان بونس اتفاق افتاد، پنج نظامی صهیونیست کشته شده‌اند. سه‌شنبه شب نیز جین دیدار نتانیاهو با استیو ویتکاف، نماینده خاورمیانه‌ای امریکا در کاخ سفید، فلسطینیان یک کمین در بیت‌حانون انجام دادند که پنج نفر در آن کشته شدند. همچنین دیروز منابع صهیونیستی ک هلاکت یک صهیونیست در عملیات شهادت‌طلبانه در نزدیکی الخلیل واقع در کرانه باختری خبر دادند. سخنگوی ارتش وزیم صهیونیستی گفته که ۲۳ نظامی ما در بیت‌حانون کشته و زخمی شدند. رادیو ارتش وزیم صهیونیستی هم گزارش کرده که بعد از توقف آتش‌بس اخیر در مارس ۲۰۲۵ و بازسازی درگیری‌ها، ۴۰نظامی صهیونیست کشته شدند. این رادیو گزارش کرده که ۸۹۰ تن از سربازان ارتش این وزیم از آغاز جنگ کشته شده‌اند.

■ **ضربات سختی خوردم**

منابع صهیونیستی دیروز گزارش کردند یک نظامی اسرائیلی که ۳۰سال سن دارد در منطقه «فکار تواج» در کرانه باختری در خودروی خود یافت شده که به ضرب گلوله کشته شده و حدس و گمان‌های نزدیک به یقین است که او خودکشی کرده است. نخست‌وزیر وزیم صهیونیستی در بخش دیگری از سخنان خود گفته که دستاوردهای بزرگی در غزه داشته‌ایم اما هزینه‌های سنگینی نیز متحمل شده‌ایم. نتانیاهو گفته که اگر خلع سلاح حماس از طریق مذاکرات انجام شود که چه بهتر و اگر انجام نشود باید دستیابی به اهدافمان تلاش می‌کنیم.

■ **۶۰۰هزار کودک در خطر مرگ**

وزارت بهداشت فلسطین در نوار غزه با صدور بی‌بیانه‌ای نسبت به ادامه کمبود سوخت در بیمارستان‌ها هشدار داد و اعلام کرد که بیماران هر روز در آستانه مرگ قرار می‌گیرند. سخنگوی بیمارستان شهدای اقصی غزه از نیاز مبرم بیمارستان‌های این منطقه به واحدهای خون خبر داد و خواستار مداخله بین‌المللی در این باره شد. به گزارش روز جمعه ایران‌به نقل از رسانه‌های فلسطینی، خلیل دفران، سخنگوی بیمارستان شهدای اقصی غزه در اظهاراتی گفت: خواستار ورود بین‌المللی فوری برای ارسال واحدهای خون به بیمارستان‌های غزه در راستای نجات جان مجروحان هستیم. روتیزر در گزارشی با اشاره به نگرانی‌های فراینده درباره وضعیت حقوق بشر در غزه، نوشت: اتحادیه اروپا روز پنج‌شنبه سندی محرمانه را منتشر کرد که در آن ۱۰گزینه دیپلماتیک برای اقدام علیه (وزیم) اسرائیل تشریح شده است. این سند محرمانه که توسط سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا تهیه شده و به‌دست رسانه‌هایی مانند روتیزر و روزنامه استریت تایمز رسیده است، پس از آن منتشر شد که بررسی‌های داخلی این اتحادیه نشان داد اسرائیل احتمالاً تعهدات حقوق بشری خود را در چارچوب توافقنامه همکاری با اتحادیه اروپا نقض کرده است.

غنی‌سازی‌شده ایران کجاست: «زیر زمین دفن شده و نشانه‌ای خلاف این موضوع در دست نیست.» این اظهارات نشان می‌دهد که سران تل آویو اطلاعات دقیقی از محل نگهداری اورانیوم غنی‌شده ایران ندارند و همه چیز در حد حدس و گمان است.

■ **انهدام گنبد امن پایگاه العدید**

علاوه بر سرزمین‌های اشغالی، امریکا نیز به عنوان مهم‌پیمان وزیم صهیونیستی از تلفات ضربات موشکی ایران بی‌نصیب نمانده است. با اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا سعی می‌کرد حمله موشکی ایران به پایگاه امریکایی العدید در قطر را بدون آسیب نشان دهد اما تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که حمله ایران یک گنبد ژئودزیک ارتباط امن را هدف قرار داده است. پس از تصاویر که از طرف آسوشیت‌پرس تجزیه و تحلیل شده‌اند، نشان می‌دهند که گنبد ژئودزیک که محل قرارگیری تجهیزات مورد استفاده امریکایی‌ها برای ارتباطات امن است، پس از حمله از بین رفته‌است. تصاویر ماهواره‌ای از گنبد ژئودزیک قابل مشاهده در پایگاه هوایی العدید را تنها چند ساعت پیش از حمله، نشان می‌دهد. شایعه افزای هوایی ۲۹۹سری هوایی امریکا که از این پایگاه فعالیت می‌کند، در سال ۲۰۱۶از نصب این قطعه تجهیزات ۱۵ میلیون دلاری، معروف به یک ترینال سازمانی مدرن، خبر داد. گفته می‌شود که آن‌ان در عملیات یک آنتن ماهواره‌ای را در داخل گنبد، معروف به رادوم نشان می‌دهد.

حماس: تحریم آلبانیز نشانه مشارکت امریکا در کشتار کودکان و زنان غزه‌است

نشانیگر سوگیری دولت امریکا و مشارکت آن در کشتار کودکان و زنان غزه است. مقاومت اسلامی افزود: «اقدامات تنبیهی امریکا علیه نهادهای و شخصیت‌ها که نقش حرفه‌ای اخلاقی خود را در قبال جنگ کشتارجمعی در غزه ایفا می‌کنند، منجر به نابودی پایه و اساس قانون بین‌المللی می‌شود.» انور العونی، سخنگوی ارشد اتحادیه اروپا هم دیروز گفت: «اتحادیه اروپا قویاً از نظام حقوق بشر سازمان ملل متحد حمایت می‌کند و تصمیم برای تحریم خانم آلبانیز را عمیقاً تأسفیرانگیز می‌داند.» سخنگوی اتحادیه اروپا در پاسخ به سوآلی درباره احتمال پیشرفت در زمینه استفاده از مقررات برای مقابله با تحریم‌های امریکا علیه قضات دیوان کیفری بین‌المللی هم گفت: «ما به‌صورت مستمر با کشورهای عضو در حال تبادل نظر هستیم و به دقت پیامدهای دستوراجرائی امریکا را رصد می‌کنیم.» همچنین آگنس کالامارد، دبیر کل سازمان غفو بین‌الملل، در این بیانه گفت که گزارشگران ویژه برای خوشایند دولت‌ها یا محبوب بودن منصوب نمی‌شوند، بلکه ماوریت‌شان اجرای

مجله
هادی محمدی

قاعده‌سازی جدید برای بازدارندگی

جنگ ۱۲ روزه وزیم صهیونی و امریکا، درس‌ها، عبرت‌ها و نتایج مهمی در بر داشت که هر یک از آنها نیازمند مباحث و اقداماتی جدی است. با اینکه وزیم صهیونی با اعتراف خودشان، ضربات تاریخی و ویرانگری را شاهد بودند و این ضربات، مخفیگاه نتانیاهو در زیر ساختمان وزارت جنگ این رژیم را هم نابود کرده و ماه‌ها برای بازسازی آن باید وقت و هزینه صرف نمایند ولی برای فریب جامعه صهیونی و جهانی، هنوز هم از پیروزی در جنگ با ایران سخنی می‌گویند و لشکر سایبری و مجازی آنها، برای ارباب افکار عمومی داخلی ایران و تردیدسازی در پیروزی غلطی که برای ایران حاصل شد، سعی در ترویج اخبار احتمال حمله جدید و فوری علیه ایران دارند. ویرانی‌ها در پایگاه‌های نظامی، اطلاعاتی، حکومتی و اقتصادی این رژیم آنچنان است که تا مدت‌ها قادر به ایستادن نخواهد بود و از هم اکنون به دنبال جاج‌گیری از کشورهای حامی غربی و شرکت‌های چندملیتی و البته وابسته به صهیونیسم جهانی است تا بخشی از این بودجه را برای چند سال دریافت کند. جنگ زمانی پایان می‌یابد که نتایج آن تبدیل به یک روند بازدارندگی و سیاسی شود ولی ماهیت و درنده‌خویی امریکا، غرب و صهیونیسم که به دنبال اعتراف به شکست و هیمنه پوشالی خود نیستند، یک راه روشن دارد. طی ۱۲ روز جنگ، اراده اجتماعی و ساختاری و نظامی ایران برای ایستادگی و ضربه دشمن متجاوز کاملاً آشکار شد و صهیونیست‌ها و ترامپ آن را به خوبی درک کردند. اگرچه نظام اسلامی ایران هیچ‌گاه به دنبال جنگ نبوده و در جایگاه دفاع از کشور، مردم و نظام قدرتمندانه ظاهر شده است ولی جنگ شناختی و روانی دشمن و طمع‌ورزی آنها باید متوقف شود. اعتراف به شکست و عقب‌نشینی برای این جبهه ضررات زمانی است که امکان استمرار سیاست تجاوز کارانه با اهداف استعماری و غارتگرانه را برای خود برهزینه یا غیر ممکن ببینند. اینکه سفارت انگلیس در فاصله کوتاهی از پایان جنگ فعالیت خود را در تهران آغاز کرده به این معناست که سرمایه‌های مزدوران خود در داخل ایران را در خطر می‌بینند و برای سر و سامان دادن به باقیمانده این شکیه مزدوران قصد فعال شدن دارند، در کنار تدابیر دیپلماتیک و هشدارهای لازم به استعمار پیر، پاکسازی کشور از این مزدوران، اقدام حیاتی و فوری برای دستگاه‌های مسئول است. با این حال، آنچه باید در تکمیل نابود کردن ابزارهای دشمنان در جبهه شرارت دنبال شود، اینکه قاعده بازی و جنگ را مبتنی بر پایان پیروزی در جنگ ۱۲ روزه، به آنها تفهیم و تحمل نماییم.

انتخاب موضوع مؤثر که دامنه وسیعی در آن است، باید در عرصه دیپلماسی و مذاکره، تعامل با آژانس با قواعد جدید، سقف مطالبات جدید ایران در مذاکره، تجمع پراکنی از مزدوران امریکا و وزیم صهیونی در کوه‌های قندیل، تعریف قواعد جدید برای تردد کشتی‌های نظامی و غیرنظامی امریکا در مرزهای امنیتی ایران، هشدار عملیاتی در قبال ساخت سه پایگاه جدید هوایی امریکا در شرق عربستان، تعریف قواعد جدید برای تحرکات امریکایی، انگلیسی... و در پایگاه‌های نظامی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس... می‌تواند دنبال شود. با این حال، بازدارندگی در قبال دشمن وحشی صهیونی و امریکایی و غربی، نیازمند یک ضرب‌بشت نمادین جدید نیست تا کاملاً درک کنند که ممکن است اراده مستحکم پاسخگویی به تهدید را راهبرد دفاع درمقابل دشمن به راهبرد هجومی و پیشدستانه تغییر نماید. مرزهای امنیتی و تجسسی و پروازهای حامیان رژیم صهیونی در نوا قواعد جدید جنگ و بازی، بتوانند کارکردهای خود را در تغییر رفتار دشمن نشان دهد و ثبت نماید.

چشم‌انداز اولین گروه‌پ.ک.ک

سلاح‌های خود را در عراق تحویل دادند

اعضای حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در مراسمی در منطقه کردستان عراق، دو ماهه پس از اعلام پایان چهار دهه درگیری مسلحانه اعضای کرد علیه دولت ترکیه، سلاح‌های خود را زمین گذاشتند. گروهک تروریستی پ.ک.ک روز جمعه در اولین بیانه خود اعلام کرد: «از این پس، مبارزه ما برای آزادی از طریق ابزارهای قانونی و سیاست‌های دموکراتیک، مبتنی بر صدور قوانین ادغام دموکراتیک، ادامه خواهد یافت. برای دستیابی به این هدف، امروز با اراده آزاد خود در پاسخ به ندای رهبرمان عبدالله اولاجان به اینجا آمده‌ایم و سلاح‌های خود را در مقابل شما تسلیم می‌کنیم.» به گزارش کردپرس، مراسم خلع سلاح نمادین نیروهای پ.ک.ک با مشارکت چند چهره‌ها و مقامات سیاسی و رسمی عراق و اقوام کردستان و نمایندگانی از ترکیه در غار جانسه در ۵۰ کیلومتری شهر سلیمانیه برگزار شد. خبرگزاری عراق (واج) دیروز گزارش داد: «اولین مرحله از تحویل سلاح که امروز انجام شد، شامل تحویل سلاح به ۳۰ عضو در غار جانسه، با حضور چندین نهاد رسمی و سازمان‌های بین‌المللی بود.» بر اساس این گزارش، هر حله دوم تحویل سلاح‌های حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) ظرف چند روز آینده آغاز خواهد شد. یک مقام ترکیه‌ای در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه، از مراسمی که در آن ۳۰ عضو حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) سلاح‌های خود را در شمال عراق نابود کردند، تمجید کرد و این اقدام را «قطعه عطفی» و «قطعه عطفی بر گشت‌ناپذیر» در مسیر صلح توصیف کرد. این مقام ترکیه‌ای تأکید کرد که «مین گذاشتن سلاح‌های جنگجویان به پ.ک.ک به سلیقه‌ای عشق‌زدانه نیست. بلکه یک گام ملموس و خوشایند است.» وی افزود: «ما این تحول را یک نقطه عطف بر گشت‌ناپذیر می‌دانیم.» در این راستا گروه صلح جامعه دموکراتیک، وابسته به حزب کارگران کردستان، با زمین گذاشتن سلاح در سلیمانیه، ابراز امیدواری کرد این تصمیم آغازی نو به صلح و آزادی باشد. در حالی که گزارشگران این گروه بیان اینکه، نیک و اراده صادفانه خود را با نابود کردن سلاح‌های مان در این لحظه تاریخی ابراز می‌کنیم، اشاره کرد: «ما را داریم که این گام، زمینه‌ساز تصویب قوانینی خواهد بود که از ادغام دموکراتیک حمایت می‌کنند.»

آلمان انتظار «تندبادهای جهانی» دارد

فردریش مرتس، صدراعظم آلمان طی نشستی با نمایندگان ایالت‌های مختلف این کشور از آنها خواست که نسبت به بحران‌های اقتصادی و امنیتی احتمالی آینده آمادگی داشته باشند و افزود: روابط دو سوی اقیانوس اطلس در حال تغییر است، زمان فکر و تأملش پایان رسیده و یاد سختی در اقتصاد جهانی در حال وزیدن است. به گزارش ایرنا به نقل از آنا تولی، فردریش مرتس روز جمعه خطاب به مردم و مقامات کشور گفت که باید برای بحران‌های احتمالی امنیتی و اقتصادی جهان در سال‌های آینده آماده شوند. مرتس گفته جهان در حال حاضر شاهد تحولی عمیق در نظم ژئوپلیتیکی است. وی گفت: «روسیه به جنگ تهاجمی خود علیه اوکراین ادامه می‌دهد، ما با تهدیدات هیبریدی روسیه علیه آلمان مواجه هستیم و در واقع روسیه به‌طور مداوم آمادگی ایجاد می‌کند. او مانند سایر گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان ملل یک متخصص مستقل حقوق بشر است که توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل منصوب شده و به شورای حقوق بشر گزارش می‌دهد.»

